

یادآوری وعده تاریخی مدیران شهری به تهرانی‌ها

پایتخت بدون شهرسازی

روزگاری نه‌چندان دور، شهرسازی رفتن لذت دیگری داشت؛ تفریح جذاب تابستانی خانواده‌ها بود و حتی بسیاری از خانواده‌هایی که به تهران سفر می‌کردند، یک بار سری به شهربازی می‌زدند. تهران، سال‌هاست دیگر شهربازی ندارد و مکان‌های تفریحی سربسته پاساژها و مال‌ها، آن کارگرد جمعی و خانوادگی خاطره‌انگیز را ندارند و نسلی که شاید بسیاری از ابزار مدرن را برای تفریح و سرگرمی تجربه کرده باشند، اما لذت شهربازی‌ها را نچشیده‌اند.

صفحه ۶

سرمقاله

چگونه می‌اندیشیم؟

سیاست‌گذاری نظامی –امنیتی (۳)



کیومرتا شترینان

آخرین بخش در موضوع سیاست‌گذاری نظامی–امنیتی از نظر خوانندگان می‌گذرد.

۹- یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های امنیتی برای هر کشوری آن است که نیروی امنیتی و اختیارات او در مدت‌زمانی طولانی تحت تأثیر افرادی غیرمرتبط با کار او و با انگیزه‌های مشخص سیاسی قرار بگیرد. این‌گونه به تدریج حیطه عمل سیستم به‌طور ناخودآگاه در تسلط شماری اندک درمی‌آید و راه برای جدایی از مردم، نفوذ و ده‌ها آسیب دیگر فراهم می‌شود. این مسئله کارایی مؤلفه امنیت را در بهره‌برداری از همه نیروهای ملی که ازجمله در فناوری‌های نوین متبحرند، بازمی‌دارد. در چنین شرایطی توصیه می‌شود در حیطه اجرای امنیت از جناح‌های گوناگون استفاده شود نه از یک جناح یا حلقه سیاسی خاص. توصیه می‌شود مدیران نظامی–امنیتی چون جریان رود، نو به نو تغییر یابند تا گرفتار آسیب‌های موجود در جریان اجرایی نشوند. ۱۰- فناوری‌های جدید می‌توانند رژیم امنیت بین‌الملل را دچار دگرگونی اساسی کنند. مرزبندی‌ها به‌تدریج تغییر می‌یابد. رژیم امنیت دیجیتال، کشورها را در هم می‌پیچد. هرکرا نقش تئوریسم بین‌الملل را بیش از پیش ایفا می‌کنند. رژیم‌های کنترل تسلیحات دیجیتال در حوزه‌هایی مانند فضای سایبری، هوش مصنوعی، سلاح‌های خودکار و... گریزناپذیر است و اینها همه و همه نیازمند اطلاعات و اشراف فنی–تخصصی در امور نظامی–امنیتی دیجیتال است. در فرایند «دیجیتالیزیشن» روابط نظامی–امنیتی بیش از پیش با روابط بین‌الملل گره می‌خورد. اتحادیه‌های جدیدی حول پلتفرم‌های امنیتی می‌تواند شکل بگیرد. این شرایط حوزه‌های جدیدی را می‌گشاید و وظایف مشترک جدیدی را هم‌زمان برای دستگاه دیپلماسی و دستگاه امنیتی–نظامی پدید می‌آورد. شناسایی این حوزه‌ها از منظر تدابیر سیاست‌گذاری عمومی ضروری است.

۱۱- تحولات دیجیتال از هوش مصنوعی و انبوه‌داده گرفته تا رشد شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش حوزه شناختی را به موضوعی امنیتی تبدیل کرده است. علوم شناختی، هوش مصنوعی، داده‌کاوی، الگوریتم‌های قابل اعتماد برای پشتیبانی از محاسبات و... به موضوعاتی تبدیل شده‌اند که شناخت عمیقی برای آن لازم است. نمی‌توان سرنوشت آن را به آدم‌های غیرمتخصص یا جناحی سپرد. آسیب این است که حوزه شناختی را به آدم‌های غیرمتخصص و شعارپردازان بسپاریم که فکر می‌کنند همه چیز می‌دانند و از تئوری‌های توطئه بهره می‌برند. آسیب مهم‌تر این است که این افراد مبادا مقامات سیاسی–امنیتی را گمراه کنند؛ این است همه رنجی که می‌کشیم؛ در گذشته گاه برخی از سخنرانی‌ها و برنامه‌های موجود در رسانه‌های عمومی را در حد شوخی می‌پنداشته‌ایم، اما شگفت‌آور آنکه همین افراد سر از محیط‌های تصمیم‌ساز اجرایی درمی‌آورده‌اند.

۱۲- هرچه پیچیدگی اجتماعی، اقتصادی و فناوری بیشتر می‌شود، رژیم‌های سیاسی در معرض «ناآگاهی فرایندی» و «غفلت ساختاری» قرار می‌گیرند. فرایندهای سیاست‌گذاری می‌تواند در غفلت دیوانی غرق شود؛ چون نظام اداری به‌تدریج از «کارشناسی» به کارمندی تحول می‌یابد و توان درک نظامات دانشی جدید را نمی‌یابد. این پدیده به تدریج به ناشنوائی، ناپیایی و گنگی در ساختارهای سیاسی، سازمانی، امنیتی و... منجر می‌شود. به‌مثابه یک راه‌حل (و البته در حد یک اشاره) آنچه از آن به نوآوری باز (open innovation) تعبیر می‌شود، می‌تواند فضای باز سازمانی را در امور امنیتی نیز بگشاید و ایستارهای ذهنی و نارسایی‌های ساختاری را در معرض نقد برون و درون‌زمانی در دستگاه‌های امنیتی قرار دهد. این خود یک اقدام مثبت امنیتی است. فضای باز و آزاد امنیت بیشتری به ارمغان می‌آورد؛ چون همگان در معرض قضاوت و اصلاح از سوی دیگران هستند.

۱۳- «پلتفرم‌های دیجیتال» در دنیای امروز به بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی–امنیتی تبدیل شده‌اند تا جایی که سخن از «سرمایه‌داری پلتفرمی» می‌رود. بیره نیست که به «امنیت ملی پلتفرمی» اشاره کنیم و اینکه شرکت‌های فناوری بزرگ می‌توانند قدرتی سهمگین تولید کنند که دولت‌های ملی و نظامات فعلی بین‌المللی را به چالش بکشد. شرکت‌های بزرگ فناوری ابرقدرت‌های جهان جدید هستند؛ با ابزارهای اقتصادی «تسلیمات» جدید و نیروهایی کاملاً متفاوت. این، چشم‌انداز دیگری را در امور امنیتی برای ما می‌گشاید و اینکه پیوندهای بسیار عمیق‌تر و پلتاقمی مدنی باید میان نیروهای اجتماعی، کارشناسان فنی و کارشناسان نظامی برای امنیت ملی پدید آید. نیاز به «نسل کارشناسی مدنی» چنان است که نمی‌توان امنیت را یک جنبیه و بدون توجه به مطالبات نیروهای مدنی و تفاهم اجتماعی–سیاسی با آنان در نظر گرفت. تاب‌آوری امنیتی با تاب‌آوری اجتماعی پیوند عمیق‌تری یافته است و هیچ‌یک از این نیروها نمی‌تواند بر طبل واگرایی بکوبد. در این فضای جدید، نهادهای دموکراتیک بیش از پیش به زیرساختی حیاتی برای امنیت ملی تبدیل شده است.



یکشنبه ۵ تیر ۱۴۰۱ • ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ • ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۲ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

بورل و عبداللهیان از بازگشت ایران و آمریکا به میز مذاکرات خبر دادند

برجام در دسترس؟

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید



عکس: امیرجدیدی

در کنار این موضوع هم بارها شاهد انتقاد فعالان اجتماعی ازدسترس‌بودن مواد مخدر در محلات بودیم که همین سهل‌بودن بر شدت گستردگی اعتیاد مؤثر خواهد بود، مریم افراز، فعال مدنی هم اشاره می‌کند که الان تهیه مواد از تهیه یک تکه نان هم آسان‌تر است و بر همین اساس تا وقتی که وضعیت اعتیاد زنان و کودکان انکار شود و در سطح ملی بررسی نشود و از سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده نشود، نمی‌توان درباره کاهش آسیب صحبت کرد. با وجود این گستردگی اعتیاد بین زنان و کودکان، اما آمار دقیقی از آن در دسترس نیست تا برای کاهش آسیب به تناسب آن اقدامی صورت گیرد، سال گذشته هم رئیس مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی گفته بود: متأسفانه اطلاعات دقیق و شفاف و به‌روزی نداریم که بتوانیم به قطعیت الان بگوییم آمار اعتیاد یا اختلال مصرف مواد چقدر است، چه برای زنان و چه برای مردان. درباره زنان به‌دلیل محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی عدم قطعیت در آمارها بیشتر است و طبق شیوع‌شناسی سال ۱۳۹۴ حدود ۱۰ درصد جمعیت مصرف‌کننده مواد، زنان بوده‌اند که با توجه به برآورد جمعیت مصرف‌کنندگان مواد (دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) زنان معادل ۲۸۰ هزار نفر از این جمعیت‌اند.

این گزارش را در صفحه ۸ بخوانید



نسترن فرخه: به اجبار پدرم ازدواج کردم و به اجبار همسرم مواد مصرف کردم، اما به‌خاطر فرزندانم پاک شدم و پاک می‌مانم. اعتیاد همچون سیاهی، زیست هر انسانی را به تباهی می‌کشاند و محلات حاشیه پر است از زنان و کودکانی که اجبار و جبر علت تباهی آنها شده و بدون هیچ بناهی تنها راهشان جلودرفتن در این مسیر سنگلاخی است که البته با وجود افزایش رو به رشد معضلات اجتماعی، اعتیاد شکل زنانه و کودکانه هم به خود گرفته است. یعنی درگیری و اعتیاد در بین زنان و کودکان بیشتر شده و حتی در اردیبهشت سال قبل مدیر کل درمان و حمایت‌های اجتماعی ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان اینکه تخمین زده می‌شود که حدود ۱۵۶ هزار زن معناد در کشور وجود داشته باشد، گفته بود: طبق بررسی‌های پراکنده صورت‌گرفته، سرعت رشد اعتیاد در زنان و جوامع زنانه رو به افزایش است.

متن و حاشیه

قاچاق و سرمایه‌گذاری اندک، مانع رشد تجارت الکترونیک

نسبت به محصول خارجی عرضه می‌شود؛ بنابراین کالایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود و به بازار آقلاین در دسترس است، از استقبال بیشتری برخوردار است. کالاهایی که امکان عرضه در پلتفرم‌های بزرگ آنلاین را ندارد؛ زیرا ماهیت این پلتفرم‌ها بر مبنای شفافیت است. تجارت الکترونیک به دلیل شفافیتی که دارد قادر به رقابت با بازار قاچاق نیست و دراین‌میان نه مصرف‌کننده ایرانی راضی است، نه تولیدکننده داخلی سود می‌برد، نه تجارت الکترونیک رونق می‌گیرد و نه حتی از این بازار نفعی نصیب دولت می‌شود. درحالی‌که واردات قانونی و عرضه در بازارهای شفاف مثل فروشگاه‌های آنلاین، به دولت در مدیریت عرضه و تقاضا نیز کمک می‌کند. بازار قاچاق نفّس تجارت الکترونیک را بریده است و اگر فکری به حال آن نشود، سهم تجارت الکترونیک در ایران رشد درخور توجهی نخواهد داشت.

دلیل دوم سهم کوچک تجارت الکترونیک در ایران، موضوع سرمایه‌گذاری ناچیز در این حوزه است. تجارت الکترونیک برای مقیاس‌پذیری نیاز به سرمایه‌گذاری‌های درخور توجه دارد. حجم سرمایه‌گذاری انجام‌شده در همه حوزه‌های تجارت الکترونیک در ایران از بدو پیدایش تاکنون کمتر از نیم‌میلیارد دلار تخمین زده شده است. درحالی‌که سه استرات‌آپ کثیر و ترندبول در ترکیه و نون‌دات‌کام در امارات متحده، فقط در سال گذشته میلادی در مجموع حدود ۵.۵ میلیارد دلار سرمایه جذب کرده‌اند. نیم‌میلیارد دلار در ۱۵ سال، در مقابل ۵.۵ میلیارد دلار در یک سال! یکی از دلایل عدم سرمایه‌گذاری در ایران تحریم‌ها بوده است. تجارت الکترونیک صنعتی پیشران است که عدم ارتباط با دنیا موجب کوچک‌ماندن آن می‌شود. تحریم‌ها امکان

روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها: پرویز پیران

کوزه‌های پر از خون

خیلی سال‌های دور رفته بودیم همدان و از آنجا می‌خواستیم برویم لاله‌جین تا گزارشی از سفالگری این شهرستان برای مجله «کیهان بچه‌ها» تهیه کنم. الان آن‌قدر از آن سال‌ها می‌گذرد که هیچ نقطه درخشانی از آنجا در ذهنم نمانده است جز کوزه‌های گلی و ظرف‌های سفالی لاچوردی. بیان آن خاطرات هم ارزشی ندارد...

صفحه ۱۱



برخی ابریده‌کاران بانکی وام‌های کم‌بهره با مهلت بازپرداخت ۴۰ ساله و بیشتر گرفته‌اند

دست‌ودل بازی‌های عجیب بانکی

واشکافی ریشه اصلی انشقاق در میان اصولگرایان

رؤیایی که در راه ماند

معضل جدید ورزشکاران ایرانی برای سفر به ینگه دنیا

کارت پایان خدمت سپاه وویزای آمریکا

پیام‌های مجازی کار خود را می‌کنند

روحانی و رئیس‌روی ترازوی اینستاگرام

یادداشت روزنامه‌نگاران

لزوم توجه به آموزش ریاضیات



علی معظمی

کنکور ورودی دانشگاه‌ها در سال ۱۴۰۱ آخر همین هفته آغاز می‌شود. مجموعه‌ایک میلیون و ۴۸۹ هزار و ۴۹ نفر در پنج رشته کنکور ثبت‌نام کرده‌اند. از این تعداد رشته تجربی با ۵۴۷ هزار و ۴۷۲ نفر بیشترین داوطلب را دارد و رشته ریاضی با ۱۲۵ هزار و ۷۴۷ نفر، یعنی زیر ۱۰ درصد کل داوطلبان، کمترین تعداد را. در سال‌های اخیر درصد داوطلبان ریاضی به‌طور پیوسته رو به افول بوده است. اگر بی‌رغبتی به ادامه تحصیل در رشته ریاضی را کنار واقعیت‌های دیگری بگذاریم، معلوم می‌شود که با چه بحرانی در آموزش این رشته مواجهیم: اول اینکه در سال‌های اخیر با بهانه‌هایی سست، بخش‌هایی از محتوای آموزشی ریاضیات دبیرستانی حذف شده و به‌طور مرتب از محتوای تدریس ریاضیات کسر شده است. دوم اینکه اگر به کارنامه پذیرفته‌شدگان سال‌های اخیر در رشته‌های علوم ریاضی و فیزیک و مهندسی شهرهای مختلف نگاه کنیم می‌بینیم که شمار قابل توجهی از داوطلبان با درصدهای نزدیک صفر یا حتی منفی در آزمون‌های ریاضیات (و فیزیک) در این رشته‌ها قبول شده‌اند، یعنی همین کسانی باقی‌مانده را نیز به‌درستی نیاموخته‌اند. بی‌رغبتی به ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط با ریاضیات چند دلیل می‌تواند داشته باشد؛ ضعف آموزش باعادتاییکی از این دلایل است. درسی که عموماً به‌خوبی تدریس نشود، رغبتی برای ادامه نیز برنمی‌انگیزد. دیگر اینکه با روند مزمن صنعت‌زدایی از فرصت‌های شغلی واقعی مهندسی و طراحی کاسته‌شده و دانش‌آموزان آتیه‌ای در خوندن رشته‌های مربوط به ریاضی نمی‌بینند. این خود به دور باطلی دامن می‌زند که آینده کشور را، در این دوران آوج‌گرایی پیوسته فناوری و صنعت، تهدید می‌کند. بدون آموزش صحیح و پرمحتوای ریاضیات، آینده صنعت و اشتغال واقعی تاریک است و با افول بیش از بیش توان تولید فناوریانه صنعتی، بیش از پیش با این خطر مواجه می‌شویم که زیردست کشورهای دیگر شوم. مسئله مهم‌تر اینکه آموزش ریاضیات در واقع آموزش شیو اندیشیدن منطقی و مال خود کردن استدلال است. از عوام و خواص کسانی می‌گویند «این درس‌ها به چه دردی می‌خورد؟ مگر چند نفر بعداً از آنها استفاده می‌کنند؟». این کسان وقتی قدرت‌ش را داشته باشند زمینه‌ساز حذف این درس می‌شوند، ولی این حرف نوعی تجاهل نسبت به اهمیت آموزش ریاضی است. آموختن ریاضیات نوعی بینش اساسی به محصلان عرضه می‌کند و توانایی تحلیلشان را ارتقا می‌دهد. در این کشور هنوز بعد از سه دهه کاسی‌های هرمی رونق دارند و قربانی می‌گیرند، ولی باید واضح باشد کسانی که حداقلی از بینش ریاضی داشتند برایشان کفایت می‌کرد که به دام چنین شیادانی نیفتند. کسانی که ریاضیات را خوب می‌آموزند، به همراهش اعتمادبه‌نفس استدلال‌کردن مستقل را هم کسب می‌کنند. در آستانه مشروطه بخش‌های بیدار جامعه ایران، با وجود دولتی که مردم را باسواد نمی‌خواست، خود دست به کار ترویج علوم زدند. چنین رویکردی شاید در برابر پیچیدگی‌های معاصر تکافو نکند، اما امروز هم جامعه مدنی و دانشگاهیان مسئول می‌توانند به عشق به‌روزی فرزندان ایران و به‌ویژه کم‌برخوردارترینشان، برای ارتقای آموزش ریاضی چاره‌جویی کنند. چنین بذل فکر و توانی به معنای گذشت از مسئولیت «مسئولان» نیست، بلکه راهی است برای ارتقای همبستگی و توانایی‌های جامعه.



احسان هوشمند

تویت رستم قاسمی و واکنش وریا غفوری

شده و حرف از تجزیه می‌زنند؛ و فکر می‌کنند همه‌چیز مثل فوتبال یک بازی است!».

۱- مباحث مرتبط با سرنوشت کشور و تمامیت سرزمینی و هر وجب از خاک ایران از جمله مباحث حساس و جدی است که ایرانی‌ها در هر جای ایران به آن با حساسیت و جدیت واکنش نشان می‌دهند. مگر غیر از این است که صدها هزار ایرانی در جای جای ایران با نثار جان و سلامتی خود اجازه ندادند صدام حسین و دشمنان ایران حتی به یک وجب از خاک ایران دست یابند. از این نظر وزیر راه و شهرسازی هم مانند دیگر ایرانیان می‌تواند و باید نسبت به نگرانی‌ها با حساسیت برخورد کند. به‌ویژه آنکه گاه و بیگاه دشمنان کشور و ایران‌ستیزان در این باره با اقدامات خود موجب بروز حساسیت‌هایی در این موضوع می‌شوند و شایسته است هر ایرانی با آن مدبرانه و هوشیارانه برخورد کند. البته تذکر این نکته ضروری است که در تویت وریا هیچ مستندی را نمی‌توان یافت که شایسته چنین واکنشی توسط قاسمی باشد. ۲- وریا غفوری در یکی از جدیدترین مصاحبه‌های خود با بیانی حماسی دلبستگی عمیق خود را به ایران بیان و خبر از آمادگی خود برای جانبازی در راه ایران داد و گفت «متأسفانه در روزهای گذشته یکسری حواشی پیش آمده بود که من کردستان را با «واو» نوشته بودم،

وری غفوری کاپیتان و بازیکن ۳۵ساله سنجی، سال‌هاست که به عنوان دفاع راست در تیم استقلال تهران بازی می‌کند. ۲۷ بازی ملی نیز در کارنامه این بازیکن محبوب تیم استقلال ثبت شده است. غفوری در ۱۰ سال گذشته کل‌های زیادی برای استقلال زده است. در کنار بازی فوتبال، غفوری در سال‌های گذشته با استفاده از فضای مجازی به بیان دغدغه‌های اجتماعی خود پرداخته است. بیان دغدغه‌های وریا البته کم‌هزینه نبوده و گاه با واکنش تند برخی جریان‌های سیاسی روبه‌رو شده و گاه انتقادات اجتماعی غفوری موجب شده پایش به بخش نظارتی و حراستی فوتبال باز شود. تویت خرداماها ۱۴۰۱ وریا غفوری با شعری تغییریافته از مشیری «من اینجا ریشه در خاکم، من اینجا عاشق این خاک اگر آلوده یا پاکم، من اینجا تا نفس باقی‌ست می‌مانم…» خبری شد. در این تویت غفوری ابتدا ایران و سپس کردستان را با «واو» هشتک کرده است. پس از تویت وریا غفوری این رستم قاسمی وزیر راه و شهرسازی بود که با تویت خود خبرساز شد. رستم قاسمی در این تویت نوشت «برای هر سانت خاک پاک وطن خون دادیم تا نقشه شیرِ غران ایران به اندازه یک وجب هم تغییر نکند! سبیلی مردمِ غیور ایران هم سهم کسانی است که پای زبانشان از گلیم شعورشان بیشتر دراز

واشکافی ریشه اصلی انشقاق در میان اصولگرایان

روْیایی که در راه ماند

نهاد نیوان؛ ماه عسل اصولگرایان شیرین اما کوتاه بود. جاده کفی و مسیر یکنواخت، حوصله سیاسی آنها را سر برده و گویی بیج و خم‌هایی را دست و پا می‌کنند که منظره‌های جدیدتری از آینده قدرت ببینند. بعد از رفتن دولت روحانی، همین‌هایی که نفس راحتی کشیده بودند، امروز فضای بیشتری برای تنفس و رقابت درونی می‌طلبند و مجلس یکدست، دولت همفکر و بالادستی‌های هم‌جهت دیگر کذشته را ندارد. روْیای یکدست‌بودن اصولگرایان که در زمان احمدی‌نژاد به کابوس تبدیل شده بود، امروز پس از یک دهه شاید سربانی از یک دهه روْیا باشد که آنها را به رجعت سیاسی و تغییر ادبیات وادار کند. اصولگرایان و انقلابی‌هایی که تا پایان دولت احمدی‌نژاد و روحانی با مخالفت‌های سرسختانه و تندروی‌های غیرمعارف اعلام حضور می‌کردند، امروز ادبیات مترقی‌تری در تناسب با یکدیگر ندارند تا خود را انقلابی‌تر و تندروتر بنمایانند.

وقایع یک سال اخیر

نیچه می‌گوید: «کسی که جنگجو است، باید همواره در حال جنگ باشد؛ چون در زمان صلح با خودش درگیر خواهد شد». شاید وضعیت آنها که در دوران به‌اصطلاح اعتدال فریاد انقلابی‌گری را مصداق تمایز می‌دانستند همین‌گونه باشد که این روزها برای تمییز سیاسی از سایرین به جدال درون‌گروهی روی آورده‌اند و جبهه‌های جدیدی برای خود می‌کشایند. می‌گویند سیاست سیال است و معلوم نیست در درون خود چه دارد و تصور رفتاری ساکن و جامد از سیاست‌مداران در طول زمان غلطی فاحش است. بی‌تردید این فرمول با نشانه‌هایی که تئورها امروز از خود بروز می‌دهند، مصداق دارد و چه بسا آنها از همان آغاز دولت رئیس در مرداد ۱۴۰۰ نیز جمع صذین بودند که برای یک هدف گرد آمده بودند. چنان‌که سهم‌خواهی برای حضور در کابینه تا همین ماجرای سیسمونی‌گیت و جنجال بر سر انتخاب رئیس مجلس؛ همه نشانه‌هایی از اختلاف در دورن اردوگاه اصولگرایان در ۱۰ ماه اخیر بوده است.

توپخانه مجلس بعد از حضور رئیسی فعال‌تر از گذشته و حتی دوران ریاست جمهوری شیخ اعتدال‌گر شلیک می‌کند. همه چیز از اقتصاد و برنامه‌های دولت به‌عنوان پاشنه آشیل دولتی‌ها آغاز شد.

سال گذشته، هنوز عرق مبارزات انتخاباتی دولت سیزدهم خشک نشده بود که برخی نمایندگان نزدیک به قالیباف تربیون‌های مجلس را قرق کردند که: این‌ دولت در انتخاب مدیران و وزرا آن‌گونه که باید و وعده داده عمل نمی‌کند. قصه بی‌برنامگی دولت در عرصه‌های اقتصادی به رسانه‌ها کشیده شد. تیتز اول روزنامه‌ها درباره بلاتکنیفی اقتصاد کشور و تعلل دولتی که حرارت اجرای فوری و آتی مکانیسم عدالت‌محورش را به رخ می‌کشید، فضا را کمی عوض کرد. رسانه‌هایی که تا قبل از این گمان می‌کردند آرامش بهت‌آوری پس از یکدست‌شدن فضای سیاسی کشور حاکم خواهد شد، متعجب می‌دیدند حتی خبرگزاری‌های اصولگرا و نزدیک به دولت از آنها پیشی گرفته‌اند و نقد روزانه تیم اقتصادی دولت جناح‌پندی‌ها را بازتعریف می‌کند.

گرچه نمایندگان مجلس تا پایان سال ۱۴۰۰ بر محور مدارا و نقد توأمان حرکت کردند اما کج دار و مریز در برهه‌هایی برای مصون‌ماندن از پرتگاه اپوزیسیونی به بیانه‌هایی تشویقی روی آوردند. بیانه اصولگرایان انقلابی درباره مهار کرونا توسط دولت سیزدهم و مانور رسانه‌های نزدیک به آنها درباره تعلل دولت روحانی و منوط‌کردن واکسیناسیون به FATF شاید یکی از مواردی بود که اصولگرایان را به همسویی تلویحی با دولت واداشت. تبلیغات پرطمطراق و شادی غیرقابل وصف دولت از کاهش آمار مرگ‌ومیر در کشور بیش از آنکه مبحث اجتماعی و توفیقی بهداشتی تلقی شود، پرچم سیاسی دولت را به اهتزاز درآورد.

برجام تا فرجام و رستیز سیاسی دولت

دولت سیزدهم را با مواضعش درباره برجام می‌شناسند. دولت سیزدهم با تبلیغات تندروانه‌ای به انتخابات راه یافت و با شعار حفظ عزت ملی و تکیه بر اقتصاد درون‌گرا و تاکید بر دستاوردهای هسته‌ای، خود را در قامت دولتی انقلابی معرفی کرد. رگه‌های حکومتی این نگاه و نگرش سوخت اصلی دولت سیزدهم برای ابراز تیختر سیاسی به شمار می‌رفت. دولت رئیس‌ و وزیر خارجه‌اش از ابتدای حضور این اراکویه را مکرر گفته‌اند که اقتصاد کشور را براساس برجام و رفع تحریم‌ها هدایت نمی‌کنند. رئیسی که روزی در قامت قاضی‌القضات می‌گفت مذاکرات برجامی سودی برای ملت ایران ندارد، پس از حضور در مسند ریاست‌جمهوری در نخستین نشست خبری گفت که حاضر به ملاقات با رئیس‌جمهوری آمریکا نیست و از واشنگتن خواست که به برجام بگردد.

وی تاکید کرد: «دنیا باید بداند وضعیت با این حضور مردم در انتخابات تغییر کرده است. باید دنیا بداند که در سیاست خارجی تا امروز، فشار حداکثری کارساز نشده است و باید روی این موضوع تجدید نظر کند. باید بداند سیاست خارجی دولت ما از برجام شروع نمی‌شود و به برجام هم منتهی نخواهد شد».

وی در عین حال گفت که دولت وی «تعامل با همه کشورهای دنیا را به عنوان یک اصل تعاملی گسترده و متوازن در سیاست خارجی دنبال خواهد کرد» و همچنین گفت: «هر مذاکره‌ای که منافع ملی در آن تضمین شود، این مذاکره حتما مورد حمایت خواهد بود اما ما وضعیت اقتصادی و شرایط مردم را به این مذاکرات گره نخواهیم زد».

این مواضع رئیس دولت سیزدهم مورد حمایت اصولگرایان و نمایندگان انقلابی قرار گرفت و تاکنون با چند بیانه مهر تایید خورد. با این حال امروز پس از هشت ماه که از مذاکرات برجامی گذشته برجام معلق و اقتصاد در تعلیق برنامه‌های متعدد تیم اقتصادی کابینه مجلس را به اعتراض بی‌وقفه واداشته است.

واشکافی ریشه اصلی انشقاق در میان اصولگرایان پرده‌اول: توهم

چین‌وچروک سهم‌خواهی سیاسی و اختلاف بر سر عزل و نصب‌ها زیر پوست اصولگرایان قدیمی دوییده و جوان‌ترها مناصب میانه را از آن خود کرده‌اند. جوان‌گرایی از جنس انقلابی‌گری دولت سیزدهم، کسانی را به معاونت‌ها و مشاورت‌ها آورد که شاید نسبت کمتری با اصولگرایان در میدان داشتند. ماجرا به اینجا ختم نشد و انتصاب بذریاش به ریاست خبریات و محاسبات و علیرضا زاکانی به شهرداری تهران نیز اصطکاک‌های درون‌جناحی را افزایش داد. کنارگذاشتن حجت‌الله عبدالملکی از وزارت کار شاید گل‌درشت‌ترین نشانه از اختلافات درون‌گروهی باشد که خود را نمایان کرد.

واکاوی موضوع اصلی استعفای وزیر کار دولت سیزدهم که نماد جوان‌گرایی انقلابی در میان وزرا بود، شاید مهم‌ترین فاکتورهای اختلاف اصولگرایان را قبل یک‌سالگی دولت به رخ کشید. نگاه عدالت‌محور و حامی طبقه کارگری عبدالملکی در مقابل نگاه کلان‌تری در دولت در حوزه‌های اقتصادی، چالش بزرگی است که شاید در آینده دولت را بیش از اینها بیازارد و چاقوی تیز جراحی نزدیکان رئیس را تیتزرت کند. شعار عدالت‌محور رئیس‌ی در انتخابات و پس از آن که او را به‌عنوان سید محرومان معرفی می‌کرد، قرابت عجیب‌وغریبی با شعارهای احمدی‌نژاد داشت. برخی اصولگرایان با اینکه تن زخمی خود از سیاست‌های کج‌موج اقتصادی و سیاسی احمدی‌نژاد را پنهان می‌کنند، اما سمپات معجزه هزاره هستند و هنوز احمدی‌نژاد بدون مشایی و دکتر بدون دستیارانش را می‌پسندند. گو اینکه از این منظر و به ظن خود، علاقه‌مند به شعارهای رئیسی و دولت محرومان و ناجی ایران شده‌اند. اظهارنظرهای نمایندگان پس از حضور دولت رئیسی و قبل از آن، گواه است که اشتیاق انقلابی‌ها زاید‌الوصف و چشم‌اندازشان روشن‌تر از حالا بود. از نامه ۲۲۰ نماینده مجلس به رئیس‌ی برای حضور در انتخابات گرفته تا شادمانی پس از پیروزی‌اش، همه نمایانگر شاید یک نکته بود که اصولگرایان رئیس‌ی را بدل از احمدی‌نژادی می‌خواستند که به رمل و اسطراب و توهمات خودبزرگ‌بینی و ناجی‌پنداری دچار نیست و حتما مواضع اقتصادی‌اش با دولت احمدی‌نژاد اگر منطبق نباشد، در یک راستاست.

بیراه نیست اگر تصور کنیم اشتیاق همراه با اعتراض نمایندگان مجلس از یک مهر و رفسنجانی بر سر اجرای اصل ۴۴ هیج‌گاه به اشتراک نظر نرسید، اصلاح اقتصادی کشور را از مسیر جراحی نظام بانکی می‌دید و نه جراحی شکم گرسنگان. اما دولت رئیسی امروز بعد از یک سال مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور، نشان داد شاید لیبرالیزه‌کردن اقتصاد را می‌پسندد و جراحی اقتصاد را با چهار قلم کلای اساسی به ۴۰۰ قلم کالا تعمیم داده است.

دست‌های پنهان دولت سیزدهم در مخالفت با افزایش حقوق ۵۷درصدی بازنشستگان و کارگران، وزیر جوشان را قربانی کرد تا بتواند از اعتراض‌ها جلوگیری کند؛ اما نمایندگان می‌گویند دولت رئیس‌ی جراحی را از تفکر نئولیبرالیستی اعضای تیم اقتصادی‌اش آغاز کند.

اگر چندی پیش قالیباف سعی می‌کرد مجلس یازدهم را به‌گونه‌ای اداره کند تا جریان رقیب نتواند انتقاد پرحیجی به آنها داشته باشد، گسترش اعتراضات مردمی برای معیشت و همچنین نمایندگان مجلس و البته اتخاذ تصمیمات تسنجیده دولت سیزدهم باعث شد تا دوگانگی عیان شود و حتی قالیباف به‌عنوان منتقد، این تصمیمات دولت را مواخذه کند. کسی که خود نیز از سوی رقبای درون حزبی به تجمّل‌گرایی بابت افشای سیسمونی‌گیت متهم شده بود.

پرده دوم: رنگ‌باختن شعارها تا اغتشاش هویتی

به قول معروف، انشقاق بار دیگر جریان اردوگاه اصولگرایی را گرفته است. اصولگرایان دچار اغتشاش هویتی و سیاسی شده‌اند. حالا وقایع در حالی به سوی دوگانگی پیش می‌رود که برخی از جریان‌ها، اصولگرایان دولت سیزدهم را مورد انتقاد قرار داده و از هرگونه افشاکاری ابایی نداشته باشند.

نشان به آن نشان که سردار سعید قاسمی در اجتماع مردمی هسته‌های جهاد و پیشرفت در حسینیه جماران با حضور سیدحسن خمینی و رئیس‌جمهور خطاب به رئیس‌جمهور گفت: شما گفتید باید خانه‌های لاسیتیکی در چابهار جمع شود؛ چرا نشود؟ شما شش ماه پیش در اندیکا گفتید باید بشود؛ چرا نشود؟

قسط می‌خواهم این‌ را به آنهاپی بگیریم که سوءاستفاده می‌کنند. می‌خواهم بگیریم که من وطن‌فروش و تجزیه‌طلب نیستم، من یک جان دارم که هزاران بار فدای ایران می‌کنم. من قلب سه رنگ ایران عزیز را زده بودم، باز هم می‌گویم که یک جان دارم که هزاران بار فدای ایران می‌کنم». به این ترتیب وریا غفوری ضمن دفاع جانانه از ایران را بر هرگونه سوءتفاهم دراین‌باره بست و نشان داد با هوشیاری مراقب است تا از نام و شخصیت وریا غفوری سوءاستفاده‌ای نشود و به این ترتیب راه را بر هر نوع اما و اگر بست. اقدام سازنده‌ای که با استقبال هواداران و دیگر علاقه‌مندان همراه بود. وریا نشان داد هوشیار است و در وطن‌دوستی و ایران‌دوستی هیچ کم ندارد.

۳- در دهه گذشته حواشی یکی از تیم‌های فوتبال باعث بروز رویدادهای نگران‌کننده‌ای بود. برخی عوامل سازمان‌یافته در قالب بروشورها و تراکت‌های هواداری از یکی از تیم‌های فوتبالی شمال غرب کشور با حضور در برخی ورزشگاه‌ها تمامیت سرزمینی ایران را به چالش کشیدند و شعارهای ضد ایرانی سر دادند. در این دوره که برخی رفتارهای نژادپرستانه و مغایر همزیستی تاریخی ایرانیان سر داده شد، متأسفانه آقای رستم قاسمی و دیگر شخصیت‌های



مجلس یازدهم و دوازدهم مشاهده کرد. جایی که پدرخوانده وقت اصولگرا از دستشان خسته و به‌شدت به آنها انتقاد کرده بود.

شاید مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی در پایان این دو انتخابات فهمیده بود که طیف‌های متعدد جریان اصولگرایی دیگر پدرخوانده واحدی ندارند و هرکدام دارای پدرخوانده‌های مجزا و مستقلی هستند. ظهور پدرخوانده‌های جدید مثل مصباح‌یزدی نمونه‌ای از این دست بود.

در ماه‌های ابتدایی سال ۹۰، محمود احمدی‌نژاد نخستین جرقه جداسازی‌ها و انشقاق را با خانه‌نشینی ۱۱روزه خود در اردوگاه اصولگراها، در آن هنگام و پیش از خانه‌نشینی احمدی‌نژاد، او برای رسیدن به اجماع و هم‌گرایی اصولگرایان در انتخابات مجلس نهم، از علی‌اکبر ولایتی، غلامعلی حدادعادل و مرحوم عسکراولادی دعوت کرده بود که آنها پیش‌قدم این وحدت شوند که با خانه‌نشینی خودش عملا ناکام ماند.

به پیشنهاد مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی، ریش‌سفید وقت اصولگرایان و درواقع پدرخوانده آنها، دو تشکل عمده این جریان یعنی جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تحت عنوان جامععتبری به کمیته سه نفر یادشده تعدادی دیگر اضافه کردند تا در قالب یک کمیته هفت‌نفره با گروه هشت که مرکب بود از دو نفر از اعضای هریک از سه ضلع جبهه متحد اصولگرایان (حامیان دولت، جبهه پیروان و جمعیت رهپویان با جمعیت ایناگرسان) و دو نفر هم به نمایندگی از علی لاریجانی و محمدباقر قالیباف کمیته ۷+۸ نفر در قالب حکمیت و برای وحدت در بین اصولگرایان تشکیل دادند.

اما سهم‌خواهی‌ها و سرپیچی از دستورات این کمیته باعث شد که نه‌تنها اصولگرایان به اجماع نرسند؛ بلکه کمترین استقبال از آن به میان آمد و جبهه پاداری که آن روزها داعیه‌دار اصلی انتقاد از احمدی‌نژاد بود، با استفاده از امکاناتی که دولت احمدی‌نژاد در اختیار آنها قرار داده بود، بیشترین پیروزی را دراین‌میان کسب کرد. انتخابات مجلس نهم در نتیجه نخستین شکست اصولگرایان در وحدت بود.

پرده پنجم: معضلی به نام جبهه پاداری

در بین طیف‌های مختلف اصولگرایی جریانی تندرو در سال ۱۳۹۰ و از دل اختلافات درون‌جناحی ایجاد شد. جریانی که پدرخوانده آنها مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی بود. جبهه پاداری از یک دهه پیش که به وجود آمده، همواره منشا اختلاف بوده است.

در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲، اعضای جبهه پاداری از مدت‌ها پیش شروع به برنامه‌ریزی برای انتخابات ریاست‌جمهوری کرده بودند. از همان ابتدا راه‌شان را از سایر اصولگرایان جدا کرده بودند و براساس گفته‌های آیت‌الله مصباح با شتاب زیادی به سمت ریاست‌جمهوری حرکت می‌کردند؛ اما این بار پیش‌بینی‌های اعضای جبهه پاداری تحقق نیافت و کاندیدای اصلی آنها فرصت تأیید صلاحیت پیدا نکرد. حالا آنها به سراغ نزدیک‌ترین کاندیدا به آیت‌الله مصباح رفتند. از هر طیف جریان‌های اصولگرا یک کاندیدا بیرون آمده بود: کاندیداهایی که تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند به نفع یکدیگر کنار بکشند. تعداد بالای کاندیداهای اصولگرا به هر بیننده بیرونی نشان می‌داد که شرایط برای اصولگرایان مطلوب نیست.

پرده ششم: آشکارشدن اختلافات

به اعتقاد کارشناسان سیاسی همواره چندصدایی‌بودن و چنددستگی در این جناح به دلایل مختلفی مانند تشست در دیدگاه‌های سیاسی و جنگ قدرت بزرگان این جریان را برای نزدیکی طیف‌های مختلف زیر لوی اصولگرایی و دستیابی به اجماع در بین آنها در سر بزنگاه از بین برده است.

نبود هم‌گرایی در بین اعضای کابینه دولت سیزدهم در جزئی‌ترین مسائل و اظهارنظرهای متفاوت آنها گویای این مسئله است که اصولگرایان بیشتر از این نمی‌توانند اختلافات‌شان را پنهان کنند.

حالا به نظر می‌رسد که انشقاق درون اصولگرایان این بار به فروپاشی کامل این جناح منجر شود؛ چراکه به گفته کارشناسان سیاسی نبود جریان اعتدال‌گرا در درون این جناح آنها را به سمت سقوط نزدیک‌تر کرده است.



تیکتک

تیکتک

گزارش کامل
را اینجا بخوانید



جنس از تو محتوا از من

امیر ناظمی، آرتیستا تقوایی

به‌طور قطع سیاست، اقتصاد، پیشرفت‌های علمی، اجتماع و فرهنگ نه‌تنها تحت تأثیر یکدیگر هستند، بلکه در بسیاری از مواقع همپوشانی نیز دارند. فرهنگ مجموعه‌ای از بینش‌ها و کنش‌ها، اعتقادات و رفتارها در طول تاریخ یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر در آن جامعه منتقل می‌شود. اقتصاد در زندگی انسان شامل همه فعالیت‌ها و معامله‌هایی است که مربوط به زندگی مادی انسان می‌شود. اما یک بررسی ساده تاریخی نشان می‌دهد آنچه تاکنون در نگاه جامعه ما وجود داشته، مستقلاًداشتن فرهنگ از اقتصاد بوده است؛ به همین دلیل در کشور اساساً بنگاه‌های فرهنگی قوی وجود ندارد. برای مثال حتی کمپانی‌های فیلم‌سازی معتبر و تعریف‌شده‌ای نداریم و افراد به‌طور شخصی این کار را انجام می‌دهند یا حتی مثال عینی از انتشاراتی‌هایی که در قالب یک بنگاه فعال و سودآور عمل کنند، وجود ندارد و در نهایت شاهد آن هستیم که یک فرد حقیقی گرداننده مجموعه‌ای از انتشارات مختلف است و از این‌رو است که مجوز انتشاراتی در کشور ما به یک فرد حقیقی ارائه می‌شود و نه یک بنگاه اقتصادی با ماهیت حقوقی.

این روند باعث شده در حوزه فرهنگ دچار فقدان پدیده‌های اقتصادی و بنگاهی شویم؛ این چالش یک چالش جدی در حوزه فرهنگی کشور ماست.

اما واقعیت این است که در کشور ما پیوندی بین کار فرهنگی و اقتصادی وجود ندارد و از این‌رو کارهای فرهنگی ماهیت «هزینه‌کرد» پیدا می‌کنند؛ این نوع نگاه در جامعه منجر به آن می‌شود که از نگاه عموم و حتی سیاست‌گذاران، مدیر ورزشی، هنری و فرهنگی خوب مدیری است که صرف‌ف‌های هزینه‌ای بیشتری داشته باشد یا در واقع هزینه‌کرد او بالا باشد. اما آنچه مسلم است، این است که در صورتی یک جامعه می‌تواند از فرهنگی پویا و بهتر بهره‌مند باشد که کارها و فعالیت‌های فرهنگی آن از مدل‌های درست کسب‌وکاری و

برخی ابردهکاران بانکی وام‌های کم‌بهره با مهلت بازپرداخت ۴۰ساله و بیشتر گرفته‌اند

دست‌ودل بازی‌های عجیب بانکی



رصدای زیان ۳۲۰ هزار میلیارد تومان در شبکه بانکی
مقام سلیمان بیگی، وام‌های کم‌بهره با مهلت بازپرداخت ۴۰ساله و حتی بیشتر! اتفاق درخور توجه فهرست دانه‌درشت‌های بانکی است. بانک‌هایی که حالا در صورت مالی‌شان زیان‌های بزرگ را به ثبت رسانده‌اند، تسهیلات کلانی با شرایط اعجاب‌آور به بدهکاران بزرگ بانکی پرداخته‌اند که از آن جمله بازپرداخت وام در مدت ۲۰۰ تا ۵۰۰ ماه و حتی بیشتر است!

بر اساس آخرین صورت‌های مالی منتشرشده از سوی بانک‌های کشور در سال ۱۲،۱۴۰۰، بانک خصوصی و دولتی دچار زیان انباشته سنگین هستند. طبق اطلاعات صورت‌های مالی، مجموع زیان انباشته این ۱۲ بانک حالا به بیش از ۳۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

طبق آمارها آینده همچنان پرچمدار زیان‌دهی است. این بانک خصوصی با ۹۵،۴ هزار میلیارد تومان زیان، بالاترین رقم زیان انباشته مربوط به بانک خصوصی و دولتی را دارد. این بانک همچنین در صورت مالی حسابرسی‌نشده خود تا پایان سال ۱۴۰۰ نیز اعلام کرده که فقط در همین سال ۲۷،۹ هزار میلیارد تومان زیان به بار آورده است.

پس از ایسن بانک، بانک دولتی ملی یا ۶۷هزارو ۵۲۴ میلیارد تومان زیان انباشته تا پایان سال ۱۳۹۹ (تخرین صورت مالی) دوم است. بانک خصوصی سرمایه با ۴۰هزارو ۱۸۸ میلیارد تومان زیان انباشته، سوم است. این بانک فقط در سال ۱۴۰۰ شش‌هزارو ۷۳۳ میلیارد تومان زیان‌دهی داشته است.

رتبه بعدی را سپه به خودش اختصاص داده؛ آن‌هم با رقمی که به نظر بسیار قدیمی و به‌روزنشده می‌آید. بانک سپه پس از ادغام با بانک‌های نظامی هیچ صورت مالی‌ای ارائه نکرده و تنها در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ اشاره کوچکی به رقم ۳۵ هزار میلیارد تومانی زیانش شده است.

بانک شهر پنجمین بانک فهرست است؛ بانکی که با ۲۲هزارو ۳۶۱ میلیارد تومان زیان انباشته، ازجمله بانک‌های پریسک کشور است. هرچند سال ۱۴۰۰ شهر توانسته با سوددهی، بخشی از زیانش را جبران کند، اما همچنان نامش میان شش بانک اول زیان‌ده کشور است. بانک ایران‌زمین

پادداشت

به‌عنوان ششمین بانک با ۲۱هزارو ۲۷۶ میلیارد تومان زیان انباشته، سال گذشته هم با رشد زبانی ۸۱درصدی مواجه بوده و حالا فقط زیان یک سال آن به حدود ۹ هزار میلیارد تومان رسیده است.

بانک دی با ۱۲،۶ هزار میلیارد تومان زیان انباشته نیز در میان ۱۰ بانک اول از نظر زیان‌دهی قرار دارد. زیان انباشته این بانک به نسبت پایان ۱۳۹۹، ۸۷ درصد رشد داشته است؛ چراکه این بانک فقط در سال گذشته ۵،۸ هزار میلیارد تومان زیان کرده است.

بعد از دی به ترتیب بانک پارسیان با ۱۱هزارو ۳۸۲ میلیارد تومان (تا پایان ۹ماهه سال ۱۴۰۰)، بانک کشاورزی با ۹هزارو ۸۴۱ میلیارد تومان (تا پایان سال ۱۳۹۹)، بانک مسکن (تا پایان سال ۱۳۹۹) با ۳۰،۲ هزار میلیارد تومان، بانک توسعه صادرات (تا پایان سال ۱۳۹۹) با ۲۵ میلیارد تومان و بانک توسعه تعاون با ۹۴۹ میلیارد تومان زیان انباشته در رتبه‌های هشتم تا دوازدهم قرار دارند. در شرایطی که به نظر می‌رسد وضعیت مالی بانک‌ها هر روز بدتر می‌شود، بانک مرکزی فهرست طولبی از بدهکاران کلان این بانک‌ها منتشر کرده است. فهرستی که نام‌های آشنای آن چند ماه است اذهان را حسابی به خود مشغول کرده است. فهرستی البته ناقص که بارها از این بابت مورد انتقاد قرار گرفته است.

اسامی بدهکاران بزرگ ۳ بانک مخفی‌ماند

از نواقض این فهرست، همین‌قدر کافی است که هیچ نامی از بدهکاران سه بانک آینده، دی و سرمایه، به‌عنوان بانک‌هایی که فقط در سال گذشته در مجموع بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان زیان خالص داشته‌اند، منتشر نشده است؛

آن‌هم در حالی که طبق ردیف یک بند «د» احکام تنظیمی تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۱، تمامی بانک‌ها مکلف به اطلاع‌دهی دقیق به بانک مرکزی جهت انتشار هستند. بانک آینده زیان‌ده‌ترین بانک کشور است و زیان دی نیز در ۱۲ماهه گذشته با رشد ۲۶۹ درصدی نسبت به سال ۹۹ مواجه شده است. حتی کفایت سرمایه این بانک در ادامه روند نزولی سال‌های اخیر، در دوره ۹ماهه منتهی به سال آذر ۱۴۰۰ بر رقم ناامیدکننده منفی ۳۶ درصد رسید! درحالی‌که بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه کفایت سرمایه مصوب شورای پول و اعتبار، حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری هشت درصد تعیین شده است. حتی سرمایه هم سال گذشته زیان خالصش را با رشدی ۱۹درصدی به رقم حدود هفت هزار میلیارد تومان رسانده است!

اگر از نواقض فهرست و اسامی ممنوعه‌ای که نباید منتشر شود هم بگذریم، هنوز مشخص نیست بانک‌هایی که بدترین وضعیت مالی و کفایت سرمایه منفی دارند، چگونه و با چه متر و معیاری به عده‌ای خاص تسهیلات کلان داده‌اند و حالا قادر به بازپس‌گیری نیستند.

همچنین در فهرست اسامی بدهکاران بانک‌هایی که منتشر شده‌اند، نکات خیرساز زیادی وجود داشته است؛ ازجمله نرخ سود یا وثایق غیرعرف یا حتی مدت بازپرداخت بیش از حد طولانی.

برای مثال، در فهرست بدهکاران بانک کشاورزی نام شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی در حالی به چشم می‌خورد که ظاهراً تسهیلات ۱۰،۲ هزار میلیارد تومانی را در قراردادی ۵۳۲ماهه دریافت کرده یا سازمان مرکزی تعاون



روستایی ایران که چندین فقره تسهیلات با مدت قرارداد ۲۶۶ماهه دریافت کرده است! همچنین طبق فهرست، برخی از افراد حقیقی و حقوقی در چندین بانک خصوصی و دولتی موفق به دریافت تسهیلات با نرخ سود تک‌رقمی تا حتی دو یا سه درصد شده‌اند.

بار تولیدور شکسته بر دوش بانک‌ها

برای شفاف‌شدن ارتباط آخرین وضعیت مالی بانک‌ها و فهرست بدهکاران کلان بانکی، سراغ بهاءالدین حسینی‌هاشمی، کارشناس امور بانکی می‌رویم؛ کسی که معتقد است باید تسهیلات بانک‌های زیان‌ده بررسی شود تا دید مطالبات معوق آنان مربوط به چه کسانی است و چه عواملی موجب معوق‌شدن آن شده است؟!

او می‌گوید: ممکن است شرکت‌های بزرگی مثل خودروسازها، شرکت‌های پتروشیمی، سیمانی، معدنی، ساختمانی یا... بدهکاران باشند که تداوم فعالیت دارند. در این‌حالت اگر بانک بخواهد دست به تملیک ب‌جای بدهی‌اش بزند، مؤسسه تعطیل می‌شود؛ پس بانک‌ها عموماً ناچار هستند به تمدید مهلت تسویه وام و دسته‌ای از وام و تسهیلات هم وجود دارد که به هر دلیلی ممکن است سوخت شده باشد، با عواملی مثل واگذاری یا زیان‌دهی واحد بدهکار.

به گفته او، وقتی اقتصاد در شرایط تورم است، کارخانه‌های تولیدی هر سال نیاز به منبع بیشتری برای خرید مواد اولیه دارند؛ به‌ویژه امسال که با تغییر نرخ ارز هزینه تولید برخی از آنان حدود پنج برابر شده است. در این شرایط باید با بانک‌ها هم تسویه کنند. بنابراین بانک‌ها در شرایط تورمی ناچار به سازگاری با واحدهای تولیدی



در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است و باید توجه داشت که به غیر از دسترسی که برآمده از زیرساخت ارتباطی است، نیاز به ابزارهایی برای بهره‌گیری از این زبان نیز هست. در نهایت می‌توان گفت یک بنگاه اقتصادی می‌تواند به رشد فرهنگی در جامعه کمک کند و اقتصاد دیجیتال تنها تیلور یک بنگاه اقتصادی نیست، بلکه هم‌زمان از طریق اهرم‌های مختلف درصد بهبود فرهنگی جامعه نیز هست. این تحلیل مبتنی بر **سومین گزارش سسالانه دیجی‌کالا**ست که دربردارنده گزیده‌ای از آمار و داده‌های دیجی‌کالا در سال ۱۴۰۰ است که به صورت عمومی منتشر می‌شود.

می‌شوند تا تولیدشان ادامه داشته باشد و تعطیل نشود؛ تا جایی که گاهی بانک حتی مجبور است به بخش‌هایی که هنوز بدهکار محسوب می‌شوند، دوباره تسهیلات بدهد.

حسینی‌هاشمی می‌گوید پیش از این شرایط تورمی این اتفاق نمی‌افتاد و حالا بانک از این منظر آسیب می‌بیند؛ به‌خصوص با توجه به اینکه خود بانکداری هم گران شده ولی در مقابل، نرخ سود تسهیلات بانکی همچنان دستوری تعیین شده است. در واقع تمام هزینه‌های بانک بالا رفته اما درآمدش ثابت است. در این شرایط تداوم زیانش تعجبی ندارد.

عجایب فهرست ابربدهکاران

حسینی‌هاشمی درباره مدت تسهیلات خارج از عرف برخی بانک‌ها از جمله تسهیلات بانک کشاورزی، هم شرکت بازرگانی دولتی نیز عنوان می‌کند: طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، تسهیلات بالای ۶۰ ماه صرفاً به صورت تسهیلات پروژه‌هاست. برای تسهیلات بخش بازرگانی حداکثر زمانی که می‌شود در نظر گرفت یک سال است. بنابراین این وام ممکن است پنج‌ماهه اما تکرارشونده باشد؛ چون بازرگانی دولتی تداوم فعالیت دارد، مدام تسهیلاتی را می‌گیرد و در عرض چند ماه بازمی‌گرداند. چون این فرایند در حال تکرار است، سقف مبلغی برای آن در نظر گرفته می‌شود و طی چندین سال با قراردادهای کوتاه‌مدت به شرکت داده و تسویه می‌شود.

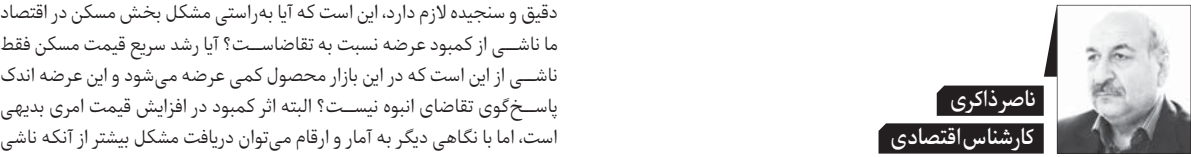
او درباره نرخ سودهای تک‌رقمی فهرست بدهکاران بانکی هم توضیح می‌دهد: گاهی اوقات این تسهیلات از وجوه در اختیار بانک‌ها، وجوه امانی یا وجوه اداره‌شده برداخت می‌شود؛ یعنی شرکت دولتی وجوهی را در اختیار بانک می‌گذارد تا بانک آن را به برخی بخش‌های زیرمجموعه شرکت به صورت تسهیلات پرداخت کند؛ چون این وجوه متعلق به خود بانک نیست، مشکلی ایجاد نمی‌کند. ضمن اینکه برخی وام‌ها هم می‌توانند به‌صورت قرض‌الحسنه یا وام در مناطق محروم باشد یا برای مثال در مسائل غیرمترقبه داده شده باشد.

در نهایت حسینی‌هاشمی درباره عدم تطبیق وثایق و تسهیلات از نگاه مردم در فضای مجازی نیز می‌گوید: درباره وثایق آنچه عموماً از چشم عامه مردم دور می‌ماند، مسئله وثایق به صورت قرارداد است. طبق ماده عملیات بانکی بدون ربا قرارداد ازجمله سفته وثیقه معتبر است، اما اذهان عمومی وثیقه را عموماً وثیقه ملکی در نظر می‌گیرد و چک، سفته، برات، سپرده و... را وثیقه نمی‌داند. تمام تسهیلات حداقل یک قرارداد دارند.

با تمام این موارد، برخی دیگر از کارشناسان هم اعتقاد دارند وام‌های کلان با سود ناچیز نصیب بنگاه‌های بانکی می‌شود که با تورم بالا و نرخ سود ناچیز پس‌اندازهای مردم، درآمدهای افسانه‌ای برای بانک‌ها رقم می‌زند.

قدم اول باید به ساماندهی و بازاریابی بازار مسکن و صنعت ساختمان پرداخت؛ زیرا در شرایط فعلی، نه عرضه‌کننده و نه تقاضاکننده هیچ‌کدام از نظر حرفه‌ای رفتاری متناسب با سمت خود ندارند و به این ترتیب نه عرضه، عرضه واقعی است و نه تقاضا. تقاضای واقعی. اولین اثر این ساماندهی و بازاریابی به صورت تغییر در ترکیب مالکیت واحدهای مسکونی ظاهر خواهد شد و بسیاری از مالکانی که دارای خود را صرف سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات کرده‌اند، از این بازار خارج خواهند شد. از سوی دیگر، انبوه‌سازان که با هدف فروش سریع محصولات خود فعالیت می‌کنند، با درنظرگرفتن قدرت خرید و امکانات متقاضیان واقعی مسکن برای تولید بیشتر برنامه‌ریزی خواهند کرد. اگر اخبار یک ماه گذشته حوزه مسکن را مورد توجه قرار بدهیم، به نظر می‌رسد مسئولان و دولتمردان بیشتر از گذشته به اهمیت مسئله مسکن و دشواری‌های جمعیت مستاجر بی برده و به فکر اقدامات اصلاحی تأثیرگذارتر و پررنگ‌تر از گذشته افتاده‌اند. بااین حال، با نگاهی مختصر به متغیرهای اقتصاد کلان کشور می‌توان گفت نه وضعیت مالی دولت و نه شرایط خاص اجتماعی اجازه آزمون و خطا در چنین حوزه مهمی را نمی‌دهد و متولیان امر باید با بهره‌گیری از نظرات کارشناسی، برنامه سنجیده‌ای برای بخش مسکن تدوین کنند. اصلاح ترکیب مالکیت در بازار مسکن و اخراج تدریجی تقاضای سفته‌بازانه از این بازار مهم، یک ضرورت است و دولتمردان باید آن را در صدر برنامه‌های خود جای بدهند.

به‌عنوان یک کالای اساسی مورد نیاز همگان، بلکه به‌عنوان یک دارایی سهل‌البیع و یک فرصت مناسب برای تبدیل به احسن کردن نقدینگی به رسمیت شناخته شود. به این ترتیب رفتار عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان در این بازار بسیار متفاوت با بازار کالاها و محصولات دیگر شکل گرفته و با شرایط آن سازگاری یافته است. به‌عنوان نمونه تولیدکننده چندان ضرورتی احساس نمی‌کند که شیوه تولید را مدرن‌تر کند و با استفاده از فناوری نوین از هزینه‌های تولید بکاهد. او همچنین امر افزایش بهره‌وری و اصلاح شیوه مدیریت کارگاه را چندان جدی نمی‌گیرد و صدالبته به ضرورت فروش سریع‌تر محصولات تولیدشده بی‌اعتناست. علت این است که سود او نه از محل تولید محصول، بلکه از محل «داشتن» املاک تأمین می‌شود. همین که بخش مهم دارایی یک انبوه‌ساز به‌عنوان تولیدکننده کالایی به نام مسکن، در قالب املاک و مستغلات باشد، کافی است که سود سرشار او تضمین شود. به همین دلیل او برخلاف سایر تولیدکنندگان، نه تعجیلی در ساخت از خود نشان خواهد داد و نه در دوران فروش شتابان عمل خواهد کرد. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، شرایط خاص اقتصادی کشور توانسته بازار مسکن را به یک بازار «خاص» مبدل کند که با سایر بازارها بسیار متفاوت است. یکی از مهم‌ترین آثار این «خاص»بودن، این است که در چنین بازاری مفهوم کمبود و مازاد با شکل مصطلح آن بسیار متفاوت است. دقیقاً به همین دلیل می‌توان ادعا کرد کارآمدترین سیاست برای حل معضل مسکن در کشور، ساخت مسکن انبوه در اراضی شایبه شهرها نیست، بلکه در



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

بر اساس اطلاعات موجود، تعداد واحدهای مسکونی موجود در کشور در حدود پنج درصد از تعداد خانوارها کمتر است. از سوی دیگر، تعداد درخور توجهی از واحدهای مسکونی موجود عملاً جزء بافت فرسوده محسوب شده و باید جایگزین شوند. این امر ضرورت توجه به صنعت خانه‌سازی را نشان می‌دهد و طبعاً رونق این صنعت هرقد به تأخیر بیفتد، کمبود در این بازار بیشتر خواهد شد. از این‌رو هدف‌گذاری دولت برای ساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال، با فرض اینکه قابل اجرا باشد، یک ضرورت است.

بااین حال، سؤالی که باید مرکز توجه اهل فن و متولیان امر قرار بگیرد و پاسخی



سرزمینی از آن خود

لیبرالیسم نیاز به ملت دارد



لیبرالیسم در خطر است. تحمل تفاوت، احترام به حقوق افراد و حکومت قانون، بنیادهای جوامع لیبرال را تشکیل می‌دهد و همه اینها دارند تهدید می‌شوند، چون دنیا مبتلا شده به آنچه عقب‌نشینی/یا رکود دموکراتیک یا حتی بحران ناامید می‌شود. بر اساس گزارش خانه آزادی حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در سراسر دنیا در ۱۶ سال گذشته هر سال افت کرده. قدرت رو به فزونی حکومت‌های خودکامه‌ای



فرانسیس فوکویاما

مترجم: مریم‌محمدی سرشت

مثل چین و روسیه، فرسایش نهادهای لیبرال – با اسما لیبرال – در کشورهای مثل مجارستان و ترکیه و پسروری دموکراسی‌های لیبرالی مثل هند و ایالات متحده آمریکا، زوال لیبرالیسم را نشان می‌دهد. در هرکدام از این موارد، ناسیونالیسم به ظهور استبداد کمک کرده است. سیاستمداران مستبد، جناح‌ها و متحدهاشان، از لفاظی‌های ناسیونالیستی برای کنترل بیشتر جوامعشان استفاده کرده‌اند. آنها مخالفانشان را به عنوان نخبه‌های دست‌نیافتنی، جهان‌وطن‌ها و جهان‌گرایان ازکارافتاده محکوم می‌کنند. آنها ادعا می‌کنند که نمایندگان اصل و نگهبانان واقعی کشورشان هستند. گاهی سیاستمداران مستبد صرفا از همناهای لیبرال‌شان کاریکاتوری ترسیم می‌کنند و آنها را ناکارآمد و متفاوت از زندگی مردمی نشان می‌دهند که قرار است نماینده‌شان باشند. رقبای لیبرال‌شان را اغلب نه تنها به عنوان دشمنان سیاسی بلکه چیزی شوم‌تر توصیف می‌کنند: دشمنان مردم. ماهیت لیبرالیسم آن را در معرض این نوع حمله قرار می‌دهد. مهم‌ترین اصلی که در لیبرالیسم پاس داشته می‌شود برابری است: دولت‌ها، عقاید، هویت‌ها یا اصول اعتقادی/مکتب را تجویز نمی‌کنند.

از زمان پیدایش آزمایشی لیبرالیسم در قرن هفدهم به عنوان اصلی سازمان‌دهنده برای سیاست، لیبرالیسم عمدا توقع از سیاست را در این حد کاست که هدفش حفظ خود زندگی تحت شرایطی باشد که مردم نمی‌توانند در مورد اینکه زندگی خوب کدام است توافق کنند، نه اینکه هدفش «زندگی خوب» طبق تعریف باور خاص، اصول اخلاقی یا سنت فرهنگی باشد. این ماهیت غیرمتعهدانه، خلائی معنوی ایجاد می‌کند چون افراد راه خود را می‌روند و چندان خود را عضو اجتماع احساس نمی‌کنند. نظم‌های سیاسی لیبرال نیاز به ارزش‌های مشترکی همچون برابری، سازش و تعمق دارند اما این ارزش‌ها پیوندهای عاطفی عمیقی را که در جوامع مذهبی و ناسیونالیسم قومی بسیار منسجم وجود دارد، شکل نمی‌دهد. به‌علاوه، جوامع لیبرال اغلب مردم را تشویق می‌کنند که به صورت بی‌هدف در پی خودارضایی مادی باشند.

مهم‌ترین مزیت لیبرالیسم، همان جنبه عمل‌گراییش است که قرن‌ها وجود داشته: توانایی‌اش در ایجاد تنوع در جوامع کثرت‌گرا. با وجود این برای انواع تنوعی که جوامع لیبرال می‌توانند بپذیرند، محدودیت وجود دارد. اگر اکثریت مردم اصول لیبرال را رد کنند و در پی محدودکردن حقوق اساسی دیگران باشند یا اگر شهروندان برای رسیدن به هدفشان متوسل به خشونت بشوند، لیبرالیسم به تنهایی نمی‌تواند نظم سیاسی را حفظ کند. و اگر جوامع متنوع، اصول لیبرال را رد کنند و هویت‌های ملی‌شان را بر اساس نژاد، قومیت یا عوامل دیگر، تصورات متفاوت و واقعی از زندگی خوب بنا کنند، می‌توانند دوباره جنگ‌های خونین به راه بیندازند. دنیایی که پر از چنین کشورهایی باشد، همیشه درگیرتر و پر آشوب‌تر و خشن‌تر می‌شود.

خلأمعنوی لیبرالیسم

جوامع لیبرال می‌کوشند تصویر مثبتی از هویت ملی به شهروندانشان نشان بدهند. تئوری پشت لیبرالیسم مشکلات بزرگی دارد در کشیدن مرزهای روشن در اطراف جوامع/ اجتماع و توضیح اینکه مردم داخل و خارج از مرزها صاحب چه هستند. به خاطر اینکه این تئوری روی ادعای جهان‌گرایی بنا شده، همان‌گونه‌که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده، «تمام انسان‌ها آزاد به دنیا آمده‌اند و دارای منزلت و حقوق برابر هستند» به‌علاوه «همه استحقاق تمام حقوق و آزادی مطرح‌شده در این اعلامیه را دارند، بدون هیچ نوع تمایزی مثل نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، عقاید سیاسی و...». خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا سایر موقعیت‌ها، لیبرال‌ها به لحاظ تئوریک به تخلف از حقوق بشر اهمیت می‌دهند و براینشان فرقی ندارد که در کجای دنیا این اتفاق می‌افتد. بسیاری از لیبرال‌ها از وابستگی‌های خاص ناسیونالیست‌ها متنفر هستند و خود را «شهروندان جهان» می‌دانند.

ادعای جهان‌گرایی با تقسیم جهان به دولت– ملت‌ها سخت جور درمی‌آید. برای مثال، هیچ تئوری لیبرال مشخصی وجود ندارد که بطور می‌شود مرزهای ملی کشید، نقصی که منجر به درگیری‌های درون‌لیبرالی بر سر جداسازی مناطقی مثل کاتالونیا، کبک و اسکاتلند و اختلاف بر سر رفتار درست با مهاجران و پناهنده‌ها می‌شود. پوپولیست‌هایی مثل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا، از تنش میان آرمان‌های جهان‌گرایانه لیبرالیسم و ادعاهای سطحی‌تر ناسیونالیسم استفاده کرد و تأثیر قدرتمندی گذاشت.

ناسیونالیست‌ها کله می‌کنند که لیبرالیسم پیوندهای جامعه‌ملی را از بین برده و آن را با جهان‌وطنی جایگزین کرده که به ملت‌ها در کشورهای دوردست به اندازه شهروندان داخلی اهمیت می‌دهد. ناسیونالیست‌های قرن نوزدهم هویت ملی را بر اساس پیولوزی بنا کردند و اعتقاد داشتند که جوامع ملی ریشه در اصل و نسب مشترک داشتند. برای ناسیونالیست‌های معاصر خاص مثل ویکتور اوربن، نخست‌وزیر مجارستان، که هویت ملی مجارستان را بر اساس قومیت مجارستانی تعریف می‌کرد، این مسئله همچنان موضوع اصلی بود. ناسیونالیست‌های دیگر مثل یورام هازونی، دانشمند اسرائیلی، سعی کرد ناسیونالیسم قوم‌گرای قرن بیستم را اصلاح کند با این استدلال که ملت‌ها از واحدهای فرهنگی منسجمی تشکیل شده‌اند که به اعضانشان اجازه می‌دهد که سنت‌های ریشه‌دار غذا، تعطیلات، زبان و... را با دیگران به اشتراک بگذارند. پاتریک دن، متفکر محافظه‌کار آمریکایی، ادعا کرده که لیبرالیسم فرمی ضدفرهنگی دارد که تمام فرم‌های فرهنگ پیش‌لیبرالی را از بین برده و از قدرت دولت برای نفوذ خود و کنترل‌کردن تمام جنبه‌های زندگی شخصی استفاده کرده.

به طور چشمگیری دنن و سایر محافظه‌کارها از تئولیرال‌های اقتصادی جدا شدند

مهم‌ترین مزیت لیبرالیسم، همان جنبه عمل‌گراییش است که قرن‌ها وجود داشته: توانایی‌اش در ایجاد تنوع در جوامع کثرت‌گرا. با وجود این برای انواع تنوعی که جوامع لیبرال می‌توانند بپذیرند، محدودیت وجود دارد. اگر اکثریت مردم اصول لیبرال را رد کنند و در پی محدودکردن حقوق اساسی دیگران باشند یا اگر شهروندان برای رسیدن به هدفشان متوسل به خشونت بشوند، لیبرالیسم به تنهایی نمی‌تواند نظم سیاسی را حفظ کند.



اتحادیه اروپا که به‌عنوان نوعی عرف برای تنظیم تجارت و حل اختلاف عمل می‌کند؛ اما در پایان قانون بین‌الملل همچنان وابسته به اعمال قانون در سطح ملی است. زمانی که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا درمورد مسائل مهم سیاست توافق ندارند، همان‌طور که در بحران یورپی ۲۰۱۰ و بحران مهاجرت سال ۲۰۱۵ با هم توافق نداشتند، تصمیم نهایی را نه قانون اروپا، بلکه قدرت نسبی دولت‌های عضو می‌گیرند. به عبارتی، قدرت مطلق همچنان در حوزه عملکرد دولت–ملت‌ها خواهد بود؛ یعنی کنترل قدرت در این سطح، همچنان اساسی/حیاتی است.

بنابراین هیچ‌گونه تناقض ضروری بین جهان‌گرایی لیبرال و نیاز به دولت–ملت‌ها وجود ندارد. گرچه ارزش هنجارینباد حقوق بشر ممکن است جهانی باشد؛ اما قدرت اجرا/اعمال/تحمیل، جهانی نیست؛ بلکه یک منبع نادر است که لزوما در هر سرزمینی به صورت محدود به کار می‌رود. دولت لیبرال در اعطای سطوح مختلف حقوق به شهروندان و غیرشهروندان کاملا محق است؛ چون منابع یا حکم رسمی برای حفاظت از حقوق در جهان ندارد. تمام اشخاصی که در قلمرو دولت هستند، سزاورا هستند که به طور برابر مورد حفاظت قانون قرار بگیرند؛ اما فقط شهروندان، مشارکت‌کنندگان کامل در قرارداد اجتماعی هستند با حقوق و وظایف خاص، به‌ویژه حق رأی.

از آنجا که دولت‌ها مرکز قدرت جبری هستند، نباید با سهل‌انگاری پیشنهاد تشکیل گروه‌های فراملی و واگذاری چنین قدرتی به آنها را کرد؛ باید در این مورد احتیاط کرد. جوامع لیبرال چندصد سال به تجربه یاد گرفته‌اند که چگونه قدرت را در سطح ملی از طریق حکومت قانون و نهادهای قانونی محدود کنند و چطور قدرت را تعدیل کنند تا استفاده از آن منافع عمومی را تأمین کند. لیبرال‌ها نمی‌دانند چطور چنین نهادهایی را در سطح جهانی تشکیل بدهند، جایی که برای مثال دادگاهی جهانی با هیئت مقننه بتواند تصمیمات خودسرانه هیئت اجرایی جهانی را محدود کند. اتحادیه اروپا ثمره جدی‌ترین تلاش برای این کار در سطح ملی است؛ نتیجه‌اش سیستمی وحشتناک است که مشخصا ض ضعف شدید در بعضی حوزه‌ها (سیاست مالی، امور خارجه) و قدرت شدید در سایر حوزه‌ها (مقررات اقتصادی) است. حداقل اروپا تاریخ مشخص مشترک و هویت فرهنگی دارد که در سطح جهانی وجود ندارد. نهادهای بین‌المللی مثل دادگاه بین‌المللی عدالت و دادگاه جرائم بین‌المللی همچنان در اعمال احکام رسمی‌شان به دولت‌ها وابسته‌اند.

امانوئل کانت، فیلسوف آلمانی شرایط «صلح همیشگی» را تجسم کرده که در آن دنیایی متشکل از دولت‌های لیبرال، روابط بین‌المللی را از طریق قانون به‌جای توسل به خشونت، تنظیم می‌کنند. حمله پوینن به اوکراین نشان داده که متأسفانه دنیا هنوز به این لحظه پساتاریخی نرسیده و قدرت نظامی بدوی، همچنان ضامن صلح برای کشورهای لیبرال است. بنابراین دولت– ملت بعید است که به‌عنوان عامل اساسی در سیاست جهانی از بین برود.

زندگی خوب

نقد محافظه‌کارانه لیبرالیسم در اصل، به تأکید لیبرال به خودمختاری فرد، شکلی معقول دارد. جوامع لیبرال به برابری شرافت انسانی معتقد است؛ شرافتی که ریشه در توانایی فرد در انتخاب دارد. به همین دلیل، لیبرال‌ها خود را وقف دفاع از خودمختاری به عنوان حقوق اصلی کرده‌اند. اما اگرچه خودمختاری یک ارزش لیبرال اساسی است، تنها خیر بشر نیست که خودبه‌خود از تمام تصورات دیگر از زندگی خوب پیشی بگیرد. جوامع لیبرال موفق، فرهنگ خود و درک خود را از زندگی خوب دارند؛ حتی اگر این بینش باریک‌بینانه‌تر از بینش جوامعی باشد که محدود به یک اصل واحد هستند. آنها نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند نسبت به ارزش‌هایی که برای حفظکردن خودشان به‌عنوان جوامع لیبرال لازم است. جوامع لیبرال برای همبستگی باید به نشاط عمومی، برابری، بی‌تعصبی و مشارکت فعال در امور عمومی تقدم بدهند. اگر می‌خواهند به لحاظ اقتصادی ترقی کنند، باید به ناواری، کارآفرینی و ریسک‌پذیری ارزش بدهند. جامعه‌ای از افراد خودبین که فقط دوست دارند مصرف شخصی‌شان را به حداکثر برسانند، اصلا جامعه نمی‌شود.

دولت‌ها مهم هستند نه فقط به خاطر اینکه مرکز قدرت قانونی و ابزار کنترل خشونت هستند، بلکه تنها منبع اجتماع هستند. جهان‌گرایی لیبرال از یک طرف در تعارض با ماهیت اجتماعی بودن انسان است. مردم محک‌م‌ترین پیوندهای عاطفی را با نزدیکانشان حس می‌کنند، مثل دوستان و خانواده؛ وقتی دایره آشنایی وسع‌تر می‌شود، حس اطاعت‌شان به شکلی اجتناب‌ناپذیر کمتر می‌شود. همچنان که طی قرن‌ها، جوامع انسانی بزرگ‌تر و پیچیده‌تر شده است، محدوده همبستگی از خانواده‌ها و روستاها و قبایل به سراسر کشورها رسیده و به‌طور چشمگیری گسترده شده است. اما بشردوست‌ها انگشت‌شمار هستند. برای بیشتر آدم‌های دنیا، کشور همچنان بزرگ‌ترین واحد همبستگی است که ذاتا به آن وفادار هستند. به علاوه، این وفاداری شالوده مهم مشروعیت دولت و در نتیجه توانایی‌اش برای حکومت‌کردن می‌شود. در جوامع خاص، هویت ملی ضعیف می‌تواند پیامدهای ویرانگری داشته باشد، همان‌طور که در بعضی کشورهای رو به توسعه که مشکل اقتصادی دارند، مشخص است؛ کشورهایی مانند میانمار و نیجریه و در بعضی دولت‌های شکست‌خورده مثل افغانستان، لیبی و سوریه.

موضع ناسیونالیسم لیبرال

این بحث ممکن است شبیه بحث «هزنی» دانشمند محافظه‌کار در کتاب «مزیت ناسیونالیسم» (سال ۲۰۱۸) او، به نظر برسد که در آن از نظمی جهانی بر اساس خودمختاری دولت–ملت‌ها حمایت می‌کند. او به نکته مهمی اشاره می‌کند وقتی علیه کشورهای لیبرالی مثل ایالات متحده هشدار می‌دهد که سعی می‌کنند دنیا را طبق تصوراتشان از نو بسازند و در این راه از خود تجاوز می‌کنند. اما این نظرش اشتباه است که کشورهای موجود، واحدهای فرهنگی مرزبندی‌شده و مشخص هستند و نظم جهانی صلح‌آمیز با پذیرفتن این کشورها این‌چنان‌که هستند، به وجود می‌آید. کشورهای امروزی بناهای اجتماعی هستند؛ بناهایی که محصول جانی نزاع‌های تاریخی‌اند که اغلب جنگ، خشونت، همکونی تحمیلی (منظور فرایندی است که در آن گروه اقلیت به‌تدریج

فرهنگ‌ها و رفتارهای فرهنگ غالب را می‌پذیرد) و دستکاری عمدی نمادهای فرهنگی را در بر می‌گیرند. شکل‌های بهتر و بدتر هویت ملی وجود دارد و جوامع می‌توانند آنها را انتخاب کنند.

به‌طورخاص، اگر هویت ملی بر اساس ویژگی‌های ثابتی مثل نژاد، قومیت باشد، از دسته‌ای می‌شود که به طور بالقوه حذف‌کننده است و اصل لیبرال منزلی‌وار (انسان‌ها) را نقض می‌کند. اگرچه تناقض ضروری این بین نیاز به هویت ملی و جهان‌گرایی لیبرال وجود ندارد اما تنش بالقوه قدرتمندی میان این دو اصل همچنان وجود دارد. جهان‌گرایی لیبرال بر اساس ویژگی‌های ثابت باشد، تبدیل به ناسیونالیسم خصمانه و حذف‌کننده می‌شود، همان‌طور که طی نیمه اول قرن بیستم در اروپا شد. به همین دلیل، جوامع لیبرال نباید گروه‌ها را بر اساس هویت‌های ثابتی مثل نژاد، قومیت به رسمیت بشناسند. البته دوره‌هایی هست که این مسئله اجتناب‌ناپذیر می‌شود و اصول لیبرال کارایی ندارند. در بسیاری از جاهای دنیا، گروه‌های قومی یا ایدئولوژیک یک سرزمین را برای نسل‌ها اشغال کرده‌اند و سنت‌های زبانی و فرهنگی ریشه‌دار خود را دارند. در بالکان، خاورمیانه، جنوب آسیا و جنوب شرقی آسیا، هویت قومی یا مذهبی عملا ویژگی اصلی برای بسیاری از مردم است و جذب‌کردن آنها به فرهنگی ملی و گسترده‌تر، بسیار غیرواقعی است.

می‌شود شکلی از سیاست لیبرال را در چندین واحد فرهنگی اجرا کرد؛ برای مثال هند چند زبان ملی را به رسمیت می‌شناسد و در گذشته به ایالت‌هایش اجازه داده بود که سیاست‌های خودشان را در رابطه با آموزش و سیستم‌های قانونی پیاده کنند. فدرالیسم و واگذاری هم‌زمان قدرت به واحدهای زیرمجموعه ملی اغلب در چنین کشورهای متنوعی، ضروری است. قدرت رسما می‌تواند به گروه‌های مختلفی اختصاص داده بشود که به واسطه هویت فرهنگی‌شان تعریف می‌شوند، در ساختاری که دانشمندان سیاسی آن را consociationalism (آرایش) یا توافقی سیاسی که در آن گروه‌های مختلف مثل جمعیت‌های قومی یا نژادی در یک کشور یا منطقه، بر اساس فرمول یا مکانیسمی مورد توافق، در قدرت سهم می‌شوند) می‌نامند. با اینکه این آرایش سیاسی به طور معقولی در هلند موفق از آب درآمده اما در جاهایی مثل بوسنی، عراق و لبنان فاجعه‌آمیز بوده، جایی که گروه‌های هویتی خود را در نزاعی باخت– باخت محبوس می‌بینند. در جوامعی که گروه‌های فرهنگی هنوز به صورت واحدهای خودمحور و خودبین منسجم نشده‌اند، بهتر است با شهروندان به صورت فرد برخورد کرد تا اعضای گروه‌های هویتی. از سوی دیگر، جنبه‌های دیگر هویت ملی وجود دارد که می‌تواند به صورت داوطلبانه پذیرفته بشود و بنابراین به صورت گسترده به اشتراک گذاشته می‌شود مثل سنت‌های ادبی، روایت‌های تاریخی و زبان، غذا و ورزش. کاتالونیا، کبک و اسکاتلند همه مناطقی با سنت‌های فرهنگی و تاریخی متمایز هستند و همگی دارای پارتیزان‌های ناسیونالیستی هستند که در پی جاشدن کامل از کشوری هستند که با آن پیوند دارند. تقریبا می‌شود مطمئن بود که این مناطق موقع جداشدن، همچنان جوامع لیبرالی خواهند بود که به حقوق افراد احترام می‌گذارند، مثل جمهوری چک و اسلواکی بعد از اینکه در سال ۱۹۹۳ کشورهای مستقلی شدند.

هویت ملی دارای خطرات آشکاری است اما فرصت هم هست. یک مفهوم اجتماعی است و می‌تواند از ارزش‌های لیبرال حمایت کند به جای اینکه سبب تضعیف آنها بشود. بسیاری از کشورها به لحاظ تاریخی از جمعیت‌های متنوعی تشکیل شده‌اند و به خاطر اصول سیاسی با آرمان‌هاشان به شدت خود را اجتماع می‌بینند به جای اینکه خود را از دسته‌بندی‌های قهری ببینند. استرالیا، کانادا، فرانسه، هند و ایالات متحده آمریکا همه، کشورهای هستند که در دهه‌های اخیر در پی ساختن هویت ملی بر اساس اصول سیاسی بوده‌اند به جای نژاد یا قومیت. ایالات متحده فرایندی طولانی و دردناک را طی کرده تا آمریکایی بودن را بازتعریف کند. به طور مستمر موانع شهروندی را بر اساس طبقه، نژاد و جنسیت برداشته – گرچه این فرایند همچنان ناقص است و دچار مشکلات زیادی شده. در فرانسه، ساختن هویت ملی با «اعلامیه حقوق بشر و شهروندان» انقلاب فرانسه آغاز شد که شهروندی آلمانی را بر اساس زبان و فرهنگ مشترک پدید آورد. اما در اواسط قرن بیستم، استرالیا و کانادا شوروبایی شدند با اکثریت سفیدپوست غالب و قوانین محدودکننده در رابطه با مهاجرت و شهروندی، مثل سیاست «استرالایا سفید» که جلوی ورود مهاجران آسیایی را می‌گرفت. اما هر دو این کشورها بعد از دهه ۱۹۶۰ هویت ملی‌شان را بر اساس اصول غیرنژادی ساختند و در را به روی مهاجرت گسترده گشودند. امروز جمعیت خارجی هر دو کشور بیشتر از ایالات متحده است و کمتر از آمریکا هم دچار قطبی شدن/ایدئولیزاسیون و «واکنش شدید و تبعیض‌آمیز سفیدپوست‌ها» نسبت به خارجی‌هاست.

باوجود این، دشواری تشکیل هویت مشترک در دموکراسی‌های به شدت تقسیم‌شده، نباید کم‌اهمیت تلقی شود. بسیاری از جوامع لیبرال معاصر روی ملت‌های تاریخی ساخته شده‌اند که با شیوه‌های غیرلیبرال هویت ملی را درک کرده‌اند. فرانسه، آلمان، ژاپن و کره جنوبی، همه ملت بودند، قبل از اینکه دموکراسی‌های لیبرال بشوند؛ به قول خلی، ایالات متحده قبل از اینکه ملت بشود دولت بود. فرایند تعریف ملت آمریکایی به لحاظ سیاسی، بسیار طولانی، سخت و در دوره‌های مختلف با خشونت همراه بوده و حتی امروز چینی‌ها و راستی‌ها با روایت‌های به شدت رقابتی در مورد خاستگاه کشور این فرایند را زیر سؤال می‌برند.

لیبرالیسم چهار مشکل می‌شود اگر مردم فقط آن را سازوکاری برای مدیریت صلح‌آمیز تنوع ببینند، بدون اینکه اهداف گسترده‌تر ملی برای لیبرالیسم در نظر بگیرند. ملت‌هایی که خشونت، جنگ و دیکتاتوری را تجربه کرده‌اند معمولاً آن‌قدر عمر کرده‌اند که در جامعه‌های پیشرفته از زندگی کنند، مثل اروپایی‌ها بعد از ۱۹۴۵. اما چون مردم به زندگی صلح‌آمیز تحت رژیم لیبرال عادت نکرده، معمولاً این صلح و نظم را بدیهی می‌دانند و کم‌کم آرزوی سیاستی را می‌کنند که آنها را به موقعیت بهتری برساند. سال ۱۹۱۴، اروپا حدود یک قرن بدون نزاع‌های ویرانگر بود و توده‌های مردم با خوشحالی عازم جنگ شدند علیرغم پیشرفت بزرگ مادی‌ای که آن‌ها موقع اتفاق افتاده بود.

شاید دنیا به همین نقطه در تاریخ برشیرت رسیده؛ سه‌چهارم قرن است که جنگی بزرگ بین کشورها اتفاق نیفتاده و هم‌زمان رونق جهانی عظیمی داشته که به همین اندازه باعث تغییر اجتماعی بزرگی شده. اتحادیه اروپا به عنوان پادزهری برای ناسیونالیسمی که منجر به جنگ‌های جهانی شد، تأسیس شد و از این لحاظ در کمال ناامیدی موفق بوده. اما محله روسیه به اوکراین، از اغتشاش و خشونت بیشتری در آینده خبر می‌دهد. در این مقطع بحرانی، دو آینده خیلی متفاوت در پیش داریم. اگر پوینن استقلال و دموکراسی اوکراین را نابود کند، دنیا برمی‌گردد به عصر ناسیونالیسم خشن و بدون برابری که یادگار اوایل قرن بیستم است. ایالات متحده از این اتفاق در امان نخواهد بود همان‌طور که پوپولیست‌های مثل ترامپ در آرزوی تقلید از روش‌های خودکامگی پوینن هستند. از طرف دیگر اگر پوینن روسیه را به فروپاشی نظامی و شکست اقتصادی بکشاند، فرصت این پیش می‌آید که دوباره از لیبرال درس بگیریم که قدرتی که به واسطه قانون نامحدود می‌شود، منجر به فاجعه ملی و احیای آرمان‌های دنیایی دموکراتیک و آزاد می‌شود.

منبع: Foreign Affairs

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده سالیانه موسسه غیر تجاری خیریه فشنردن دستان کودکان فدک

بدینوسیله از کلیه اعضای **موسسه غیر تجاری خیریه فشنردن دستان کودکان فدک** دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده سالیانه نوبت اول این موسسه که راس ساعت ۲۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۷/۲۹ که در دفتر موسسه جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم با دستور جلسه زیر منعقد می گردد حضور به هم رسانید. ۱- استماع گزارش هیات مدیره در مورد عملکرد سالانه منتهی به تاریخ ۱۴۰۳/۷/۲۹ ۲- انتخاب اعضای هیات مدیره موسسه ۳- انتخاب بازرس قانونی موسسه ۴- بررسی پیشنهاد هیات مدیره و اتخاذ تصمیم در مورد سایر موضوعات مندرج در اساسنامه در راستای اهداف موسسه. ضمنا داوطلبان تصدی هیات مدیره و بازرس باید حداکثر دو روز قبل از برگزاری مجمع عمومی درخواست کتبی خود را تحویل و اعلام آگادی فرمایند. **معموه نمازی زاده. رئیس هیات مدیره موسسه خیریه فشنردن دستان کودکان فدک**

مدرس کارشناسی ارشد فارق التحصیلی ایتجناب **محمد رضا محمدی رضائی** **فرزند عبدالحسین** به شماره شناسنامه۱۶۸۹۵ صادره از ابهر در **مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری** **صادر** از **واحد دانشگاهی تهران جنوب** به شماره دانشنامه ۱۴۵۵۲۰۴۵۸۶۱۴۱ **مفقود گردیده** است و **فاقد اعتبار** می باشد. **از یابنده تقاضا می شود** اسمی **مدرک** را به **دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب** به نشانی **تهران خیابان کریم خان زند_خیابان ایرانشهر شمالی _ نبش آذرشهر شمالی** پلاک ۲۰۹ و یا **کدپستی ۱۵۴۱۴ ۱۵۸۴۷۱** ارسال نماید.

بدینوسیله به **اطلاع میرساند، یک برگ اصل جواز تاسیس به شماره ۱۲۳/۴۰۵۷۹ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۰۲** در **زمینه تولید انواع آجر و سفال** **صادر** از **اداره کل صنعت و معدن و تجارت استان سمنان بنام مجید محمدی** **مفقود گردیده** و از **درجه اعتبار ساقط** است.

«تفریح»، گمشده شهرهای ایران

علی یگانه نسب، «تفریح»، گمشده برنامهریزی شهری در ایران است. شهرهایی که آن‌قدر بی‌جذابشان کوچک است که توان برنامهریزی اساسی ندارند یا آن‌قدر چالش‌های اولیه بزرگ دارند که هزینه‌های جاری یا عمرانی و ترافیکی بیش از ایجاد فضا و برقراری زیرساخت‌های شهری اولویت دارد. شهروندان در خیلی از شهرهای ایران از بی‌کفایتی و کسالت محیط‌های شهری کلافه می‌کنند و این اتفاق به مدیریت شهرها وارد است که توجه آنها صرفا خرج نگهداشت دارایی‌های گدشته می‌شود. با این حال رویکردهای نوین در برنامهریزی شهری ایجاد فضاهای فراغتی و تأمین سہیلات تفریح، ورزش، آموزش و هنر برای عموم شهروندان را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و توسعه این فضاها را از عوامل لازم در اعتدالی کیفیت محیط و زندگی شهری محسوب می‌کنند. یکی از این فضاها، شهرهای بزرگ است و تمرکز برخی شهرهای دنیا بر این موضوع به حدی بوده که خود این فضاها عاملی برای جذب گردشگر شده‌اند.

بسیاری از شهرهای‌ها در دل مناطق ویژه گردشگری که امروزی از جذابیت‌های مختلف گردشگری، همچون فرهنگی، سرگرمی و امکانات ورزشی تفریحی است، قرار گرفته‌اند؛ مناطقی که نته‌ها یک استراتژی برای جذب توریست و فراهم‌کردن فضای مطلوب‌تر برای ساکنان محلی است. بلکه می‌توانند برای تسهیل تجدید حیات شهری مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

چالش‌های با فضاهای کسالت‌آور

کرج یکی از کلان‌شهرهای ایران است که بی‌کفایتی و کسالت وجه غالب فضاهای آن است. شهری که بسیاری از مردم

یادآوری وعده تاریخی مدیران شهری به تهرانی‌ها

پایتخت بدون شهرسازی

نورا حسینی، روزگاری نه چندان دور، شهرویزرفتن لذت دیگری داشت: تفریح جذاب تابستانی خانواده‌ها بود و حتی بسیاری از خانواده‌هایی که به تهران سفر می‌کردند، یک بار سری به شهرهای می‌زدند. روزگاری با شب‌های روشن که در آن جری از همه جادو و کوشی موبایل نبود و پایتخت، آخر هفته‌ها، به مال‌گردی اختصاص داده نمی‌شد.... آن سال‌ها، روشنگر زیست شهری خیلی ساده‌تر از حالا بود؛ اما یک خانواده سه، چهار، پنج‌فرخه را می‌شد در لوپاتیکر و به‌مان سیتی دید که با چرخ‌وفلک روبا، کودکی و هیجان را روی آسمان بسته‌وجو می‌کنند. شکل کارواند تفریحات خانوادگی غیرمجاز، مدرن‌تر و به همان نسبت گریز از درد و شهرهای‌های شهر بزرگ نقشه ایران، شکل و نفس و ریق گدشته را ندارند؛ و دلایل آن طیفه متوسط هم جبری نیست، طیفه‌ای که در دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ عمده شهری تفریحات سالم به‌ندان پرهزینه در شهری بود.

که روزیای توسعه می‌دید. حالا جرد صدامین نمی‌شود چیزی شنید و از صدامی هیجان و خنده معصومه‌ها چه‌ها در شهرهای و فانکلز و پارک آدم، با جری نیست یا جلوه دیروز را ندارد. تهران، حالا سست دیگر شهرویز ندارد و مکان‌های تفریحی سرپسته باسازها و مال‌ها، آن کارکرد جمعی و خانوادگی خاطره‌انگیز را ندارند و نسلی که شاید بسیاری از ابرار مدرن را برای تفریح و سرگرمی تجربه کرده باشند، اما لذت شهرهای‌ها را نتجسیده‌اند.

بیشتر از آنکه در آن بیدار باشند خوانند و از سال‌ها پیش با یک توسعه نامتوازن پذیرای سربیز جمعیت پایتخت شده است.

در کلان‌شهرهایی مانند کرج ایمنی فضاهای محلی مورد سؤال جدی بوده و برنامهریزی برای اوقات فراغت شهروندان در مراحل اولیه قرار دارد. به این سبب پرداختن به ایجاد جاذبه گردشگری از طریق شهرهای بزرگ امری غریب است.

مریم قهرمانی‌سارم، عضو شورای شهر کرج، با اشاره به این موضوع می‌گوید: مردم ۱۸ استان از کرج عبور می‌کنند و این شهر به عبارتی شاهراه ارتباطی کشور است. اما این جمعیت صرفا از کرج گذر می‌کنند چون جذابیتی برای ماندن آنها ندارد. در شهر نیست، این موضوع در دوره چهارم شورا آسیب‌شناسی شد و تصمیم گرفتیم فضاهای تفرجگاهی شهر را افزایش دهیم. یکی از تحقیقات در این زمینه نشان داد که یاد نامطلوب شرقی به غرب در کرج غالب بوده و ما مطلوب شمال به جنوب به دلیل رشته‌کوه‌های البرز کمتر می‌روزد. برای همین حدود ۱۰۰ هکتار در دشت غربی کرج جنگل‌کاری و سعی شده

باغستان‌های شهر حفظ شود.

او ادامه می‌دهد: همچواری با پایتخت باعث مهاجریذری کرج و تهدید هویت این شهر شده است. به‌طور مثال در سالی که هستیم با توجه به اجاره‌های مسکن احتمالا سربیز مستاجرهای تهران به کرج را داریم و حدود ۱۰ درصد افزایش جمعیت را در این شهر شاهد هستیم؛ لذا کرج خوابگاه کسانی می‌شود که تهران محل کار آنهاست. بنابراین ایجاد فضای تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

شهرهای قربانی توسعه بزرگراه‌ها

۱۵ سال است از کرج وسایل ویلچر،یکر شهرهای قدیم تهران در بزرگراه چمران می‌گذرد. شهروندان وقت تهرآن از زمان اول داد شهرهای مدنی در شهر آفتاب احداث کند تا پایتخت‌نشینان جای خالی شهرهای قدیمی را احساس کنند و مشکلات ترافیکی این بزرگراه هم حل شود و تهرانی‌ها هم لذت چمران خلوت را احساس کنند و هم شهرهای مدرن‌تری نصیب‌شان شود، اما تهرانی‌ها حالا پشت ترافیک بزرگراه چمران خاطره شهرهای اذیت‌نشان‌شان را رزنده می‌کنند.

شهرهای چمران را به همان اندازه آبی پل روگذر خالی کردند تا شبکه بزرگراهی شهر تهران که از دهه ۵۰ معطل مانده بود، تکمیل شود. زمزمه‌های تخریب این شهرهای از سال ۸۲ به کوش رسید تا سال ۸۳ که محمدمیرزاده، معاون خدمات شهری

شهردار وقت، خبر خیرحفاظتی شهرهای ا تهرانی‌ها را داد.

قابلیات شهردار تازه‌وارد آن سال‌ها هم راحل بازشدن کره ترافیکی این بزرگراه را رفتن شهرهای از این منطقه تشخیص داد و در نهایت در ۲۱ فروردین سال ۸۵ ماقولقت اصولی نیکاد شهید انقلاب اسلامی و معاونت فنی شهرداری تهران به دست آمد و شهرداری در ازای دریافت سند مالکیت شهرهای مبلغ ۲۳ میلیارد تومان پرداخت. قابلیات همان سال‌ها به تهرانی‌ها دود داد شهرهای مدرن‌تر و به‌رورتری را در شهر آفتاب احداث خواهد کرد. قطار بزرگ، سفینه، متوریل، آبشار آبی، ارابه، آسب پرنده، تاب‌چرخ، چرخ عصار، سینما سه‌بعدی، توفان کاترپلار، آبشار آکروجت، فلاکتان، ترن‌هولی، کشتی سا، ماشین‌رقی، قالیچه پرنده، رودخانه وحشی، سورتمه، چرخ‌وفلک، رولر کاستر، گردش فضایی، رینجر و احتیاطی ۲۵ وسیله بازی بودند که مدیران شهری آن سال‌ها وعده داده تهرانی‌ها در شهرهای جدیدشان با آن هیجان خود را تخلیه خواهند کرد؛ اما آن گذشت سال‌ها هنوز این وعده مدیران شهری محقق نشده است و

به نظر نمی‌رسد تصمیم‌گیران تهران با دخل‌خارج و نیازهای فوری که در حوزه‌های حیاتی مانند حمل‌ونقل عمومی دارند، دغدغه ساخت شهرهای بزرگی مانند گذشته را داشته باشند.

به خاطر نبود شهرهای مدرن و بزرگ در کشورمان، شاید بسیاری تصورشان از شهرهای مکانی صرفا برای کودکان، نوجوانان و حدانگر جوانان باشد، اما این تصویر نادرست‌ت‌ها در ذهن مردم کشور ما شکل گرفته است. در شهرهای مختلف دنیا شهرهای‌های عظیمی وجود دارد که از همه اقتدار جامعه و سببیت مختلف طرفدار دارند. شهرهای‌های بزرگ دنیا حتی به‌عنوان مکانی برای جذب گردشگران داخلی و

قهرمانی‌سارم می‌گوید: در تالشیمت با فضاهای استاندارد برای زندگی مسکن ساخت کرج هم مباه. متأسفانه نظارت بر اسباب‌بازی پارک‌های محلی کمتر از گذشته شده و در این خصوص شهرداری باید اهتمام بیشتری داشته باشد. برای استانداردسازی این فضاها و ایجاد پارک‌های موضوعی بودجه اختصاص یافته است.

جاذبه‌هایی که گردشگران اسفهان نمی‌شاهند

با این حال نمونه‌های موفق نیز در ایران یافت می‌شود؛ شهرهایی که نتوانسته‌اند در کنار داشته‌های قبلی خود، فضاهای تفرجگاهی و گردشگریذیر ایجاد کنند. عباس حاج‌رسولی‌ها، عضو شورای شهر اسفهان می‌گوید: سال‌ها پیش در کلان‌شهر اسفهان تنها دو پارک اسباب‌بازی وجود داشت که باسج‌یک نیازهای جمعیت اسفهان نبود و جا داشت با برنده اسفهان شرایطی ایجاد کرد که همه از اتفاق‌زند از این‌رو شهرداری حدود ۱۰ سال پیش قراردادی را با یک شرکت چینی انعقاد کرد که در آن مقرر شد زمین آن را شهرداری اختصاص دهد و شرکت چینی نیز برای ایجاد یک شهرهای بزرگ، آن فضا را تجهیز کند؛ او اضافه می‌کند: این موضوع در قالب یک پروژه با چینی‌ها و به عنوان اولین پروژه به‌صورت مشارکتی آغاز شد. گفتنی است که این حرکت آغاز پروژه‌های مشارکتی بود و در یک‌بعدی اکواریوم ناروان نیز با پشتیبانی یک شرکت ترکیه‌ای اجرا شد با برای ایجاد شهرهای این نیز در همان سال‌ها حمایت شد.

او با تأکید بر اینکه فضاهای ساختی و تفریحی اسفهان در دو سال گذشته به‌خاطر شیوع کرونا آسب جدی دیده، ادامه

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

کمیته بررسی تغییر نظام ارزی دارو تشکیل می‌شود؟

مدیرکل مرکز بودجه و پایش عملکرد وزارت بهداشت ضمن تشریح اقدامات و بررسی‌های انجام‌شده در زمینه تغییر نظام ارزی دارو تاکید کرد: باید توجه کرد که فعلا نمی‌توان زمان خاصی را برای اجرای طرح تغییر نظام ارزی دارو تعیین کرد.

دکتر سیدجواد طبانیان درباره وضعیت فعلی ارز دارو و بحث تغییر نظام ارزی دارو گفت: زمانی که ارز ترجیحی وجود دارد، نرخ داروها و مواد اولیه‌ای که با ارز دولتی چهارهزارو ۲۰۰ تومانی از خارج از کشور وارد می‌شود، ارزان‌تر از تمام کشورهای منطقه است و بر همین اساس یارانه دولت باعث می‌شود این داروها با قیمت تمام‌شده بسیار کم وارد کشور شوند. در این میان از سوی برخی افراد سودجو یا حتی مستقیما برخی شرکت‌های دارویی، بخشی از دارویی که وارد می‌شود، به خارج از کشور به‌خصوص کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، عراق و... قاچاق می‌شود. حال گاهی این قاچاق کشف می‌شود و گاهی هم کشف نمی‌شود. در عین حال، افرادی هم هستند که از کشورهای همسایه به شهرهای

مرزی ما آمده و دارو می‌خرند.

بنابراین به‌جای اینکه دارو را از کشور خودشان تهیه کنند، آن را از ایران تهیه کرده و در این موارد، یارانه دارو به‌جای اینکه به مردم ایران برسد، به بیماران سایر کشورها تعلق می‌گیرد.

طرح تغییر نظام ارزی دارو

وی ادامه داد: بر این اساس، مطرح شد یارانه‌ای که به ارز داده می‌شود، مستقیما به مصرف‌کننده داده شود که شامل بیماران و افرادی هستند که از کالاهای اساسی ارزبر دارو و تجهیزات پزشکی استفاده می‌کنند.

بر این اساس، مطرح شد ارز تک‌نرخ‌ی شده و ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی در دارو هم حذف شود؛ به‌طوری‌که مابه‌التفاوت ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی تا ارز نیمایی به صورت ربالی به بیمه‌ها پرداخت شود و بیمه سطح پوشش دارو یا تجهیزات پزشکی را افزایش دهد تا جایی که پرداختی مردم تغییری نکند؛ به‌طوری‌که سال گذشته اگر بیماری دارویی را ۱۰ هزار تومان می‌خرد، امسال



گزارش «شرق» به مناسبت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

نشئه درد



نسنترن فرخه: به اجبار پدرم ازدواج کردم و به اجبار همسرم مواد مصرف کردم، اما به خاطر فرزندانم پاک شدم و پاک می‌مانم. اعتیاد همچون سیاهی، زیست هر انسانی را به تباهی می‌کشاند و محلات حاشیه پر است از زنان و کودکانی که اجبار و جبر علت تباهی آنها شده و بدون هیچ پناهی تنها راهشان جلورفتن در این مسیر سنگلاخی است که البته با وجود افزایش رو به رشد معضلات اجتماعی، اعتیاد شکل زنانه و کودکان هم به خود گرفته است. یعنی درگیری و اعتیاد در بین زنان و کودکان بیشتر شده و حتی در اردیبهشت سال قبل مدیر کل درمان و حمایت‌های اجتماعی ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان اینکه تخمین زده می‌شود که حدود ۱۵۶ هزار زن معتاد در کشور وجود داشته باشد، گفته بود: طبق بررسی‌های پراکنده صورت‌گرفته، سرعت رشد اعتیاد در زنان و جوامع زنانه رو به افزایش است. در کنار این موضوع هم بارها شاهد انتقاد فعالان اجتماعی از دسترس‌بودن مواد مخدر در محلات بودیم که همین سهل‌بودن بر شدت گستردگی اعتیاد مؤثر خواهد بود، مریم افرافراز، فعال مدنی هم اشاره می‌کند که الان تهیه مواد از تهیه یک تکه نان هم آسان‌تر است و بر همین اساس تا وقتی که وضعیت اعتیاد زنان و کودکان انکار نشود و در سطح ملی بررسی نشود و از سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده نشود، نمی‌توان درباره کاهش آسیب صحبت کرد. با وجود این گستردگی اعتیاد بین زنان و کودکان، اما آمار دقیقی از آن در دسترس نیست تا برای کاهش آسیب به تناسب آن اقدامی صورت گیرد، سال گذشته هم رئیس مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی گفته بود: متأسفانه اطلاعات دقیق و شفاف و به‌روزی نداریم که بتوانیم به قطعیت الان بگوییم آمار اعتیاد با اختلال مصرف مواد مقدر است، به برای زنان و چه برای مردان. درباره زنان به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی عدم قطعیت در آمارها بیشتر است و طبق شیوع‌شناسی سال ۱۳۹۴ حدود ۱۰ درصد جمعیت مصرف‌کننده مواد، زنان بوده‌اند که با توجه به برآورد جمعیت مصرف‌کنندگان مواد (دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) زنان معادل ۲۸۰ هزار نفر از این جمعیت‌اند.

فشارش می‌دهد و صورت خندان‌ش را می‌بوسد و حرف‌هایش را از

سر می‌گیرد، بین اغلب جملات‌ش تاکید می‌کند حالا همه زندگی من دخترانم هستند و با افسوس‌ی ادامه می‌دهد: البته دختر بزرگم الان ۱۶ سال دارد و سه سال است که از او بی‌خبریم، ۱۳ سالگی با مردی هم‌سن من ازدواج کرد و من راضی نبودم، بعد از ازدواج هم رفت، فراری‌اش دادند و الان نمی‌دانم در چه وضعی است.

سنااز دستانش را در هم گره می‌کند و از همان روزهای اول ازدواجش شروع به روایت‌کردن می‌کند: از همان روزهای اول ازدواج همسرم اعتیاد داشت و شاید حدود ۲۰ بار به کمپ فرستادمش و در این ۱۸ سال زندگی پنج سالی هم پاک بود ولی باز شروع کرد؛ هر روز از وسایل خانه کم می‌شد ولی من نمی‌توانستم چیزی بگویم، اگر پول خرید مواد نداشت، وسایل خانه را به‌جای پول

هم آن را ۱۰ هزار تومان بخرد، اما مابه‌التفاوت این پول را بیمه‌ها به داروخانه یا شرکت واردکننده‌ای که آن دارو را با ارز آزاد وارد کرده، پرداخت کنند. طبانیان گفت: در این صورت دیگر نرخ واقعی دارو ۱۰ هزار تومان نیست، بلکه ممکن است ۵۰ یا ۶۰ هزار تومان شود و این نرخ با نرخ تمام دنیا و کشورهای همسایه ما برابر شده و دیگر حالت قاچاق معکوس وجود نخواهد داشت. در عین حال، یکی دیگر از مزایای تغییر نظام ارزی دارو، حمایت از تولید داخلی و توسعه صنعت داروسازی کشور است. وقتی ارز ترجیحی باشد، شرکت‌ها دائما در انتظار دریافت، تخصیص و تأیید وزارت بهداشت برای ارز ترجیحی هستند و در بانک مرکزی هم مدت‌ها برای تأمین ارز منتظر می‌مانند، درحالی‌که اگر این ارز را خودشان به صورت آزاد و نیمایی تأمین کنند، واردات زودتر انجام شده و صنعت داروسازی ما زودتر به نتیجه می‌رسد و تولید داخلی افزایش می‌یابد. این موضوع هم باعث می‌شود با افزایش تولید داخل، فضای رقابتی برای صادرات ایجاد شود. همچنین شفافیت در بخش مالی دارو و درمان

آن همسر مرتب به من مواد می‌داد تا اینکه کامل فهمیدم من درگیر اعتیاد شدم، از آن به بعد خودش بیرون از خانه مصرف می‌کرد و اگر من پولی می‌دادم برایم مواد می‌گرفت، در غیر این صورت اصلا برایم مواد نمی‌گرفت.

ساناز آرام می‌گیرد و چند لحظه مکث می‌کند، همان موقع هر دو دخترش به اتاق می‌آیند و زیر لب زمزمه می‌کنند زور مواد زیاد است، اما همه‌چیز زندگی من بچه‌هایم هستند. کمی می‌گذرد و داستان‌ش را از سر می‌گیرد: من خسته شده بودم، دو سال اعتیاد داشتم و هر بار حرف ترک و کمپ را می‌زدم همسرم می‌گفت رفیق نیمه‌راه نباش، الان دیگر نمی‌خواهم پیش شوهرم برگردم، البته اصلا نمی‌داند ما کجا هستیم، دخترم هم چون دید پدرش باعث اعتیاد من و این روزهای ما شد، دوست ندارد برگردیم با او زندگی کنیم، من زنی چهارشانه و هیכלی بودم، اعتیاد من را از ۹۰ کیلو به ۴۰ کیلو رساند و هرروز شاهد آب‌دشمن بودم، لباس‌هایی که به‌خاطر هیכלی‌بودنم باید می‌دوختم تا اندازه‌ام باشد دیگر به تنم زار می‌زد.

همه متحد شده بودند دخترم را بفروشم

معصومه بیسکونی‌را از بین انگشتان کوچکش نگه داشته، جلو می‌آید و با جملات نامفهوم در دهان مادر می‌گذارد، ساناز، همان لحظه دخترش را می‌بوسد و روی پاهایش می‌نشان‌ش، با خشم از داستان روزهای گذشته خود می‌گوید: این دخترم ناخواسته بود و چون می‌گفتم ناخواسته است همه دور برداشته بودند بعد از تولد او را بفروشدند، همسرم به دنبال خریدار بود و خواهرشوهرم در اینترنت مشتری پیدا می‌کرد، حتی می‌گفتند چون مواد مصرف می‌کنی احتمال دارد بچه دچار مشکل باشد که اگر این‌طور بود یا بگذار بیمارستان بماند یا بفروش، همسرم می‌گفت بچه را می‌فروشیم و با پولش ماشینی یا خانه‌ای می‌گیریم، حتی بعد از زایمان هم پرستار بیمارستان مدام پیگیری می‌کرد تا بچه را از ما بخرد.

روزی که خواستم این شرایط تمام‌شود

ساناز دل پری از بی‌مهری آدم‌های اطرافش، مادر و پدر تا همسر مقصرش دارد، در روزی می‌گوید که همسرش قول یک خانه و کار را به او داده و گفته بود ساناز به خانه پدرش برود و منتظر باشد که هرگز هم باز نگشته و بعد ادامه می‌دهد: یک روز رومستایی بود، باران می‌آمد، من و دو بچه رفتیم جلوی در خانه پدرم، اما پدرم در را باز کرد و دید ما هستیم، با عصبانیت در را محکم بست. آن‌قدر حالم بد شده که به زمین افتادم، باید برای معصومه شیر خشک درست می‌کردم، ولی نمی‌دانستم باید چه کار کنم، در کوچه‌پس‌کوچه‌ها می‌گشتم تا اینکه جلوی در خانه‌ای رسیدم و ازشان آب جوش خواستم، آنها دلشان سوخت و ما را به خانه دعوت کردند، همان‌جا خانمی مواد مصرف می‌کرد و دید من هم مصرف‌کننده هستم و حال روز خوبی ندارم، مواد داد کشیدم و به ما رحم کردند، ما چند روزی آنجا بودیم تا اینکه یک روز لباس پوشیدیم و با بچه‌ها به بهزیستی رفتیم، گفتم می‌خواهم ترک کنم ولی کسی را ندارم، کمکم کنید، اول گفتند چون همسر و خانواده داری نمی‌شود، نامیدم برگشتم که یک‌دفعه ما را صدا زدند و گفتند مرکز مادر و کودکی هست که می‌توانی آنجا بروی، در این روزها دختر وسطی‌ام که الان با من است به من امید و انرژی داد و به‌خاطر بچه‌ها سلامتی‌ام را حفظ می‌کنم و خیلی از خانم‌هایی که اینجا می‌آیند با دین من امید می‌گیرند.

مددکار: بچه در شکم مادر درگیر اعتیاد خواهد شد

یکی از مددکارهای این مجموعه درباره شرایط اغلب زنان تحت پوششش می‌گوید: خیلی وقت‌ها زنان برای درمان اینجا می‌آیند و از همسر خود می‌خواهند او هم روند درمان را شروع کند که یا شروع نمی‌کنند یا نصفه را می‌کنند، در این شرایط زن اگر دوباره با همسرش ریز یک سقف برود لغزش خواهد کرد که اگر فرزندی هم داشته باشند شرایط پیچیده‌تر خواهد شد، الان همین مورد ما، یعنی ساناز و دخترانش این‌طور هستند، با وجود اینکه مادر باردار بوده، مواد مصرف می‌کرده که قطعا جنین درگیر بوده و بعد از زایمان هم شیر مادر را می‌خورده که با کم‌کردن مصرف مادر بچه هم پاک شده، چون کودک شیر مادر می‌خورد که کم‌کم شیر مادر سالم شده و الان

بهتر می‌شود. او گفت: کمیته‌های بررسی اجرای این طرح در فروردین ایجاد شد و گروه‌های تخصصی درباره اینکه این فرایندها باید الکترونیکی باشد، قیمت داروها بر اساس نرخ قدیم و جدید باشد، پرداختی بیماران بر اساس نرخ قدیم و جدید استخراج شود، تأمین اعتبار بیمه‌ها انجام شود و... بررسی‌های لازم را انجام می‌دهند. افرادی هم که تحت پوشش بیمه نبودند، شاید قبلا می‌توانستند داروها را آزاد تهیه کنند، اما اکنون از آنجایی که نرخ‌ها چند برابر می‌شود، بسیاری از افرادی که تحت پوشش بیمه نیستند، به سمت بیمه می‌روند و باید این افراد هم تعیین تکلیف شوند. البته دولت سه دهک درآمدی پایین جامعه را به صورت رایگان بیمه کرده است و در حال حاضر کلیه افرادی که زیر دهک سوم هستند، بیمه سلامت دارند و از خدمات مربوط به بیمه پایه استفاده می‌کنند.

در دو سال اخیر سالانه حدود ۲.۵ تا سه میلیارد دلار ارز ترجیحی برای وزارت بهداشت مصوب شده بود. امسال هم پیش‌بینی می‌شود ارز درون بین سه تا ۳.۵ میلیارد دلار مورد نیاز باشد.

مادر پاک است، اما منتظر خبری هستند تا برای ساناز و دخترانش خانه‌ای تهیه کند و از اینجا بروند، مادر امید دارد تا زندگی جدیدی را شروع کند.

اعتیاد زنان و کودکان انکار می‌شود

مریم افرافراز، فعال مدنی، درباره مقوله اعتیاد زنان و کودکان و انتقاد به در دسترس بودن هر گونه مواد مخدر و محرک در محلات، به «شرق» می‌گوید: یکی از موضوعات مهم بحث انکار اعتیاد زنان و کودکان است، همان‌طور که آمار دقیقی از وضعیت زنان باردار معتاد وجود ندارد، زمانی گفتند بین ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ نوزاد معتاد در روز به دنیا می‌آید که همین اختلاف عدد نشان می‌دهد آمار دقیقی از این مسئله وجود ندارد و نگاه ویژه و ملی برای مبارزه با اعتیاد، آن هم متناسب با سطح آسیب وجود ندارد. در نظر بگیرد که مادر معتاد فرزند معتاد به دنیا می‌آورد و برای همین به کودک معمولا متادون می‌دهد و آسیب به این شکل ثبات پیدا می‌کند، الان تهیه مواد از تهیه یک تکه نان هم آسان‌تر است.

این فعال مدنی ادامه می‌دهد: تا وقتی که وضعیت اعتیاد زنان و کودکان انکار نشود و در سطح ملی بررسی نشود و از سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده نشود، نمی‌توان درباره کاهش آسیب صحبت کرد، به یاد دارم کودک خردسال‌کی که حتی کلمه اعتیاد را درست نمی‌توانست بیان کند، به دلیل دل‌درد به او تریاک داده بودند و کودک معتاد شده بود. همچنین سال ۹۵ بخش نامه‌ای از طرف وزارت بهداشت به بیمارستان‌ها ارسال شد که نوزاد مبتلا به اعتیاد به مادر معتاد تحویل داده نشود که گرچه نیاز به بررسی بیشتر برای این موضوع بود، ولی همین باعث شد مادران بسیاری از ترس در بیمارستان‌ها زایمان نکنند، در کنار این بسیاری از نهاده‌ها از جمله وزارت بهداشت و اورژانس اجتماعی در بحث پیشگیری و درمان اعتیاد زنان و کودکان توجه جدی ندارند، در کنار این بیمارستان‌ها شهامت پذیرش کودک درگیر اعتیاد را ندارند که این روند در شهرستان‌ها پیچیده‌تر است؛ یعنی از دردهای آن‌ها دور می‌کنند، مثلا یک کودک درگیر اعتیاد را به بیمارستان ندیدم، ولی قول نمی‌کردند و می‌گفتند اگر پدرش بیاید این‌ها را تحویل بگیرد، اما می‌کند که آن روز ما شش بیمارستان را بررسی کردیم که هیچ‌کدام حاضر به بستری کودک نشدند و آخر سر بعد از ۱۰ ساعت که علائم کودک نمایان شد، بستری کردند.

ایشان ادامه می‌دهد: در بحث درمان اعتیاد، ما دچار یک چرخه معیوب هستیم، قانون و لایحه درستی وجود ندارد، مثل لایحه امنیت زنان و لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان که جانش‌هایی دارد، البته اگر ضمانت اجرائی کافی هم وجود داشته باشد، درباره اعتیاد یک نوزاد به یاد دارم که پدر او می‌گفت من ولی کودک هستم و هرگونه که دوست داشته باشم رفتار می‌کنم و قانون این اجازه را به من می‌دهد و ما به عنوان فعال اجتماعی برای نجات یک نوزاد گاهی باید ماه‌ها دوندگی کنیم. درباره فرایند نجات یک کودک باید به این اشاره کنم که اورژانس اجتماعی بعد از گزارشی که به عموم داده می‌شود، باید به عنوان یک سرکشی به خانواده و شناسایی خانواده اقدام کند و مددکار اورژانس گزارشی تهیه کند تا برای دادگاه ارسال کند، بعد دادگاه تأیید کند و بعد دوباره اورژانس برگردد به خانه و کودک را از خانه‌ای که باتوق مصرف مواد است یا خانواده آسیب‌دیده است بگیرد. در صورتی که بارها مشاهده کردیم در فاصله رفتن مددکار برای گرفتن نامه قانونی خانواده یا کودک قرار کرده‌اند و همین که نامه یک فعال اجتماعی و جacht قانونی ندارد بحران است. پیشنهاد می‌شود آیین‌نامه اجرائی بین چند نهاد مختلف تصویب شود و دست فعالان اجتماعی را در این زمینه باز بگذارد، در آخر هم درباره برخورد مردم با زنان و کودکان درگیر اعتیاد هم باید بگویم تا زمانی که کودکانی به‌عنوان کودک کار وجود دارند، قطعا اعتیاد هم در بین برخی از آنها خواهد بود، حال اگر مردم مشاهده علائم اعتیاد در بین این کودکان بودند، حتما با اورژانس اجتماعی به شماره ۱۲۳ تماس بگیرند و موضوع را پیگیری کنند، خوب است که مردم به این مسائل بی‌تفاوت نباشند.

برگ سبز خودرو و سمندلX رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۵۳-۱۶۶ د ۵۷ و شماره موتور 124K1445880 و شماره شاسی NAAC91CE0LF685322 به نام **مریم خاتم ساز اصفهانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو کوئیک رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۴۰ ایران ۴۲۲ ن ۳۳ و شماره موتور M15/9546516 و شماره شاسی NAS841100N1121069 به نام **حبیب اله کیانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز . سند کارخانه وانت پیکان 1600OHV مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید شیری - روغنی به شماره پلاک ق ۶۱۴ ایران ۹۴ شماره موتور 114F0031884 و شماره شاسی NAAA46AA4DG377803 بنام **آقای حشمت الله شیخ زاده** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

برگ سبز تراکتور کشاورزی تک دیفرانسیل ITM285 مدل ۱۳۹۱ به رنگ قرمز- روغنی به شماره پلاک ک ۱۳ ۵۴۱ ایران ۴۵ به شماره موتور LFW12370Y و شماره شاسی N3HKA1CE2TAM13781 بنام **آقای محمدرضا سنجری پور** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

مدرک فارغ التحصیلی **اینگناب حامد پور تو** فرزند محمد به شماره شناسنامه ۸۴۵ صادره از کرمانشاه در مقطع کارشناسی رشته مهندسی تولیدات دامی صادره از واحد دانشگاهی آزاد بروجرد با شماره ۸۱/۵/۸۱/۵/ف و تاریخ ۸۵/۵/۱۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد .از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد به نشانی مجمع امام خمینی (ره) ارسال نماید .

گواهبنامه موقت فارغ التحصیلی **اینگناب راضیه علی زاده** فرزند جلیل به شماره شناسنامه و کدملی ۲۷۴۱۲۳۰۳۶۶ صادره از ارومیه در مقطع کارشناسی رشته مهندسی تکنولوژی نرم افزار صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد .از یابنده تقاضا می شود گواهبنامه موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی تهران بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه، خیابان شهید صدوقی، بلوار وفادار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید .

صور تجلسه مجمع عمومی شرکت یکتا مبتکران ایرانیان (ش . ثبت : ۲۹۹۲۳۹) با نام و یاد خدا و صلوات بر محمد وال محمد (ص) در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ با تالوتی چند از آیات قران کریم و با حضور کلیه اعضا، و منشی جلسه . جلسه مجمع عمومی شرکت شروع و با رعایت مفاد اساسنامه به شرح ذیل اتخاذ تصمیم گردید. ۱-خانم جمیله صدیق موسوی با دریافت سهم شراکت از سمت خود واز شرکت خارج و خانم زهرا صادق جابایی با سمت مدیر عامل در جای ایشان قرار گرفتند. ۲-آقای حسین نیکوفر مینو با سمت ریاست هیئت مدیره با همان اختیارات و بدون هیچ تغییری در سمت خود باقی ماندند . ۳-آقای سید محمدرضا صدیق موسوی با دریافت سهم شراکت از سمت خود خارج و خانم مهدیه نیکوفر مینو بجای ایشان وبا سمت ایشان بعنوان اعضا، شرکت جایگزین گردیدند . در ساعت ۱۰ صبح يوم جاری جلسه با ختم صلوات بر محمد وال محمد ص به پایان رسید. منشی جلسه در جلسه حضور دارند و موارد صور تجلسه مجمع را تنظیم و ثبت نمودند . ضمنا با موافق اعضا، نشانی شرکت به آدرس تهران تهران تهرانیارس شهرک امید بلوک ۱۷ طبقه ۴ واحد ۲۲ تغییر پیدا نمودند . (ومن ...) التتوفیق) **مدیر عامل- ریاست هیئت مدیره - وتنامی اعضا شرکت یکتا مبتکران ایرانیان (شماره ثبت ۲۹۹۲۳۹)** **از اداره ثبت شرکتها وموسسات تجاری تهران**

کار تیم ملی والیبال ایران در هفته دوم رقابت‌های لیگ ملت‌ها با نتیجه‌ای مشابه با هفته نخست به پایان رسید. ایران در هفته دوم با تیم‌های بلغارستان، آمریکا، برزیل و کانادا دیدار کرد که دو بازی را به سود خود پایان داد و دو بازی را هم به رقبای واگذار کرد. تفاوت عمده بازی‌های این هفته با هفته نخست در میزان بالای شکستی بود؛ به‌عنوان مثال ایران در دیدار نخست برابر بلغارستان، روی کاغذ کار بسیار ساده‌ای داشت؛ ولی در میان شکستی همگان، بازی را به میزبان هفته دوم این رقابت‌ها آن‌هم با نتیجه ۳ بر صفر واگذار کرد. عکس این اتفاق در دیدار برابر آمریکا رقم خورد؛ جایی که کمتر کارشناسی برای برد ایران شانس‌ی متصور می‌شد؛ ولی بازیکنان ملی‌پوش ایرانی موفق شدند در یک دیدار که دست‌کمی از حماسه نداشت، رقیب را از پیش‌رو بردارند. شکست برابر برزیل و برتری برابر کانادا، پرونده ایران در هفته دوم را بست.

برد غرور آفرین برابر آمریکا

ایران هفته دوم را بسیار بد شروع کرد. این تیم در دیدار نخست برابر بلغارستان به میدان رفت و در شرایطی که به نظر می‌رسید یک بازی بسیار ساده پیش‌رو دارد، با نتیجه ۳ بر صفر شکست خورد. این نتیجه در حالی رقم خورد که بلغارها پیش از بازی با ایران، هیچ بردی در کارنامه نداشتند و کمتر کسی تصور می‌کرد ایران قافیه را به میزبان هفته دوم واگذار کند؛ ولی بازیکنان ایران بعد از بازی از سطح بازی بلغارستان ابراز شکفتی کرده و قول دادند در بازی‌های باقی‌مانده نمایش قابل قبولی داشته باشند. این وعده در حالی داده شد که آنها باید دو بازی سخت برابر آمریکا و برزیل برگزار می‌کردند. با این حال شاگردان بهروز عطایی، قول‌شان را عملی کرده و این بار برابر آمریکا، تیمی که تا پیش از ایران، هیچ شکستی در کارنامه نداشت، بازی درخشانی به نمایش گذاشتند. ایران موفق شد آمریکا را در سه ست پیایی شکست دهد. این برای اولین بار بود که والیبال ایران با یک مربی ایرانی موفق به شکست‌دادن آمریکا می‌شد. همان قدر که شکست ایران برابر بلغارستان اهالی والیبال را شوکه کرده بود، این بار برتری جوانان ایرانی مقابل آمریکا موجی از شکفتی را رقم زد. جان اسپرا، سرمربی تیم ملی آمریکا، به تمجید از بازیکنان جوان ایران پرداخت و گفت که از قبل می‌دانسته این بازیکنان توانایی زیادی دارند. «ایران عالی بازی کرد. ما مثل سایر دیدارهای این تورنمنت سر

سربازی سرمربی تیم ملی، حتی از دریافت مدارک سید شهرام هروی خودداری کرد و به او اعلام کردند نمی‌توانیم برای شما کاری انجام دهیم! همچنین سفارت آمریکا از دریافت مدارک سیدحسین طباطبائی، رئیس فدراسیون کاراته نیز خودداری کرد تا او نیز موفق به ارائه مدارک جهت دریافت ویزا نشود. پس از این اتفاق، فدراسیون کاراته مراتب اعتراض خود را به فدراسیون جهانی کاراته و مسئول برگزاری بازی‌های جهانی اعلام کرد؛ اما تاکنون هیچ پاسخی دریافت نکرده تا اعزام تیم به آمریکا در قاصصه ۱۳ روز تا این بازی‌ها به امواگر کشیده شود. البته ویزای ورزشکاران ایران نیز هنوز صادر نشده و با این شرایط مشخص نیست تیم‌های ملی عازم آمریکا خواهند شد یا خیر؟ مسابقات ورلد گیمز یا بازی‌های جهانی کاراته-۲۰۲۲، ۱۷ و ۱۸ تیرماه در بیرمنگام آمریکا برگزار می‌شود.

نگته‌ای که در این خبر به آن اشاره شده، داستان کارت پایان

خدمت سربازی سرمربی تیم ملی کاراته است. اینجا برای اولین بار است که در رسانه‌ها به‌طور رسمی از این موضوع به‌عنوان یک مشکل یاد شده و کارت پایان خدمت دلیلی برای صادرنشدن روادید ذکر شده است. این موضوع به شایعاتی که از سال ۲۰۱۹ به این‌طرف برای خروج از ایران صورت گرفته، دامن زده و به نظر می‌رسد موردی که پیش‌تر عنوان و گفته شده بود آنهایی که کارت پایان خدمت سربازی را از ارگان سپاه دارند، برای سفر به آمریکا به مشکل برمی‌خورند، صحت دارد. در گزارش اخیر به این بند اشاره نشده که کارت پایان خدمت شهرام هروی چه

در هفته دوم را بست.

جدال پایایی با برزیل

سومین بازی ایران در هفته دوم این رقابت‌ها برابر تیم پردرث برزیل بود. ایران که از برد شیرین برابر آمریکا به وجد آمده بود، امید زیادی داشت در نوزدهمین تقابل با برزیل بتواند برای چهارمین بار طعم شیرین پیروزی را بچشد؛ ولی برزیلی‌ها باتجربه‌تر عمل کرده و نه‌تنها در نوزدهمین تقابل مقابل ایران شانزدهمین بردشان را به دست آوردند؛ بلکه مانع از این شدند که بازی به ست پنجم کشیده شود. پیش‌ازاین و در سه دیدار اول بین برزیل و ایران در رقابت‌های لیگ ملت‌های والیبال، یکی در سال ۲۰۱۸ و دو دیدار در سال ۲۰۱۹، نبردهای دو طرف در پنج ست به پایان رسید. برزیل این بازی را با نتیجه ۳ بر صفر از ایران برد؛ ولی جوانان ایران در ست‌های اول و دوم این بازی توانستند نمایش قابل قبولی داشته باشند. ایران این بازی را با نتیجه ۳۰ بر ۲۵، ۲۵ بر ۲۵ و ۲۵ بر ۱۹ به رقیب اهل آمریکا جنوبی واگذار کرد.

کانادا؛ جدال سیاسی بعد از فوتبال

چهارمین بازی ایران در هفته دوم رقابت‌های لیگ ملت‌های والیبال هم عصر روز گذشته برگزار شد که این بار تیم ملی برابر کانادا به میدان رفت. این بازی روی کاغذ جدال سختی برای ایران نبود؛ ولی از آنجا که داستان کانادا با ایران در ماه‌های گذشته تبدیل به جدالی حساس در عرصه دیپلماسی شده بود، این جدال هم تحت



● علی علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی

معزل جدید ورزشکاران ایرانی برای سفر به ینگه دنیا

کارت پایان خدمت سپاه و ویزای آمریکا

مشکلی دارد؛ ولی به نظر می‌رسد این مورد برگرفته از همان شایعه است. با جست‌وجویی سریع و ساده درباره مشکلات کارت پایان خدمت برای خروج از ایران و البته سفر به آمریکا، سایت‌های مشاوره زیادی هستند که از این داستان به‌عنوان یک مشکل جدید، به‌ویژه از سال ۲۰۱۹ به این طرف یاد کرده‌اند. در یکی از همین منابع به این موضوع به‌صورت کلی پرداخته شده و در سرفصلی تحت عنوان «تاثیر کارت پایان خدمت سپاه بر خروج مسمولان از کشور» این‌طور آمده است: «خدمت در ارگان نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌صورت امریه، نخبه با نیروی ساده در حالت کلی برای اکثر کشورهای جهان مانعی در پروسه اخذ ویزا محسوب نشده و تاثیر چندانی نیز بر شرایط سفر یا مهاجرت افراد نخواهد داشت. دراین‌میان تنها کشوری که تاحدودی خدمت سپاه مهاجرت به آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، کشور آمریکاست. همان‌طوره‌که می‌دانید این کشور عموما مقررات سخت‌گیرانه‌ای را درباره ایرانیان به اجرا گذاشته و یکی از مسائلی که همواره مورد توجه این کشور برای اعطای ویزا قرار می‌گیرد، ارگان خدمت افراد و نحوه همکاری با نیروی‌های نظامی است. تا پیش از سال ۲۰۱۹ چنانچه شما در سپاه خدمت می‌کردید، در جلسه مصاحبه سفارت، این شانس را داشتید تا خدمت خود در سپاه را تقسیم‌بندی سازمان نظام وظیفه عنوان کرده و در حقیقت نقش خود را در این امر بی‌تاثیر جلوه دهید. متأسفانه از سال ۲۰۱۹ با افزایش سخت‌گیری‌ها بر ارگان سپاه و قرارگرفتن این نهاد نظامی در لیست تحریم‌ها، شرایط اخذ ویزا

برای مسمولانی که در این نهاد خدمت خود را به پایان رسانده باشند، با دشواری‌هایی همراه شده است. علت این امر آن است که عموما مسئول مربوطه در سفارت براساس همکاری شخص با این نهاد نظامی می‌تواند تصمیم به رد درخواست ویزای شخص بگیرد. به‌همین‌دلیل ویزاهایی که پیش از تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۸ صادر شده بود، برای ایالات متحده قابل پذیرش اعلام شده؛ اما پس از این تاریخ در حالت فعلی، سفر به کشور آمریکا برای مسمولانی که دارای کارت پایان خدمت سپاه هستند، با چالش‌های جدی روبه‌رو است.»

حالا که در خبر اخیر عنوان شده است که مسئولان سفارت آمریکا با مشاهده کارت پایان خدمت شهرام هروی حتی حاضر به بررسی مدارک او هم نشده‌اند، می‌توان این دو مورد را به هم ربط داد.

این خبر در شرایطی روز گذشته فضای ورزش ایران را تحت‌الشعاع قرار داده که سیات انتخاب، در خبری که بازتاب درخورتوجهی داشت، از این نوشتت که آمریکا به‌تازگی چنین ممنوعیتی را برداشته است. در بخشی از گزارش این سایت این‌طور آمده است: «وزرای خارجه و امنیت داخلی و دادستان کل آمریکا به ماموران مرزبانی اجازه دادند در صورتی‌که این افراد تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب نمی‌شوند، روادید سفر به آمریکا برایشان صادر شود. این دستورالعمل می‌تواند بر روند صدور ویزا برای کسانی که به دلیل خدمت وظیفه در سپاه پاسداران از دریافت ویزای آمریکا محروم شده‌اند، اثرگذار باشد. بنا بر گزارش نشریه رسمی اطلاع‌رسانی دولت آمریکا، در دستورالعمل این وزارتخانه‌ها آمده است که این متقاضیان صدور ویزا باید ثابت کنند که خدمت سربازی‌شان داوطلبانه نبوده است و آنها تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا نیستند. همچنین در این دستورالعمل که بدون اشاره مستقیم به نام سپاه پاسداران ایران آمده است که صدور ویزا برای چنین افرادی پس از انجام «همه بررسی‌ها» درباره سابقه‌شان و تحقیقات امنیتی کامل بلامانع است.»

با توجه به اتفاق جدیدی که برای شهرام هروی و تیم ملی کاراته ایران رخ داده، به نظر می‌رسد عملی شدن این موضوع با صحت خبر اخیری که سایت انتخاب نوشته، مورد تردید است یا اینکه در بدترین حالت ممکن، مسئولان سفارت آمریکا در ارمنستان، با این پرونده به‌صورت سلیقه‌ای برخورد کرده‌اند.

عدم صدور روادید آمریکا برای شهرام هروی در شرایطی رخ داده که پیش‌ازاین آمریکا برای علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی ایران هم ویزا صادر نکرد. البته آن موضوع ارتباطی با کارت پایان خدمت علیرضا دبیر نداشت و اظهارات آمریکاستیزانه دبیر باعث شدت تا این کشور مانع از سفر رئیس فدراسیون کشتی ایران به این کشور شود. دبیر که روزگاری گرین‌کارت آمریکا را در اختیار داشت، پیش از سفر تیم ملی کشتی ایران به آمریکا برای برگزاری یک رقابت دوستانه، در گفت‌وگویی تصویری گفت که شعار مرگ بر آمریکا به‌تنهایی کافی نیست و باید این مورد را در عمل نشان داد. این‌جملات سسوزهای برای «فاکس نیوز» آمریکا شدت تا به رئیس فدراسیون کشتی ایران بتازد. فاکس‌نیوز در گزارشی نوشت که چرا آمریکا باید به فردی که رسما شعار مرگ بر آمریکا می‌دهد و می‌خواهد فراتر از این شعار عمل کند، ویزا دهد تا به‌صورت آزادانه به آمریکا سفر کند. فاکس‌نیوز در بخش دیگری از گزارش خود به این مورد اشاره کرده که چنین صحبت‌هایی از سوی دبیر در شرایطی مطرح می‌شود که او گرین‌کارت آمریکا را هم داشته است.

این گزارش نهایتا منجر به آن شد که آمریکا قید صدور روادید برای علیرضا دبیر را بزند. دبیر هم در واکنش به این رفتار از اعزام تیم ملی کشتی ایران به آمریکا سر باز زد و آن مسابقه لغو شد. حال اینکه مسئولان فدراسیون کاراته هم تصمیمی مشابه با فدراسیون کشتی ایران بگیرند یا نه، هنوز مشخص نیست. از طرفی این مورد که شاید بیکری مسئولان این فدراسیون هم نهایتا جواب داده و در روزهای آتی روادید شهرام هروی هم صادر شود، ممکن است.

این گزارش نهایتا منجر به آن شد که آمریکا قید صدور روادید برای علیرضا دبیر را بزند. دبیر هم در واکنش به این رفتار از اعزام تیم ملی کشتی ایران به آمریکا سر باز زد و آن مسابقه لغو شد. حال اینکه مسئولان فدراسیون کاراته هم تصمیمی مشابه با فدراسیون کشتی ایران بگیرند یا نه، هنوز مشخص نیست. از طرفی این مورد که شاید بیکری مسئولان این فدراسیون هم نهایتا جواب داده و در روزهای آتی روادید شهرام هروی هم صادر شود، ممکن است.

در تعداد برد و باخت برابر باشد. بهروز عطایی سرمربی تیم ملی والیبال ایران هم در جمع‌بندی از کار شاگردانش ابراز رضایت کرد و گفت: «رقابت بسیار خوبی بود و خدا را شاکرم که بازیکنان ایران توانستند تیم خوب کانادا را شکست دهند. والیبالیست‌های کانادا با سرعت بالایی بازی می‌کردند و عملکرد خوبی داشتند. ارتفاع توپ‌ها به‌شدت پایین و کنترل روی تور بسیار سخت بود. بازیکنان ایران خواسته‌های کادر فنی را خوب اجرا کرده و کار پاسور آنها را سخت کردند. باید بگویم که پاسور اول در ست سوم بیرون از زمین قرار گرفت و مربی از پاسور دومش استفاده کرد». عطایی در پایان گفت: «درمجموع بازیکنان بازی قابل قبولی داشتند و هفته دوم را با پیروزی به پایان رساندیم. امیدوارم در هفته سوم و مسیر سختی که در چهار بازی باقی‌مانده پیش‌روست، بازیکنان ایران بتوانند روند رو به رشد خود را ادامه دهند و بازی‌های قابل‌قبولی را به نمایش بگذاریم».



اخبار برگزیده

سعید صادقی به پرسپولیس پیوست

بهترین پاسور لیگ بیست‌ویکم که در رادار چند تیم لیگ برتری قرار گرفته بود، سرانجام با قراردادی دو ساله پرسپولیسی شد. به گزارش فوتبال ۳۶۰، نقل‌وانتقالات تابستانی فوتبال ایران پیش از آغاز بیست‌ودومین دوره لیگ برتر فوتبال ایران در شرایطی آغاز شد که نام یک بازیکن به‌عنوان شاخص‌ترین ستاره لیگ بیست‌ویکم بر سر زبان‌ها افتاده و مقاصد مختلفی برای آینده فوتبالی او گمانه‌زنی می‌شد. سعید صادقی که فصل درخشانی را در گل‌گهر گنرادند و توانست ۱۴ بار در نقش گل‌ساز در تیم امیر قلعه‌نویی بدرخشد و خود به‌تنهایی هفت گل هم زد تا تأثیرگذارترین بازیکن فصل لقب بگیرد، با توجه به اتمام قراردانش با تیم سیرجانی، در رادار چند تیم داخلی قرار گرفت. البته شنیده می‌شد چند تیم از حوزه خلیج فارس هم به دنبال جذب این ستاره ۲۸ ساله هستند. استقلال و پرسپولیس جدی‌ترین مشتریان سعید صادقی بودند و از سپاهان و فولاد به‌عنوان دیگر تیم‌های خواهان این بازیکن یاد می‌شد تا در نقل‌وانتقالات تابستانی همه نگاه‌ها جلب صادقی شود و هواداران فوتبال به دنبال آن بودند تا ببینند مقصد بعدی ستاره لیگ بیست‌ویکم کدام تیم است.

راند اول مذاکره با استقلال: توافقی که روی کاغذ نیامد

مدیران باشگاه استقلال که به دنبال انتخاب جانشین فرهاد مجیدی بودند، برای آنکه غافل از فضای نقل‌وانتقالاتی نمانند، سراغ جذب سعید صادقی رفته و مذاکرات یا او را موازی با مذاکره با گزینه‌های سرمربگری استقلال پیش برند. استقلال‌ی‌ها عقیده‌شان این بود که با توجه به درخشش صادقی، هر سرمربی‌ای که برای استقلال انتخاب شود، از این بازیکن استفاده خواهد کرد و عملکرد او مورد توجه سرمربی جدید قرار می‌گیرد و به همین علت، مذاکره با سعید صادقی هم‌زمان با مذاکره با گزینه‌های سرمربگری استقلال برای لیگ بیست‌ودوم بود. محمد مؤمنی و پرویز مظلومی از اعضای هیئت‌مدیره استقلال در روزهای گذشته، مذاکره مدیران این باشگاه با صادقی را تأیید و از تغییر مسیر ناگهانی او صحبت کردند. فرشید سمیعی، معاون حقوقی باشگاه استقلال هم که جزء تیم نقل‌وانتقالاتی آبی‌پوشان به شمار می‌رود، در واکنش به ناکامی آبی‌ها در جذب صادقی توضیح داد: «با صادقی قبل از اردوی تیم ملی مذاکره کردیم و مذاکرات موفقیت‌آمیز بود، اما ایشان به تیم ملی رفتند و برگشتند و نظرات آنها تغییر کرد. مدیر برنامه‌های ایشان به ما اعلام کردند که سعید صادقی علاقه‌مند به حضور در پرسپولیس است. ما اولین تیم به او پیشنهاد دادیم ولی فکر می‌کنم ایشان نظر دیگری داشتند».

ستاره لیگ بیست‌ویکم، بمب نقل‌وانتقالاتی پرسپولیس شد

یحیی گل‌محمدی نام سعید صادقی را در فهرست خود جای داده و از مدیران باشگاه پرسپولیس خواسته بود پیگیر مذاکره با این بازیکن شوند و او را برای حضور در پرسپولیس متقاعد کنند. گل‌محمدی حتی برای آنکه جایگاه صادقی در ترکیب اصلی سرخ‌پوشان تثبیت شده باشد، با جدایی احسان پهلوان موافقت کرد و قرار است از وحید امیری در پست دفاع چپ استفاده کند تا در پست وینگر، راست و چپ سرخ‌پوشان در اختیار مهدی ترابی و سعید صادقی قرار گیرد. سعید صادقی ابتدا مدیر برنامه‌های خود را پای میز مذاکره با سرخ‌پوشان فرستاد و بعد از توافق اولیه، خود در خارج از ساختمان باشگاه پرسپولیس جلسه‌ای را با مدیران باشگاه برگزار کرد و توافقات میان طرفین نهایی شد. باشگاه پرسپولیس اواخر هفته گذشته پیش‌پرداخت قرارداد صادقی را هم به حساب او واریز کرد تا همه‌چیز همای اعلام رسمی انتقال ستاره لیگ بیست‌ویکم به پرسپولیس شود. صادقی ظهر دیروز (شنبه) به ساختمان باشگاه پرسپولیس مراجعه کرد و بعد از جلسه‌ای حضور رضا درویش، مدیرعامل و محمد محمدی، معاون ورزشی باشگاه پرسپولیس، قرارداد خود را با سرخ‌پوشان به امضا رساند تا رسماً شاگرد یحیی گل‌محمدی در لیگ بیست‌ودوم شود.

مثلت خلایق‌ند در اختیار گل‌محمدی!

مهدی ترابی اولین ستاره پرسپولیس بود که بعد از اتمام لیگ بیست‌ویکم قراردادش را با سرخ‌پوشان تمدید کرد و سپس مدیران پرسپولیس موفق شدند فروش رفیعی را متقاعد به حضور در پرسپولیس کنند و در نهایت دیروز هم فرایند خرید سعید صادقی به پایان رسید تا سه ستاره بازی‌ساز و خلاق در خط میانی سرخ‌پوشان در فصل آینده حضور پیدا کنند. ترابی براساس آمار متریکا با ۲۰۶ پاس کلیدی در هر مسابقه در فصل گذشته رکورددار بود و جالب آنکه بعد از ستاره شماره ۹ پرسپولیس، فروش رفیعی با ۲۰۶ پاس کلیدی و سعید صادقی با ۲۰۴ پاس کلیدی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند که حالا هر سه بازیکن در اختیار یحیی گل‌محمدی هستند. گل‌محمدی از مدیران باشگاه درخواست جذب یک مهاجم خارجی را داشته تا در حضور احتمالی یک مهاجم تمام‌کنند، ترکیب پرسپولیس برای لیگ بیست‌ودوم تکمیل شود و به نظر می‌رسد رقابت جدایی میان سه مهاجم سرخ‌پوشان برای تصاحب عنوان آقای پاس‌گلی فصل آینده در جریان باشد؛ چراکه هر سه عنصر تهاجمی پرسپولیس برای فصل آینده، شم بازی‌سازی بالایی دارند.

دو بازیکن تأثیرگذار استقلال در آستانه جدایی

به گزارش مهر، درحالی‌که باشگاه استقلال هنوز هیچ بازیکن جدیدی را به خدمت نگرفته و با بازیکنان فصل گذشته‌اش که قراردادشان به اتمام رسیده هنوز به توافق نهایی نرسیده است، این احتمال وجود دارد که دو بازیکن تأثیرگذار فصل گذشته خود را هم به دلیل حضور در آن سوی مرزها از دست بدهد. مهدی مهدی‌پور بهترین پاسور استقلال در فصل گذشته و یکی از بازیکنان موفقی که به دلیل درخشش در این تیم و تاثیر فراوان در قهرمانی به تیم ملی هم دعوت شد، مورد توجه العربی قطر قرار دارد و احتمال اینکه این بازیکن ۲۸ ساله با پیشنهادی اغواکننده مهاجre شود وجود دارد. همچنین امیرحسین حسین‌زاده حاج‌پور جوانی که در اوایل سال حضورش در استقلال خوش درخشید و بدون احتیاط ضربات پنالتی اولین گلزن استقلال و دومین گلزن برتر لیگ شد و از او به عنوان یکی از پدیده‌های احتمالی جام جهانی یاد می‌شود نیز با پیشنهادی از لیگ بلژیک روبه‌رو شده است. با اینکه قرارداد این دو بازیکن تا پایان فصل ۱۴۰۱-۱۴۰۲ است، اما گفته می‌شود در قرارداد آنها بندهایی قرار دارد که می‌توانند در صورت داشتن پیشنهاد ترانسفر آن را فعال کرده و از این تیم جدا شوند. باید دید در آینده‌ای نزدیک سرنوشت این دو بازیکن ملی‌پوش و موفق چه خواهد شد و آیا فصل آینده هم با پیران استقلال با لیگ برتر حضور پیدا می‌کنند یا به جمع بازیکنان لژیونر می‌پیوندند.



نگاهی به چالش‌های کارگرها و کارفرما در ماجرای حق بیمه

حق بیمه، حق کارگر

منشی مطب باشد یا آتش‌نشان، پرستار، خبرنگار، روزنامه‌نگار، سرباید را ب نگهبان باید به تناسب کارکرد خود از طرف کارفرما بیمه شوند.

ضمانت اجرای ارسال‌نشدن لیست حق بیمه کارگران نزد سازمان تأمین اجتماعی وفق قانون، جریمه‌های سنگینی است که همراه با اصل حق بیمه باید به سازمان پرداخت شود. پس چه بهتر که در زمان مقرر و قانونی، کارگران بیمه شوند تا کارفرما از این عواقب در امان بماند و کارگران هم از مزایای قانونی پرداخت حق بیمه بهره‌مند شوند. واریز حق بیمه از سوی کارفرما برای کارگران مزایایی دارد که به تناسب سال‌های واریز حق بیمه مطابق قانون تأمین اجتماعی از آن بهره‌مند خواهند شد. برخی مزایای بیمه اجباری به این شرح است:

- مرخصی استعلاجی
- هدیه ازدواج
- هزینه کفن و دفن
- بیمه بی‌کاری
- ازکارافتادگی (جنتی و کلی)
- مرخصی زایمان (۹ ماه)
- مستوری بازنشستگی
- مستمری بازندگان
- بهره‌مندی از مزایای درمانی و دارویی برای بیمه‌شده و افراد تحت تکفل چند نکته مهم را باید خاطرنشان کنم:

اول اینکه واریز‌نکردن حق بیمه از موضوعات پرتکرار شکایت کارگران در اداره کار به شمار می‌رود و لازم است کارگران برای اثبات کارکرد خود در مراحل رسیدگی به دعوی، مدارکی دال بر کارکرد در کارگاه مدنظر را ارائه دهند. مدارکی مثل قرارداد کار، پرینت حساب بانکی مربوط به واریز حقوق یا فیش حقوقی می‌تواند برای صدور رأی مثبت، نتیجه‌بخش باشد.

دوم اینکه از آنجایی که واریز حق بیمه کارگران جزء مطالبات قانونی آنهاست،

از نگاه قانون

تکلیف قانونی پرداخت حق بیمه کارگر توسط کارفرما

کنند، اما سپس کارگر از توافقات قبلی پشیمان شود، می‌تواند از کارفرما شکایت کند. در صورت شکایت کارگر، تمام توافقات قبلی از اعتبار ساقط می‌شوند؛ زیرا قانون اجازه توافقی غیر از موارد قانونی را به کارگر و کارفرما نداده است. طبق ماده ۱۴۸ قانون کار: «کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون مکلف‌اند بر اساس قانون تأمین اجتماعی، نسبت به بیمه‌نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند». در کل ۳۰ درصد از حقوق کارگران تحت عنوان حق بیمه باید به اداره تأمین اجتماعی پرداخت شود که از این ۳۰ درصد، ۲۳ درصد بر عهده کارفرما بوده و هفت درصد باقی آن را خود کارگر می‌بایست پرداخت کند که این هفت درصد هم کارفرما از حقوق خود کارگر کسر کرده و همراه با ۲۳ درصد به اداره تأمین اجتماعی تحت عنوان حق

پس مشمول مرور زمان نمی‌شود؛ یعنی اگر کارگری مدرکی برای کارکرد خود داشته باشد و سال‌ها از کارکرد او در کارگاه مدنظر گذشته باشد، باز هم می‌تواند برای دریافت مطالبات قانونی خود اعم از حق بیمه در اداره کار طرح دعوی کند. حتی اگر کارگر فوت کرده باشد، این موضوع از سوی ورثه کارگر هم قابل پیگیری است.

سوم اینکه کارفرمایان لازم است بدانند درست است که واریز حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی مزایایی برای کارگر دارد؛ اما در نهایت وجه حق بیمه به حساب سازمان واریز می‌شود؛ بنابراین اگر از کارگر دستخط، امضا و اثر انگشت یا اقرارنامه رسمی با چنین مضامینی «تأمیلی به بیمه‌شدن ندارم یا رضایت دارم پول حق بیمه را نقدا دریافت کنم» گرفته شود، فاقد ارزش قانونی است و بلااثر تلقی می‌شود؛ چراکه حق بیمه جزء حقوق اشخاص ثالث است و کارگر نمی‌تواند به جای سازمان از آن گذشت کند یا وجه آن را دریافت کند. نکته مهم‌تر اینکه برخی کارفرمایان برای فرار از پرداخت‌نکردن حق بیمه یا به دلیل ناآگاهی از قوانین یا مشورت‌های حقوقی اشتباه، دست به ابتکارات حقوقی ویژه‌ای می‌زنند و تلاش می‌کنند با تنظیم برخی از قراردادها مثل قرارداد پیمانکاری، کارگران را از حق بیمه محروم کنند! حال اگر کارگرانی که طرف دوم این نوع از قراردادها هستند، از توافق خود پشیمان شوند و شکایتی در ادارات کار طرح کنند، هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف ادارات کار محتسوی این قراردادها را بررسی می‌کنند و در صورت احراز رابطه کارگری و کارفرمایی رأی به «الزام کارفرما بر پرداخت حق بیمه کارگر» صادر می‌کنند. پس صرف تعیین عنوان «قرارداد پیمانکاری» کارفرما را از پرداخت حق بیمه معاف نمی‌کند. باید اضافه کنیم که میزان حق بیمه قابل پرداخت به سازمان، ۳۰ درصد دستمزد کارگر است که ۲۳ درصد آن سهم کارفرماست. هفت درصد دیگر آن، سهم کارگر است که از سوی کارفرما از حقوق او کسر می‌شود و مطابق ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی به این سازمان پرداخت می‌شود. جریمه کارفرمایان در سازمان معمولاً به دو صورت به وجود می‌آید: ۱- جریمه ارسال‌نکردن لیست حق بیمه پرسنل و واریز ۲- جریمه تأخیر در ارسال لیست بیمه پرسنل. مهلت قانونی برای تحویل لیست و پرداخت حق بیمه هر ماه حداکثر تا پایان آخرین روز ماه بعد است. همچنین برای کارفرمایان کارگاه‌های مشمول معافیت سهم کارفرما تا میزان پنج نفر، این مهلت تا آخرین روز دو ماه بعد خواهد بود. کارگران با مراجعه به سامانه الکترونیکی سازمان تأمین اجتماعی و نام‌نویسی در آن، می‌توانند به صورت برخط همه سوابق بیمه‌ای خود را بر روی سایت مشاهده کنند و در صورت وجود مغایرت از طریق قانونی آن را پیگیری کنند.

نکته دیگری که گفتن آن خالی از لطف نیست، این است که به‌تازگی به دلیل افزایش نرخ مهاجرت و نیاز به داشتن سابقه کاری و بیمه‌ای برخی کارگران و کارفرمایان با تبانی و هماهنگی یکدیگر به اداره کار مراجعه می‌کنند و ادعای سابقه می‌کنند. این دسته افراد باید بدانند حتی بر فرض صدور رأی از اداره کار درخصوص واریز حق بیمه، سازمان تأمین اجتماعی برای اجرای این آرا کمیته‌ای دارد به نام «کمیته احراز سابقه» و در این مرحله صحت اسناد دال بر کارکرد که از سوی طرفین دعوی (کارگر و کارفرما) ارائه شده، بررسی می‌شود و در صورت ساختگی بودن مدارک و جعلی بودن آنها، افراد متخلف مطابق ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی «هرکس به اسناد اسناد و گواهی‌های خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسایل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده کند یا موجب استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مذکور فراهم کند، به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به سازمان تأمین خدمات درمانی یا این سازمان و در صورت تکرار به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد» مجازات خواهند شد. این یادداشت را با اشاره به بیمه کارگران ساختمانی به پایان می‌برم؛ چراکه به‌تازگی اخبار ناگواری درخصوص حوادث ناشی از کار مربوط به این عزیزان می‌شنویم. در این زمینه باید بگویم مصوبه مجلس شورای اسلامی با عنوان «قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» در سال ۸۶ (و پیش‌تر از آن در سال ۵۲) حکایت از این دارد که همه این افراد نیز مانند سایر اقشار زحمتکش جامعه باید نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه شوند، حتی اگر کار آنها از شمول قانون کار خارج باشد و در این قانون برای کارفرما و پیمانکار ساختمان، بسته به شرایطی که در قانون مذکور قید شده، جرائم و مجازات‌هایی نیز پیش‌بینی شده است.

آرای کارگری

در صورت تأخیر یا عدم پرداخت حق بیمه توسط کارفرما

عدم تعهد کارفرما رافع مسئولیت تأمین اجتماعی نیست



فرشاد اسماعیلی
مشاور حقوق کار

اصول «حمایتی‌بودن» و «آمره‌بودن» دو ویژگی اصلی حقوق کار و تأمین اجتماعی هستند. تبلور این دو اصل را در رأی وحدت‌رویه شماره ۱۰۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری می‌توان دید. طبق ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون کار مکلف‌اند بر اساس مقررات قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه‌نمودن کارگران واحد کارگاهی خود اقدام نمایند و به موجب ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه‌شده به سازمان است. در اجرای ماده ۱۸۳ قانون کار و مواد ۳۹، ۴۰، ۴۷ و ۴۸ قانون تأمین اجتماعی باید با رعایت مقررات مربوط به تکلیف قانونی خود درخصوص احتساب حق بیمه پرداخت‌نشده شاکی اقدام کند. اما عدم پرداخت حق بیمه کارگر توسط کارفرما رافع مسئولیت و تعهدات سازمان تأمین اجتماعی نیست و اشخاصی که مشمول قانون تأمین اجتماعی هستند، اعم از آنکه قبلاً سابقه حق بیمه داشته باشند یا اصلاً سابقه‌ای نداشته‌اند، سازمان تأمین اجتماعی به حکم بند (الف) ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی مکلف است این کارگران را که به هر عنوان در مقابل دریافت مزایای حقوق کار کرده‌اند و به تشخیص مراجع صالح کارگر شناخته می‌شوند، تحت پوشش این قانون قرار دهد و به تکلیف قانونی خود عمل کند.

تاریخ: ۱۳۸۶/۱/۲۵

شماره دادنامه: ۱۰۱۱

مرجع صدور: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

کلاسه پرونده: ۴۴۸/۸۶

طبق ماده ۱۴۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون مکلف‌اند بر اساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه‌نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند و به موجب ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه‌شده به سازمان می‌باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه‌شده را کسر نموده و سهم خود را بر آن افزوده، به سازمان تأمین اجتماعی برای اجرای این آرا کمیته‌ای دارد به نام «کمیته احراز سابقه» و در این مرحله صحت اسناد دال بر کارکرد که از سوی طرفین دعوی (کارگر و کارفرما) ارائه شده، بررسی می‌شود و در صورت ساختگی بودن مدارک و جعلی بودن آنها، افراد متخلف مطابق ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی «هرکس به اسناد اسناد و گواهی‌های خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسایل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده کند یا موجب استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مذکور فراهم کند، به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به سازمان تأمین خدمات درمانی یا این سازمان و در صورت تکرار به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد» مجازات خواهند شد. این یادداشت را با اشاره به بیمه کارگران ساختمانی به پایان می‌برم؛ چراکه به‌تازگی اخبار ناگواری درخصوص حوادث ناشی از کار مربوط به این عزیزان می‌شنویم. در این زمینه باید بگویم مصوبه مجلس شورای اسلامی با عنوان «قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» در سال ۸۶ (و پیش‌تر از آن در سال ۵۲) حکایت از این دارد که همه این افراد نیز مانند سایر اقشار زحمتکش جامعه باید نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه شوند، حتی اگر کار آنها از شمول قانون کار خارج باشد و در این قانون برای کارفرما و پیمانکار ساختمان، بسته به شرایطی که در قانون مذکور قید شده، جرائم و مجازات‌هایی نیز پیش‌بینی شده است.

مقررات تأمین اجتماعی تعمیم و گسترش بیمه‌های اجتماعی و تعهدات و مسئولیت‌های آن سازمان در قبال افراد مشمول بیمه است. بنابراین اگر کارگری مدعی شود که ذیل قانون کار در کارگاه کارفرما کار می‌کرده و مشمول حق بیمه اجباری بوده اما کارفرمایش حق بیمه او را پرداخت نکرده، می‌تواند به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه و این موضوع را اعلام کند. سازمان باید با بررسی اسناد و مدارک کارگر مدعی، موضوع را بررسی کند و در صورت تأیید سابقه، حق بیمه کارگر را احراز کند. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا عدم پرداخت حق بیمه بی‌کاری موجب سلب مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی در ارائه مزایای بیمه بی‌کاری خواهد شد؟ در پاسخ به این سؤال نیز باید گفت هرچند بیمه بی‌کاری به‌عنوان یکی از حمایت‌های سازمان در قانون تأمین اجتماعی ذکر نشده است، اما به استناد ماده ۳ قانون بیمه بی‌کاری، بیمه بی‌کاری یکی از حمایت‌های تأمین اجتماعی است. بنابراین سازمان باید از پرداخت حق بیمه بی‌کاری امتناع کند یا در پرداخت آن تأخیر کند. این امر باعث رفع مسئولیت و تعهدات سازمان نخواهد شد و این مورد هم مشمول ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی می‌شود. سازمان مکلف است در صورت احراز شرایط در قانون بیمه بی‌کاری نسبت به پرداخت بیمه بی‌کاری اقدام کند. رأی وحدت‌رویه اشاره‌شده نیز به کمک این پاسخ می‌آید و بنا بر ملاک‌گیری از رأی ۱۰۱۱ هیئت عمومی دیوان و ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی مشاهده می‌کنیم که دو اصل حمایتی بودن و آمره‌بودن قوانین کار و تأمین اجتماعی ایجاب می‌کند که علی‌رغم عدم ایفای تعهدات کارفرما در پرداخت حق بیمه بی‌کاری، مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی در قبال بیمه‌شده‌گانش به دلیل غیرقابل‌توافق بودن قانون و هدف حمایتی اش از کارگر، همچنان بارجا بماند.

♦ جدول ۴۲۵۵ ♦ طرح: بیژن کورانی

افقی:

۱- کیسه‌کش حمام- پیروز و موفق- آزرده ۲- نوزاد حشره- از اعمال حج- آزادیخواه ۳- فیلمی درام به کارگردانی توماس آندرسون با بازی دنیل دی لویس ۴- یک حرف و سه حرف- پست و فرومایه- طراحی اولیه ۵- طاقچه بالا- ریشه در آداب و رسوم قدیم دارد- نام پدر ابراهیم نبی(ع)- مذکر ۶- پرستاری از مریض- قهرمان ملی آفریقای جنوبی ۷- ضربیه‌ای در بوکس- دادباخته کیفری- شهری در هلند ۸- باعث و موجب- رژ لب- پسر کاوه آهنگر ۹- اسمی دخترانه- نوعی بلوز زنانه- سارق ۱۰- دستگاه اعلام خطر سرت- میل به غذا ۱۱- مرحله خواب عمیق- مهرزم گاندی- تکیه‌کردن- خسیس پس نمی‌دهد ۱۲- چهار نت موسیقی پشت سر هم را گویند- تخم ماهی- بیماری سیزی و آب آلوده ۱۳- بزرگ‌ترین خواننده موسیقی قوالی اهل پاکستان ۱۴- شاعر ترازوی ایتالیا- نوعی تسهیلات بانکی- نگاه‌کردن ۱۵- خون‌بها- ترد و ظرفی- قسمتی از گوش

عمودی:

۱- گلهمند و ناراحت- حریف جنگی- نام هم‌وطن آذربایجانی ۲- عشق بیگانه- چشم الکتریکی- قطعه شعری معروف از نیاپوشیچ ۳- مفصل لولایی دست- پیوسته، پیاپی- نیمه ۴- سبک هنری که معادل فارسی آن حجم‌گرایی است- موضوعی را دوباره بررسی و مطالعه‌کردن ۵- دارای اسم مشترک- دارای خرابی مختصر- مزه لولاشک ۶- نوعی پارچه لطیف- رجم‌کردن- هنر ترسیم نقش ۷- کتاب ارزنده شیخ صدوق در حدیث- موشک زمین به زمین ۸- خط ابداعی

۷	۶	۸	۵	۱	۲	۳	۹	۴
۴	۳	۱	۹	۷	۶	۱	۵	۸
۵	۱	۹	۳	۸	۶	۴	۷	۲
۳	۹	۱	۶	۲	۸	۷	۴	۵
۲	۴	۷	۱	۵	۹	۶	۸	۳
۸	۵	۶	۴	۳	۷	۹	۱	۲
۶	۷	۴	۲	۹	۵	۸	۳	۱
۱	۸	۳	۷	۱	۵	۴	۲	۶
۹	۵	۸	۶	۳	۷	۴	۲	۱

۵	۸	۱	۲	۶	۷	۹	۳	۴
۷	۶	۹	۱	۵	۴	۱	۳	۸
۳	۴	۷	۱	۹	۸	۷	۵	۶
۱	۶	۵	۳	۹	۸	۲	۷	۴
۲	۷	۸	۶	۴	۱	۳	۹	۵
۹	۵	۳	۷	۸	۲	۴	۶	۱
۱	۲	۴	۷	۵	۶	۸	۳	۱
۸	۳	۷	۴	۶	۵	۱	۹	۲
۶	۹	۵	۸	۱	۳	۲	۷	۴

♦ حل جدول ۴۲۵۴ ♦

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ت	و	ک	ا	ر	ت	ن	ک	و	س	ک	ا	و	ک
۲	ز	ر	و	ک	و	ش	ب	و	ف	ر	م	ا	ن	ت
۳	م	ق	ا	ر	ن	ب	ر	و	ن	س	ا	ک	ت	ا
۴	ی	ج	س	ا	ب	ی	ا	ر	ن	ا	ل	ق	ی	ق
۵	ل	ی	ش	ا	خ	ی	و	خ	ی	م	ا	ل	ق	ی
۶	ب	ل	ی	ت	ط	ر	س	ج	ج	ب	ل	ق	ی	ق
۷	ب	ن	ا	ر	ک	ی	ل	ت	ا	ر	ی	خ	ی	ق
۸	ا	ی	م	ا	س	ی	ا	س	ی	ا	ل	ا	ر	و
۹	ز	ا	ب	ل	ی	ا	ل	م	ا	ن	ی	ا	ر	و
۱۰	ا	ر	ت	م	س	ل	ن	ف	ت	ا	و	ب	ل	ق
۱۱	ز	م	ا	ر	و	ک	و	ش	ب	و	ف	ر	م	ا
۱۲	ک	د	س	م	ت	د	ا	ی	ا	ت	م	ا	ر	و
۱۳	ر	و	ی	و	ی	و	ی	ن	م	ا	ی	ش	ی	ق
۱۴	م	ر	ک	د	ر	پ	ا	ی	ی	ز	ج	ن	ب	ل
۱۵	ی	ا	ک	د	ن	د	ا	و	ر	د	س	ک	ا	و

♦ سودوکو سخت ۳۲۵۱ ♦

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

♦ سودوکو ساده ۳۲۵۱ ♦

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۸			۹			۵		۶
	۲		۶		۳			
		۱		۹		۷		۳
		۲						۵
			۸	۴			۱	
					۶			
	۹		۷		۳	۶		
			۴		۹	۵		
	۶			۱			۵	

		۸		۹				
	۲		۷	۳		۴		
		۸						
	۶		۹	۷		۳		۴
			۱	۲	۶		۷	
							۸	
			۹		۸			۷
			۵					

روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها: پرویز پیران

کوزه‌های پر از خون



خوبی سال‌های دور رفته بودیم همدان و از آنجا می‌خواستیم برویم لاله‌جین تا گزارشی از سفالگری این شهرستان برای مجله «کیهان بچه‌ها» تهیه کنم. الان آن قدر از آن سال‌ها می‌گذرد که هیچ نقطه درخشانی از آنجا در ذهنم نمانده است جز کوزه‌های گلی و ظرف‌های سفالی لاجوردی. بیان آن خاطرات هم ارزشی ندارد، آنچه در این دوره و زمانه بی‌ارزش و بی‌قدر شده، گذشته است؛ چراکه آن قدر رود حال گذشته می‌شود که دیگر مجالی برای اندیشیدن به گذشته باقی نمی‌ماند. نمی‌دانم ایده جامعه لحظه‌ای ایران که ابداع دکتر پرویز پیران است تا چه میزان به این حرف من ربط دارد. «جامعه لحظه‌ای» گذشته ندارد، اگر هم دارد انکار در توان لحظات از دست می‌رود. بگذریم. پرویز پیران گفت اگر قرار باشد مکانی را به یاد بیاورم، آن مکان میدان بزرگ همدان است. همین مرا راهی سفر کرد. آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت و ما بدون جام می‌رهسبار همدان شدیم. البته نه به دیدن بار و دیار، بلکه در پی تصویری از گذشته که دیگر گذشته است. پیش از آنکه به میدان بروم، رفتم کوچه ذوالراستین. این کوچه که اندکی با میدان امام خمینی فاصله دارد، محل تولد پرویز پیران است؛ خانه آنها هم در همین کوچه بوده و نام کوچه به نام جد بزرگوار ایشان است. طرفه آنکه خیابان ذوالراستین دو شاخه می‌شود؛ یکی ذوالراستین ۱ و دیگری هم معلوم است، می‌شود ۲. پشت دیوار یکی از خانه‌ها با خطی کج و معوج شعری نوشته شده است که از زبان عاشقی شبگرد جان‌به‌لب‌رسیده حکایت می‌کند: «فگتم که عاشقت شده‌ام دورتر شدی، ای کاش لال بومد و حرفی نمی‌زد». هر دو کوچه ذوالراستین پر از دارودرخت است و انشعاب‌هایی از آن به خیابان دکتر شریعتی می‌رسد. یاد احسان شریعتی می‌افتم که یک بار با او قرار گفتم وگویی گذشته‌اش بودیم، او را در میدان تجریش دیدم. جمعه صبح بود و هرجا می‌رفتم، یا باز نبود یا جا نداشتند. گفتم: «احسان خیابان به این بزرگی به نام پدر شماسنت اما دریغ از یک صندلی که به ما بدهند تا ما روی آن بنشینیم و گت‌وگو کنیم». بگذریم. این‌هم شاید جلوه‌ای دیگر از جامعه لحظه‌ای است که با پسر شریعتی در خیابان شریعتی قدم زنی و دریغ از یک سلام آشنا. ویرم گرفته بود تا از کسی بیرسم که شعر روی دیوار را چه کسی نوشته است. از صوبت بنگاه مسکن سؤال کردم: «آقا ببخشید به نظرتان این شعر را چه کسی روی دیوار نوشته است؟» حاج‌وواج با نگاهی عاقل اندر سفیه نگاهم کرد و گفت: «آه...». گفتم: «آن یعنی کی؟» جوانی را نشان داد که یک سبوت فلزی به گردنش انداخته بود و شیرین‌مقل می‌زد. نمی‌دانستم راست می‌گفت یا دروغ یا به قول معروف مرا حواله داده بود به برداشت خودش از عقل من. من هم برای اینکه کم نیاورم رفتم جلو و به جوان که آب دهانش از گوشه لبش کش آمده بود، گفتم: «این شعر را تو نوشی روی دیوار؟» هم سوت زد و هم سرش را تکان داد، یعنی بله. مطمئن بودم دروغ می‌گوید. ولی چون نگاه صاحب بنگاه مسکن روی من سنگینی می‌کرد، گفتم: «اگر راست می‌گویی آن را بخوان». آن را نخواند، سوتی را که بر گردن داشت توی دهن گذاشت و شعر را با سبوت‌زدن خواند. اجرای دقیقی از یک سمفونی عاشقانه بود. دیگر آرام نمی‌گرفت و انگار که از کار خودش لذت می‌برد، آن را همی بی‌دلیل ادامه می‌داد تا اینکه صدای همه درآم و یکی از مغازه‌دارها با لهجه همدانی گفت: «ساکات شو، وگرنه می‌آیم خفاهت می‌کنم!». تا کار دست جوانک نداده بودم باید می‌رفتم میدان. جمعیت دور میدان و خیابان‌های اطراف آن، باورنکردنی بود. همه در حال رفت‌وآمد بودند. میدان در احاطه شش ساختمان آجری بزرگ قرار دارد و آن قدر بزرگ است که آدم‌ها همچون مورچه به نظر می‌رسند. مورچه‌هایی که از خیابان اکباتان به میدان می‌آیند و از آنجا به خیابان باباطاهر می‌روند. عده‌ای از خیابان شریعتی به میدان می‌آیند و از آنجا به خیابان ابن‌سینا می‌روند و از ابن‌سینا بیرون می‌آیند و به خیابان شیر سنگی می‌روند. همه در جنب‌وجوش اند. در میان میدان می‌ایستم و مبهوت آدم‌وش مورچه‌وار آدم‌ها می‌شوم. حالا می‌فهمم چرا پرویز پیران سخنی درباره «جمعیت‌خوار» گفته است. خودش گفت: «جمعیت و جماعت برایش مهم است. یک نفر توی میدان داشت به طرف من می‌آمد. با خودش حرف می‌زد. فکر کردم دارد چیزی به من می‌گوید. گفتم: «با من هستی؟» نگاهم کرد و به‌تزده گذاشت و رفت. حالا که من دنبال کسی می‌گشتم تا با او گفت‌وگو کنم، چرا با او گفت‌وگو نکنم که آن قدر شیفته سخن‌گفتن است که داند با خودش حرف می‌زند. دنبالش دویدم و گفتم: «آقا ببخشید چند تا سؤال دارم؛ «به‌ت‌زده نگاهم کرد و گفت: «عجله دارم، منبر منتظرم است». راه افتاد برود، گفتم: «اشکال ندارد با هم برویم من توی راه سؤالم را می‌پرسم». نه گفت آره و نه گفت نه. این یعنی خودت می‌دانی. من هم دنبالش راه افتادم. گفتم: «کجا قرار دارید؟» گفت: «پل یخچال». گفتم: «پل یخچال توی خیابان ابن‌سینا است. پس چرا از این طرف می‌روی؟». بدون مکت برگشت و رفت به طرف خیابان ابن‌سینا. توی راه با خودش گفت: «غلط می‌کند، خودش را می‌خورد. دست و پاهايش را کج می‌گیرم».

حرف‌های نامفهوم می‌زد، بعد می‌ایستاد و انکار که چیزی به ذهنش رسیده است در فکر فرومی‌رفت، یک‌دفعه می‌خندید و بی‌اعتنا به راه می‌افتاد. گفت: «سگ می‌خورد توله‌خر پدرسگ!» بعد گفت: «ببخشید منبر جان!» آن قدر تند راه می‌رفت که ناچار دنبالش دویدم. گفتم: «اینجا پل یخچال است. پس کو منبر؟». اطراف را نگاه کرد و گفت: «رفته خیابان شهدا». دوباره راه افتاد. من هم دنبالش دویدم. گفتم: «تو از قدیمی‌های اینجا هستی؟». ایستاد و روپرو نگاهم کرد. انکار تازه متوجه حضور من شده بود. گفتم: «دایی قاسم را می‌شناسی؟». انکار او را برقی گرفته باشد، شروع کرد به دودیدن. گفتم: «کجا صبر کن». گفت: «پدر توله برو بی‌کارت...». گفتم: «صبر کن!» همه داشتند نگاهمان می‌کردند. پیرمرد خنزرینزری و من، وسط میدان توجه همه را به خود جلب کرده بودیم. گفتم: «حالا کجا می‌روی؟» گفت: «باید بروم سر کوچه کاه‌فروش‌ها!» گفتم: «آن طرف است» و با دست کوچه کاه‌فروش‌ها را توی خیابان شهدا نشانش دادم. گفتم: «دایی قاسم را می‌شناسی؟». باز قدم‌هایش را تندتر کرد و گفت: «اعدامش می‌کنند. فردا توی همین میدان اعدامش می‌کنند». رفت طرف خیابان شهدا. گفتم: «منبر می‌آید آنجا؟» گفت: «منبر؟». بعد راه افتاد. انکار کسی را به این نام نمی‌شناخت. نفس‌نفس می‌زد، باید قیدش را می‌زد. از او چیزی درمی‌آمد. ایستادم و گذاشتم به امان خدا برود پی کارش. برگشت و نگاهم کرد. دید که نمی‌آیم، آمد طرفم و گفت: «پس چرا نمی‌آیی، خسته شدی؟». گفتم: «نه فایده‌ای ندارد، برو بی‌کارت». دوباره از او پرسیدم: «شغلت چه؟» گفت: «سفالگری داشتم». گفتم: «الان نداری؟»، گفت: «نه، همه کوزه‌ها پر خون بود». گفتم: «خون؟!». گفت: «آره، شب‌ها جن‌ها می‌آمدند و می‌رفتند کوزه‌ها را پر خون می‌کردند. یک روز زدم همه کوزه‌ها را شکستم و فرار کردم. دکان پر خون شد». گفتم: «چرا فرار کردی؟ مگر دکان مال خودت نبود؟». گفت: «کدام نمی‌آیی، خسته شدی؟». گفتم: «خودت گفتی!». گفت: «من؟ من که چیزی نگفتم!». یاد حرف‌های زوربا در کتاب «زوربای یونانی» می‌افتم که می‌گفت: «یک‌وقت هم کوزه‌گر بودم. من این کار را دیوانه‌وار دوست داشتم. هیچ می‌دانی که آدم یک مشت کل بردارد و از آن هرچه دلش بخواهد درست کند یعنی چه؟ فرورررر! چرخ را می‌گردانی و کل هم مثل دیوانه‌ها با آن می‌چرخد، ضمن اینکه تو بالای سرش ایستاده‌ای و می‌گویی: الان کوزه می‌سازم، الان بشقاب درست می‌کنم، الان چراغ می‌سازم و خلاصه هرچه دلم بخواهد می‌سازم. به این می‌گویند مرد بودن، یعنی آزادی!». گفتم: «دایی قاسم را از کجا می‌شناسی؟». گفت: «فردا اعدامش می‌کنند!». گفتم: «از کجا می‌دانی؟». گفت: «می‌دانم. توی همین میدان!». گفتم: «تو هم می‌آیی؟». گفت: «ننه‌ام گفته مرا می‌آورد». می‌دود طرف کوچه کاه‌فروش‌ها. هوا خنک‌تر شده است. جمعیت زیاد و زیادتر می‌شود. باید دست از این دیوانه‌بازی بردارم. راهم را می‌گیرم و می‌روم میانه میدان. آنجا مردی نشسته است، با چشمانی نافذ و موها و ابروها و سیل‌های سفید؛ سیل‌هایی که لب زیریش را پوشانده است. پرسیدم: «حاجی، شما از قدیمی‌های اینجا هستی؟». گفت: «بله». بلند شد و تعارف کرد کارش بنشینم. گفتم: «همیشه می‌آیی این میدان؟» گفت: «اگر یک روز نیایم این میدان، از تنهایی خفه می‌شوم و می‌میرم». گفتم: «چرا؟». گفت: «آدم‌ها، آدم‌ها، اینجا پر از آدم است. آدم از تنهایی درمی‌آید!». گفتم: «می‌شود این میدان یک زمان‌هایی خلوت باشد؟». گفت: «نه همیشه پر از آدم است». گفتم: «قدیم‌های این میدان یادت می‌آید؟». گفت: «بله». گفتم: «قدیم‌ها یک بار توی این میدان یک نفر را اعدام کرده‌اند، درست است؟» گفت: «دو بار. قدیم‌ها دایی قاسم را اعدام کردند. خیلی قدیم‌ها، من کوچک بودم. یک‌بار هم سارقان بانک کشاورزی را اینجا اعدام کردند». گفتم: «دایی قاسم چه‌کاره بود؟». گفت: «به نظرم از کنده‌لات‌های محله جولان بود. انکار قاچاقچی هم بود. اما هرچه بود دست آدم‌های ضعیف را هم می‌گرفت. آن اعدامی را که شما دنبالش می‌گردی، همین اعدام دایی قاسم است». من به او نگفتم بودم دنبال چی می‌گردم اما او درست حدس زده بود. دکتر پرویز پیران گفت: «پنج یا شش‌ساله بودم، شاید سال ۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵. یک نفر را می‌خواستند توی میدان بزرگ همدان اعدام کنند. میدان پهلوی سابق، پر از آدم بود. انکار همه همدان جمع شده بودند آنجا تا صحنه اعدام را ببینند. طناب را که کشیدند بالا، یک نفر بالای جمعیت تکان‌تکان می‌خورد. مردم هلهله می‌کردند و ده‌شاهی می‌پاشیدند به هوا و وقتی ده‌شاهی‌ها می‌رسید روی زمین، گداه‌ها هجوم می‌بردند طرف پول‌ها. جمعیت سیاهی می‌زد. از همان‌جا بود که انکار جمعیت‌خوار شدم. جمعیت‌خوار، همان چیزی است که لوئیس مافورد درباره آن سخن گفته است. جاهای پرجمعیت را دوست دارم. مکان‌هایی مثل لاله‌زار، مکان‌های مذهبی شلوغ که آدم‌ها در آنجا موج می‌زنند». این گفته‌های پرویز پیران مرا شگفت‌زده کرده بود اما وقتی رفتم و کوچه ذوالراستین را دیدم، شگفتی‌ام برطرف شد؛ چراکه پیران از همان کودکی در میان جمعیت بالیده است. جمعیت، بخشی از زندگی و ناخودآگاه اوست. شاید عشق او به جامعه‌شناسی نیز از همین‌جا نشئت می‌گیرد. کارم توی میدان تمام شده بود. تصمیم گرفتم به بازار سنتی سری بزنم و از آنجا به هتل برگردم که در همین لحظه، سروکله همان مردی که با خودش حرف می‌زد پیدا

شد و صدایم زد: «می‌خواهم چند تا سؤال از شما بپرسم!». گفتم: «پیرس!». گفت: «از قدیمی‌های همدان هستی؟»، گفتم: «نه من از تهران آمده‌ام». گفت: «از تهران آمده‌ای چه‌کار؟». گفتم: «آمده‌ام این میدان را ببینم!». گفت: «دایی قاسم را می‌شناسی؟». گفتم: «اسمش را شنیده‌ام». گفت: «حالا کجا می‌روی؟». گفتم: «می‌خواهم بروم سر گذر، پایین کوچه کاه‌فروش‌ها». گفت: «برای چی؟ من هم با تو بیایم و سؤال کنم؟». ترس برم داشته بود. حرف‌های خودم را به خودم می‌گفت. قدم‌هایم را تند کردم. گفت: «آنجا که خیابان شهدا نیست. آنجا خیابان اکباتان است». راست می‌گفت. برگشتم. رفتم طرف خیابان شهدا و به سمت سر گذر، دنبالم دوید و گفت: «آرام برو، من هم به تو برسم!». بعد ادامه داد: «شغلت چه؟» دیگر جوابش را ندادم. هرچه را که از او پرسیده‌بودم، انکار ضبط کرده بود و باز از من می‌پرسید. قدم‌هایم را تند کردم تا او را توی جمعیت کم کنم. گفت: «نمی‌توانی مرا



کم کنی، سوزن توی کاه را هم پیدا می‌کنم!» پیچیدم توی خیابان شریعتی. زیاد زد: «هوی کجا می‌روی؟» جمعیت ایستاده بود و ما را می‌نگریست. پشیمانانه فریاد زد: «فریاد زد، توتو توی کوزه‌های من خون ریخته‌ای. فکر می‌کنی نشناختم؟» مردم پاهایش را نگاه کنید، خودش است. جن است». زن‌ها نگاهم می‌کردند، بچه‌ها از ترس کنار می‌رفتند. گفت: «یک ساعت است دنبال من است. می‌خواست گولم بزند. این همان است که کوزه‌های مرا پر خون می‌کرد». خودم را انداختم توی جمعیت. دیگر به‌سختی مرا می‌دید. از لاله‌لای جمعیت او را دیدم که داشت کردن می‌کشید و دنبالم می‌گشت. دست کرده بود توی جیب شلوارش. خیال کردم دنبال چاقویی می‌گردد. باید خودم را از شرش خلاص می‌کردم و به ماشین می‌رساندم. برای اولین بار بود که احساس کردم در میان جمعیت بیش از هرجای دیگر آرامش دارم.

کوتاه نجیب محفوظ است انتخاب شده‌اند. در این پایان‌نامه که به شکل کتاب هم منتشر شده، داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ در ۱۰ فصل زیر عناوین فقر، زن، آزادی و عدالت اجتماعی، مرگ، علم و دین، شکست و عجز، بیان و بافت، گفت‌وگو و زبان، مکان و زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. من فصل ششم را انتخاب کردم که به شکست و عجز و نمونه‌های آن در جامعه و به‌خصوص عوارضی که شکست ۱۹۶۷ بر جامعه اعراب گذاشته مربوط است. به‌این‌ترتیب در خواب ده قصه از چهار مجموعه‌قصه نجیب محفوظ که به شکست و عجز مربوط‌اند آمده است. در مجموعه داستان جنایت نیز لغلب داستان‌های رئالیستی با داستان‌های دیگری را که به نظرم مهم بودند، انتخاب و ترجمه کردم. سال‌ها، از ترجمه این دو مجموعه می‌گذرد و طبیعتاً در طول این سال‌ها دید تازه‌تر و کامل‌تری هم نسبت به داستان کوتاه پیدا کرده‌ام و هم به‌طورخاص نسبت به نجیب محفوظ چراکه پس از این دو کتاب آثار دیگری نیز از او ترجمه کردم؛ بنابراین براساس این دید تازه ۱۵ داستان کوتاه دیگر انتخاب و ترجمه کردم که در خاکستر آمده‌اند.

داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ زمینه رئالیستی دارند و داستان‌های مجموعه «خاکستر» نیز از جمله داستان‌های رئالیستی نجیب محفوظ هستند که البته شیوه خاص خود را در رئالیسم و پرداخت واقعیت دارد. چنان‌که مترجم «خاکستری» معتقد است محفوظ همچون یک عکاس واقعیت را از دید خودش ثبت می‌کند و همان‌طورکه هر عکاسی از دید خود عکس می‌گیرد، هر نویسنده‌ای

جهان سوم و از جمله ایران به‌روشنی در آنها دیده می‌شود. در بخشی از رمان می‌خوانیم: «نیمه‌شب بیدار شد؛ مثل همیشه که در این هنگام از شب برمی‌خاست اما نه از ساعت شماطه‌دار کمک می‌گرفت و نه از چیز دیگری، بلکه تنها دل به ندای رغبتی داشت که در دروش می‌جوشید و با دقت و امانت پایبندش بود. لحظه‌هایی را بین خواب و بیداری در تردید ماند. رؤیاها و نجواهای احساس درهم‌آمیختند و به او روی آوردند و پیش از اینکه پلک بشکاید، نگران شد که مبادا خواب فریش دهد. سرش را تکان داد، تکانی اندک و در تاریکی قیروگون اتاق چشم گشود. هیچ نشانه‌ای نبود که وقت را از آن دریابد. خیابان زیر پایش تا گاه پگاه خواب نداشت...».

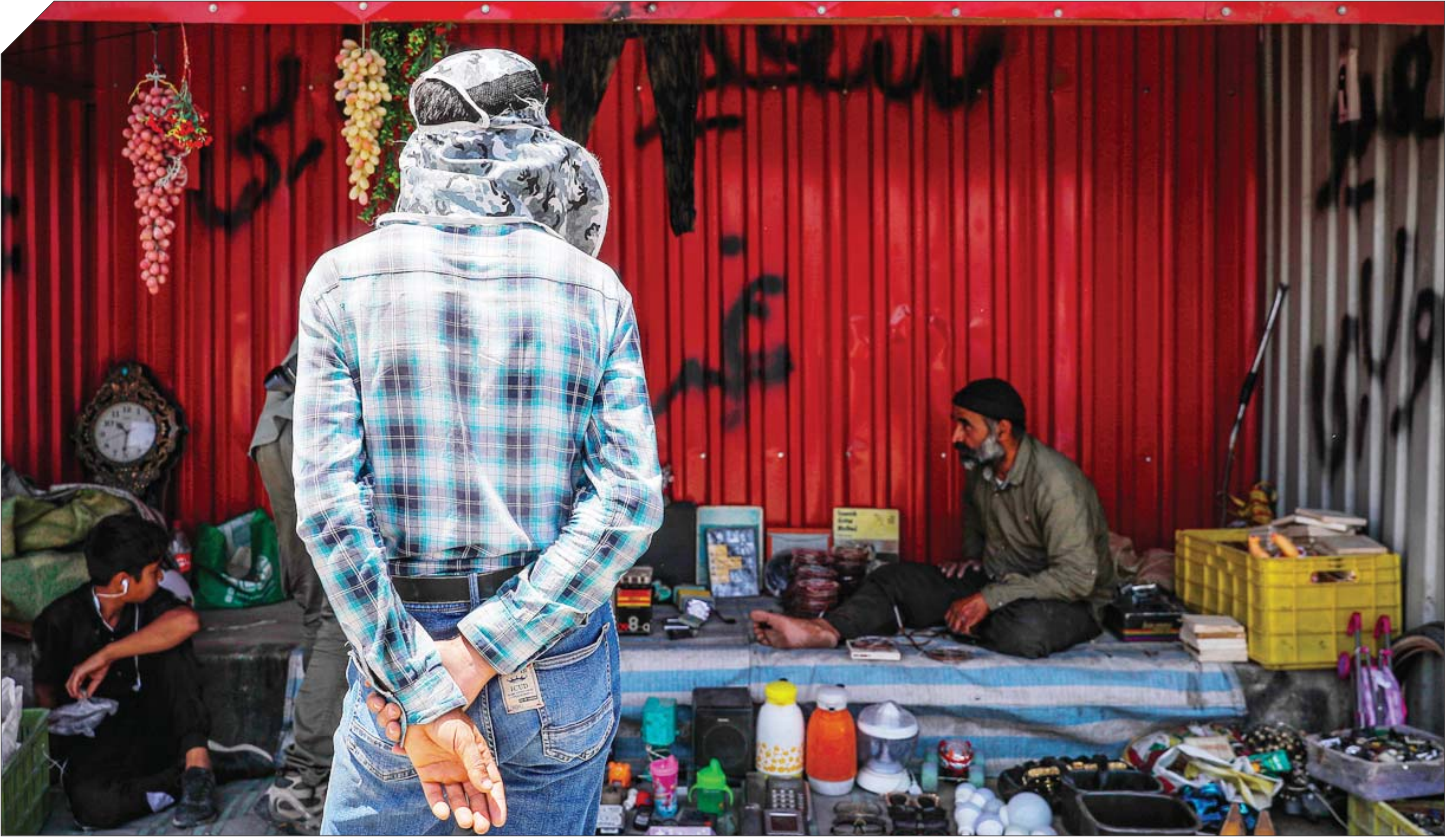
کمی پیش از این، گزیده‌ای از داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ در کتابی با عنوان «خاکستر» با ترجمه مرعشی‌پور منتشر شده بود. مرعشی‌پور پیش از «خاکستر» آثار دیگری از نجیب محفوظ از جمله دو مجموعه‌داستان «خواب» و «جنایت» را به فارسی ترجمه کرده بود. در مجموعه «خاکستر»، او داستان‌های دو مجموعه پیشین را بازنویسی کرده و به‌جز این، پانزده داستان تازه نیز ترجمه کرده است. او می‌گوید: «پیش‌ازاین داستان‌هایی از نجیب محفوظ را به‌صورت پراکنده ترجمه کرده بودم اما دوست داشتم گزیده مفصلی از داستان‌های کوتاه او را در قالب یک کتاب به دست دهم. مثلاً در مجموعه داستان خواب، همان‌طورکه در پیش‌گفتارش هم توضیح داده‌ام، داستان‌ها بر پایه پایان‌نامه‌ای که فرید جورج یارد به دانشگاه سنت ژوزف ارائه داده و موضوع آن بررسی داستان‌های

نیز با زمینه ذهنی و جهان خودش، واقعیت را به تصویر می‌کشد. البته رئالیسم نجیب محفوظ گاه با رؤیا و خیال درهم می‌آمیزد و فضایی سوررئالیستی به خود می‌گیرد، منتهای چنان خواننده را با خود همراه می‌کند که این تغییر فضا به چشم نمی‌آید و در روند داستان اخلاقی ایجاد نمی‌کند. در مجموعه «خاکستری» با اینکه داستان‌ها روایتگر واقع‌گرایانه دارند اما در همین زمینه رئالیستی نیز متفاوت‌اند: گروه نخست داستان‌هایی هستند که عکس‌برداری نویسنده از واقعیت موجود به نظر می‌رسند اما نویسنده واقعیت تلخ و شیرین را با تصاویر هنرمندانه در هم آمیخته و ایده خودش را در خلال ثبت واقعیت مطرح می‌کند، یا به تعبیر درست‌تر، واقعیت داستانی خود را می‌سازد. این مجموعه داستان‌های دیگری هم دارد که رگه‌های طنز آن برجسته‌تر است و دسته سوم نیز داستان‌هایی هستند که اوج رئالیسم خاص نجیب محفوظ را نشان می‌دهد و آنها داستان‌هایی هستند که نویسنده در آنها واقعیت را با رؤیا درهم تلخ و شیرین می‌آمیزد و به‌این‌ترتیب، از بازتاب صرف واقعیت فاصله می‌گیرد. «خاکستری» داستان‌های نمادین هم دارد که شاید خواندن آنها نسبت به دیگر داستان‌ها بیشتر خواننده را درگیر کند. با این اوصاف، نجیب محفوظ در مجموعه‌داستان «خاکستری» با این حد از تنوع داستانی و تمهیدات روایی مختلف، توانایی و تبحر خود را در داستان‌پردازی نشان می‌دهد و ازاین‌رو این مجموعه می‌تواند به‌نوعی آینه تمام‌نمای کار نویسنده‌ای باشد که ادبیات عرب را متحول کرد و جایزه نوبل ادبی را هم به دست آورد.

دیالوگ روز

باغ‌های کندلوس – ایرج کریمی- ۱۳۸۳

آذر (خزر معصومی): زنا زود پیر می‌شن، می‌دونی چرا؟ چون عروسک بازی‌شونم جدیه، رو عمرشون حساب می‌شه. از دوسالگی مادرن. بعد مادر برادرشون می‌شن. بعد مادر شوهرشون می‌شن. باباشون که با به سن می‌ذاره ازشون پرستاری به مادرو می‌خواد. گاهی وقتا حتی مادر مادرشونم می‌شن. من شوهر نکردم؛ ولی مادر مادرم بودم، مادر پدرم بودم، مادر برادرم بودم، تازه به همه اینا بچه‌های به دنیا نیاورده رو هم اضافه کن، مادر اونا هم بودم.



● مراسم افتتاح فاز اول بازار خلازیر بزرگ‌ترین بازار خرید و فروش اجناس دست دوم با حضور جمعی از مسئولان شهری تهران برگزار شد
عکس: علی احمدوند/آنا

خلاقیت‌ها زیر سایه کی‌ی‌برداری نابود می‌شوند

زهرا اکبری*: صنایع خلاق به عنوان یکی از صنایع پرسود فرهنگی و اقتصادی، سهم ویژه‌ای در انتقال ارزش‌های مهم فرهنگی و رونق تولید ملی، ثروت‌آفرینی و اشتغال‌زایی هر کشور ایفا می‌کند. اغلب در مورد چالش‌های صنایع خلاق در کشورهای در حال توسعه، به عواملی چون عدم سرمایه‌گذاری مناسب و ضعف بازاریابی در عرصه داخلی و جهانی اشاره می‌شود، درحالی‌که فقدان ظرفیت نهادی به ویژه در زمینه حفظ و تقویت حقوق مالکیت معنوی نیز، توسعه صنایع خلاق را عمیقاً تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. ضعف نظام مالکیت معنوی، بیش از هر چیز، انگیزه خلق محصول بدیع را در صاحبان آثار فرهنگی هدف قرار می‌دهد. نوآوران، زمانی که از حداقل حمایت‌های قانونی برخوردار نباشند و انتفاع از آفریده فکری خود را مدام در معرض تهدید و کی‌ی‌برداری ببینند، رغبت کمتری برای شرکت در این عرصه می‌یابند. مثال زیر از پژوهش ارگوپک و همکاران [۱]، گویای وجود چنین فضای تهدیدآمیزی است:

اگر برای دریافت بهترین ایده در طول ۹۰ روز جایزه‌ای تعیین شود به احتمال بسیار زیاد اغلب کاربران، ایده‌های خود را از ترس اینکه توسط دیگران کپی شود یا دیگران به‌واسطه آن ایده‌های خود را تقویت کنند، در روز ۸۹ ارائه می‌دهند.

بررسی‌ها حاکی از آن است که کی‌ی‌کردن تمام یا بخشی از ایده‌های خلاقانه صاحبان اثر یکی از چالش‌های عدیده صنایع خلاق و فرهنگی در ایران به‌شمار می‌رود. واقعیتی تلخ که بسیاری از افراد خلاق و نوآور در حوزه صنایع دستی، کتاب، نشر و پی‌نمایی، سینما، مد، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، بازی‌های ویدئویی و سایر عرصه‌های صنایع خلاق با آن مواجه‌اند. استفاده از متون نویسندگان بدون ذکر منبع یا خرید و فروش فیلم‌های سینمایی پیش از اکران یا هم‌زمان با آن، بخشی از دغدغه‌های شناخته‌شده در این حوزه است. بر اساس آخرین گزارش مؤسسه اتحاد حقوق مالکیت، امتیاز ایران در سال ۲۰۲۱، بر اساس شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت IPRI، ۴۰۱۴ (از ۱۰ امتیاز) برآورد شده است. رتبه ایران از بین ۱۲۹ کشور مورد بررسی، ۱۱۴ گزارش شده که ۱۱ پله نسبت به سال ۲۰۱۹ سقوط کرده است.** این آمار نشان از وضعیتی نامساعد ایران در زمینه حفاظت و حمایت از حقوق مالکیت هنرمندان، نویسندگان و متخصصان فرهنگی دارد؛ برابندی از ضعف نهادی و زیرساخت‌های حقوقی در این عرصه است و اهتمام نظام حکمرانی و متولیان اصلی حوزه فرهنگ و هنر را بیش‌ازپیش طلب می‌کند.

مرور ساختار حقوقی نشان می‌دهد اسناد، قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های مرتبط با نظام مالکیت معنوی و فکری در ایران محدود نیست. به عنوان نمونه، ماده ۴۵ قانون برنامه چهارم توسعه، «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» در سال ۱۳۴۸ و برخی مواد و تبصره‌های سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم در سال ۱۴۰۰، نشان‌دهنده توجه نظام قانون‌گذاری به موضوع مالکیت معنوی است. از طرف دیگر، پیوستن ایران به کنوانسیون‌ها و معاهدات در سطح

شبکه‌خوانی

دوری هدیه تهرانی

برای کاربران شبکه‌های اجتماعی این سؤال پیش آمده که چرا هدیه تهرانی صفحه پر مخاطب خود را در یکی از شبکه‌های اجتماعی بسته است. هرچند او ساعاتی پیش از این اتفاق با نوشتن «برای کمی استراحت» اعلام کرد که می‌خواهد مدتی برای فعالیت‌های خود وقت بگذارد و در شبکه‌های اجتماعی کمتر حضور داشته باشد. دوستان او معتقدند دلیل خاصی جز استراحت و کمی دوربودن از فضا برای این بسته‌شدن صفحه وجود ندارد؛ اما اکثر رسانه‌ها مانند خبرآنلاین تحلیل کرده‌اند که هدیه تهرانی، به دنبال حواشی کمپین حمایت از زنان سینماگر آزادبده، صفحه اینستاگرام خود را بسته است. اشاره آنان به حضور هدیه

تهرانی در کمپین نه به پتروشیمی میانکاله است. در چند ماه گذشته، هدیه تهرانی فعالیت‌های مدنی متعددی داشته است. او با حضور در تالاب میانکاله به کارزار مخالفت با احداث پتروشیمی در نزدیکی تالاب میانکاله پیوست. این بازگر سینما با در دست گرفتن تابلوی نه به پتروشیمی میانکاله مخالفت خود را با این طرح غیرقانونی نشان داد. طریحی که اکنون متوقف شده است و فعالان محیط زیست معتقدند یکی از بهترین اتفاقات امسال، متوقف‌شدن ساخت پتروشیمی در این تالاب است. برخی دیگر نیز معتقدند به خاطر کارزار می‌تو



بین‌المللی (نظیر موافقت‌نامه لیسبون، مادرید و...)، گواه وجود چنین قوانین حمایتی فراملی است. پرسش اساسی آن است، با وجود جایگاه نسبتاً مناسب مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران، چرا با تضییع حقوق صاحبان آثار فرهنگی به شکل جدی مواجهیم؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند طیفی از علل گوناگون به‌ویژه از منظر قانونی و سیاسی را شامل شود. تصویب و ابلاغ قوانین و مقررات متعدد در هر زمینه‌ای، لزوماً به‌معنای کارایی آنها نیست. چه‌بسا، وجود قوانین پراکنده، خود پیچیدگی‌هایی بدون لزوم به وجود آورده است. بحث مالکیت فکری و معنوی نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. از طرف دیگر، بخشی از تمهیدات نهادی ضعیف، ناشی از انجام امور موازی و غیرمتمرکز است. مأموریت نهادهای متولی و متعدد امر مالکیت معنوی، به‌روشنی مشخص نیست و از قبل عدم انسجام فعالیت‌ها و هدررفت منابع مالی و انسانی، بیش از هرچیز سردرگمی فعالان فرهنگی حاصل شده است. بیش از ۱۰ نهاد نیز متولی امر سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی مالکیت معنوی در حوزه‌های مختلف صنایع خلاق هستند که به عنوان نمونه می‌توان به اداره کل مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان ملی استاندارد ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و اداره کل امور حقوقی و مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد.

چندراهکار

صنایع خلاق، محل تقاطع هنر، خلاقیت، فرهنگ و فناوری‌اند و بدون شک، توان‌افزایی نوآوران به‌واسطه صیات از حقوق معنوی آنها، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه اقتصاد خلاق ایفا می‌کند. در این نوشتار مشخص شد با وجود تصریح قانونی در زمینه مالکیت معنوی، تورم قوانین و تعدد نهادها، مانع از آن می‌شود تا بستر مساعدی برای تشویق و ترغیب خلاقیت و ایده‌پردازی فراهم شود. در نتیجه، ارزیابی و سنجش قوانین و تقویت نظام اجرایی قوانین کارآمد، می‌تواند اولین گام برای بهبود ناکارآمدی‌ها باشد. پیش از آنکه هر نوع قانون یا سند جدیدی از سوی دستگاه‌ها مصوب و ابلاغ شود و سرمایه‌گذاری‌های مربوطه صورت بگیرد، لازم است سه موضوع بررسی شود: کدام قوانین و مقررات در زمینه مالکیت معنوی، نیازمند تنقیح و شفاف‌سازی‌اند؟ نسبت بین قوانین و اسناد پیشین و به تازگی تنظیم شده چگونه است؟ راهکارهای تقویت اراده سیاسی برای ضمانت اجرایی و اثربخشی قوانین چیست؟ چاره‌اندیشی برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، می‌تواند در تعاملی سازنده بین نهادهای متولی اصلی، مراجع حقوقی و پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌های فعال در کشور صورت بگیرد. متناظر با آن، لازم است شورای‌عالی انقلاب فرهنگی که دارای کارکرد هدایت و هدف‌گذاری در حوزه صنایع خلاق است، به ایجاد مرزهای شفاف در وظایف نهادها، تقسیم‌کار به دور از پیچیدگی و در صورت بررسی دقیق، حذف یا ادغام برخی نهادها، اهتمام ورزد. خلق فضای اعتماد، هدفی ارزشمند و قابل دسترس و لازمه تحقق حکمرانی مطلوب در عرصه صنایع خلاق است. در این صورت و با افزایش کارایی نظام مالکیت معنوی، نوآوران از کل زنجیره ارزش، انتفاع حداکثری کسب می‌کنند و به خلق محصول می‌پردازند.

●**پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه شریف**

●**مجوربان، نجمه؛ سیاوشی، الناز؛ سیاوشی، بهناز (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی صنایع خلاق با رویکرد نوآوری کاربرمحور، فصلنامه رشد فناوری، سال سیزدهم، شماره ۵۰.**

سفر به سرزمین دور

«کارین» در تورفان چین



بهرام‌امیراحمدیان

بر سر راه ابریشم از چین به اروپا، در غرب چین، صحرای تکلهمکان واقع شده که ترسناک‌ترین صحرای جهان است. صحرای تکلهمکان با ۳۳۷ هزار کیلومترمربع مساحت، کمی کوچک‌تر از مساحت آلمان، بخشی از حوضه تاریم است که هزار کیلومتر طول و ۴۰۰ کیلومتر عرض دارد. زمانی در شمال و در لبه جنوبی آن دو شاخه از جاده ابریشم عبور می‌کرد و مسافران به دنبال جلوگیری از گرفتارشدن در این حوزه خشک از حاشیه‌ای عبور می‌کردند. جمهوری خلق چین دو بزرگراه از میان صحرا ساخته است. بزرگراه صحرای تاریم، شهرهای «ختن» (در لبه جنوبی) و «لونتای» (در لبه شمالی) را به هم پیوند می‌دهد و جاده یانگپو که رویکنانگ از بیابان به سمت شرق عبور می‌کند. در سال‌های اخیر، بیابان در برخی مناطق گسترش یافته است، شن‌های آن مزارع و روستاها را بر اثر بیابان‌زایی در بر می‌گیرد. راه‌آهن، «لمدو-کورلا» نیز از تکلهمکان عبور می‌کند. تورفان (تورپان) یکی از ایستگاه‌های مهم جاده ابریشم در غرب چین بوده است. بسیاری از سکونتگاه‌های تورفان، اگر نگوییم همه، توسعه خود را مدیون سیستم باستانی قنات‌های زیرزمینی با همان کاریز هستند که هرگونه آبیاری موجود از نهرها و رودخانه‌ها را تکمیل می‌کند. کاریزها از فرهنگ معماری ایرانی سرچشمه گرفته‌اند، جایی که قنات نامیده می‌شوند. آب برف‌های در حال ذوب را از کوه‌ها می‌کشند و در کانال‌های زیرزمینی می‌برند تا از تبخیر در امان بمانند و به واحه‌ها می‌روند. سیستم آبیاری کاریز که مردم محلی به آن افتخار می‌کنند، امروزه عقب‌مانده و ناکارآمد تلقی می‌شود و در بخش‌هایی از استان تورپان با پمپ‌های برقی جایگزین می‌شود. تخمین زده می‌شود سین‌کیانگ در دهه ۱۹۵۰ بیش از هزارو ۵۰۰ کاریز داشت که از این تعداد بیش از هزارو ۱۰۰ کاریز در تورپان بودند، اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ کمتر از ۶۰۰ حلقه وجود داشت و تعداد بسیار کمی از صنعتگران قادر به ساخت آنها بودند. کاریزهای باقی‌مانده حفاظت می‌شوند، اما فقط به‌عنوان آثار موزه‌ای و کشاورزان محلی اجازه حفر چاه جدیدی در نزدیکی آنها ندارند. من در سال ۲۰۱۵ از این منطقه دیدار داشتم و به شوق دیدار کاریز از ارومچی به تورفان و از آنجا به به سوی شهرک کاریز (Karez) حرکت کردم. مجموعه کاریز یک منطقه گردشگری موزه است و کاریز (نام فارسی قنات که در برخی از نقاط ایران به همین اسم کاریز می‌شناسند) بسیار سرسبز و دیدنی و آباد است. بلیت ورودی موزه ۴۰ یوان بود. در اینجا موزه کاریز در محوطه سرسبز باغی اطراف قنات احداث شده است که از دو بخش بیرونی -با نمایش چاه و دولاپ و چاکن و گاوی که از چاه آب بیرون می‌کشد و حفاری چاه‌های قنات را نشان می‌دهد- و بخش درونی -نمایش برشی از یک قنات در یک سالن حدود ۳۰ متری با نشان‌دادن چاه قنات و سیستم جمع‌آوری آب از چاه مادر تا مظهر قنات- تشکیل شده است. سیستم آبیاری قنات برای تورفان بسیار حیاتی بوده؛ زیرا واحه‌ای برای توقف و تجدید قوا برای کاروان‌های جاده ابریشم بوده است، چون در حاشیه صحرای تکلهمکان قرار داشته که محیطی خشن و غیرقابل‌تحمل بوده است. تورفان شکوه خود را مدیون همین قنات‌هاست که سیستم آبیاری کاریز را پدید آورده‌اند. آب کاریزها حاصل ذوب برف‌ها و آب باران‌هایی است که در فصول بارندگی به ارتفاعات پیرامون این چاله می‌بارد. این آب توسط این سیستم در شیب دامنه‌ها به پایین هدایت می‌شود. تعدادی عکس از بخش‌های مختلف نمایشگاه می‌گیرم. خانمی در نمایشگاه به زبان انگلیسی توضیح می‌دهد. با اشاره به ماکت این قنات، توضیحات مفصلی ارائه می‌دهد. با او به ترکی سخن می‌گویم. زبان ایغوری لغات ترکی زیادی دارد و من متوجه می‌شوم. لغات فارسی بسیاری هم دارد که با الفبای فارسی و دانستن زبان ترکی می‌شود بسیاری از تابلوها را فهمید. وارد محوطه کاریز می‌شوم و از تونل آن بازدید می‌کنم. نمایشگاه در نمایش نحوه عملکرد قنات خوب کار کرده است. در بخش تونل قنات، تابلوهایی نصب شده و از برخی جاها برش‌هایی انجام داده و چراغ‌هایی نصب کرده‌اند که بتوان قنات و عملکرد آن را لمس کرد. در محوطه بیرونی، داربست‌ها دراز و زیبایی از مو بر سر حیاط کشیده شده است. از این محوطه عکس می‌گیرم. بیرون می‌آیم و به سوی مرکز شهر می‌روم. در این منطقه در جیبان اصلی خانه‌های ویلایی با دروازه‌های ورودی بزرگ قرار دارد. در حیاط خانه‌ها داربست مو و زیر آن تخت‌های چوبی مربع به ابعاد حدود ۲/۵ × ۲/۵ متر و به بلندی ۶۰ سانتی‌متر از سطح زمین قرار دارد. روی این تخت با قالی پوشیده می‌شود و بر روی آن یک میز عسلی قرار دارد. افراد خانواده دور این میز می‌نشینند و غذا می‌خورند. روی آن شب‌ها رختخواب می‌گسترند و زیر آیین پرستاره این کویر وحشت می‌خوابند.

ایران‌خوانی

وحدت در عین کثرت



خدایارسعیدوزیری

مدرس دانشگاه

سخن‌گفتن از ایران‌شهر و اندیشه ایران‌شهری و پاسداشت مظاهر تمدن ایرانی از قبیل برگزاری جشن‌هایی مانند نوروز، مهرگان، یلدا و... با گرامیداشت زبان فارسی و شاهکارهای ادبی آن مانند شاهنامه فردوسی، بسیاری از اوقات با دشمنی و سخنان کینه‌ورزانه معاندین فرهنگ ایرانی مواجه می‌شود و این دشمنان ایران‌شهر با زست‌هایی بعضاً حقوق‌بشری از زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به‌مثابه دشمن خرده‌فرهنگ‌های اقوام ایرانی سخن گفته و به نوعی سخن می‌گویند که گویی فرهنگ ایرانی رقیب خرده‌فرهنگ‌های محلی است!

کسانی که در برخی کشورهای همسایه ملجا و ماوا گزیده‌اند که کوچک‌ترین تکثر زبانی و قومی را بر نمی‌تابند و در شبکه‌های ماهواره‌ای می‌گرد برگزار می‌کنند که سیاست‌گذاران آنها جز منافع خود به چیزی نمی‌اندیشند و دنباله‌های داخلی آنان که با پرچم بیگانه به ورزشگاه می‌روند و سنگ‌پرانی می‌کنند! حال آنکه فرهیختگان و نویسندگان خارجی نیز از آثار درخشان ایرانی الگو گرفته و می‌گیرند، چنانکه در یکی از آخرین آنها اورهان پاموک، رمان‌نویس معروف ترکی‌های به سراغ افسانه ایرانی رستم و شهاب رفته و از این افسانه در رمان خود الهام گرفته است. این دروغ‌پردازی‌ها درخصوص القای فاصله میان فرهنگ ایرانی و خرده‌فرهنگ‌ها درحالی است که هزاران سال است که فرهنگ ایرانی در روستاها و شهرهای ایران و درمیان اقوام گوناگون زندگی کرده و به حیات خویش ادامه داده است و نه‌تنها اقوام ایرانی، فرهنگ ایرانی را رقیب ندانسته بلکه اساساً تفکیکی میان فرهنگ خود و فرهنگ ایرانی قائل نبوده و نیستند؛ چراکه حقیقت آن است که وقتی از فرهنگ ایران سخن می‌گوییم، از مراسم و آوازهای محلی مازندران تا جشن‌هایی که از یزد تا تبریز و از کردستان تا قشم برگزار می‌شود، همه را شامل می‌شود. ایران‌شهر متشکل از کاشی‌های رنگارنگی است که در کنار هم نقشی زیبا به نام ایران را با همه فرهنگ و زبان و دستاورد‌های فرهنگی و ادبی آن در طی قرون و اعصار رقم زده است.

ایران‌شهر در دوران هزاران‌ساله‌ای که از حیات آن می‌گذرد و مورد هجوم اقوام گوناگونی از دشمنان قرار گرفته، همواره رمز تداوم حیات خود را در گوشه‌گوشه خاکش از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب در حفظ رسوم و سنت‌های باستانی خویش و خواندن اشعار فارسی شعرای بزرگ ایران یافته است. از پرده‌خوانی داستان‌های شاهنامه در قهوه‌خانه‌ها تا خواندن بوستان و گلستان سعدی در مکتب‌خانه‌ها و از شب‌نشینی‌های یلدا و حافظ‌خوانی در دورترین نقاط ایران‌شهر حتی فراتر از مرزهای فعلی ایران و تا جشن نوروز در جای‌جای مرزهای ایران‌شهر، همگی نشانی از وحدتی عمیق در عین کثرت گویش‌ها و اقوام ساکن در سرزمین ایران‌شهر هستند و این دقیقاً همان نقطه قوت اندیشه و فرهنگ ایران‌شهری است که ضامن بقا و تداوم آن و درعین‌حال متضمن نغلتیدن آن در دامان اندیشه‌های فاشیستی و نژادپرستانه‌ای است که اغلب در کشورهای غربی بروز و ظهور پیدا کرده و منتهی به فجایع گوناگون شده است.

ایران به‌عنوان کشوری که از قلب تاریخ تمدن بشری تا امروز تداومی بی‌نظیر را که نه‌فقط تداوم جغرافیایی بلکه تداومی فرهنگی و اجتماعی را نیز به جهان هدیه داده است، نظیری ندارد و این تداوم مدیون وحدتی درونی است که مانند تعریف سیمرغ افسانه‌ای که متشکل از پرندگانی متکثر و درعین‌حال متحد است. ایرانیان با تکیه بر همین اتحاد و تنوع و به‌صورتی مستمر به‌سوی توسعه تمدنی و زنده نگه‌داشتن اندیشه ایران‌شهری از پی حملات و تهاجمات گوناگون به این سرزمین گام برداشته‌اند. در حقیقت باید گفت سیمرغ افسانه‌ای همان ایران است که متشکل از مردمی متکثر و متحد و جدایی‌ناپذیر است که ریشه‌هایی استوار و چندهزارساله آنان را در مقابل هر توفانی پایدار و محکم نگاه داشته و به آنان قدرت پرواز بخشیده است.

«تفریح»، گمشده شهرهای ایران

علی یگانه نسب، «تفریح»، گمشده برنامهریزی شهری در ایران است. شهرداری‌ها که آن‌قدر بی‌جوابشان کوچک است که توان برنامهریزی اساسی ندارند یا آن‌قدر چالش‌های اولیه بزرگ دارند که هزینه‌های جاری یا عمرانی و ترافیکی بیش از ایجاد فضا و برقراری زیرساخت‌های شهری اولویت دارد. شهروندان در خیلی از شهرهای ایران از یکپناختی و کسالت محیط‌های شهری کلافه می‌کنند و این اتفاق به مدیریت شهرها وارد است که توجه آنها صرفا خرج نگهداشت تداریکی‌های گذشته می‌شود. با این حال رویکردهای نوین در برنامهریزی شهری ایجاد فضاهای فراغتی و تأمین سہیلات تفریح، ورزش، آموزش و هنر برای عموم شهروندان را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و توسعه این فضاها را از عوامل لازم در اعتدالی کیفیت محیط و زندگی شهری محسوب می‌کنی. یکی از این فضاها، شهرهای بزرگ است و تمرکز برخی شهرهای دنیا بر این موضوع به حدی بوده که خود این فضاها عاملی برای جذب گردشگر شده‌اند.

بسیاری از شهرهای‌ها در دل مناطق ویژه گردشگری که آمیزه‌ای از جذابیت‌های مختلف گردشگری، همچون فرهنگی، سرگرمی و امکانات ورزشی تفریحی است، قرار گرفته‌اند؛ مناطقی که نته‌ها یک استراتژی برای جذب توریست و فراهم‌کردن فضای مطلوب‌تر برای ساکنان محلی است. بلکه می‌توانند برای تسهیل تجدید حیات شهری مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

چالش‌های ک با فضاهای کسالت‌آور

کرج یکی از کلان‌شهرهای ایران است که یکپناختی و کسالت وجه غالب فضاهای آن است. شهری که بسیاری از مردم

بیشتر از آنکه در آن بیدار باشند خوابند و از سال‌ها پیش با یک توسعه نامتوازن پذیرای سربیز جمعیت پایتخت شده است. در کلان‌شهرهایی مانند کرج ایمنی فضاهای محلی مورد سؤال جدی بوده و برنامهریزی برای اوقات فراغت شهروندان در مراحل اولیه قرار دارد. به این سبب پرداختن به ایجاد جاذبه گردشگری از طریق شهرهای بزرگ امری غریب است. مریم قهرمانی‌سارم، عضو شورای شهر کرج، با اشاره به این موضوع می‌گوید: مردم ۱۸ استان از کرج عبور می‌کنند و این شهر به عبارتی شاهراه ارتباطی کشور است. اما این جمعیت صرفا از کرج گذر می‌کنند چنین‌ها برای ماندن آنها در شهر نیست. این موضوع در دوره چهارم شورا آسیب‌شناسی شد و تصمیم گرفتیم فضاهای تفرجگاهی شهر را افزایش دهیم. یکی از تحقیقات در این زمینه نشان داد که یاد نامطلوب شرقی به غرب در کرج غالب بوده و مطلوب شمال به جنوب به دلیل رشتن‌هشک‌های البرز کمتر می‌وزد. برای همین حدود ۱۰۰ هکتار در دشت غربی کرج جنگل‌کاری و سعی شده باغستان‌های شهر حفظ شود.

او ادامه می‌دهد: همچواری با پایتخت باعث مهاجریذری کرج و تهدید هویت این شهر شده است. به‌طور مثال در سالی که هستیم با توجه به اجاره‌های مسکن احتمالا سربیز مسافرچای تهران به کرج را داریم و حدود ۱۰ درصد افزایش جمعیت را در این شهر شاهد هستیم. لذا کرج خوابگاه کسانی می‌شود که تهران محل کار آنهاست. بنابراین ایجاد فضای

تفریحی برای این جمعیت نیاز به برنامهریزی جدی دارد.

قهرمانی‌سارم می‌گوید: در تلاشیم تا فضاهای استاندارد برای زندگی مسافر کلان کرج هم مهیا کنیم. متأسفانه نظارت بر اسباب‌بازی پارک‌های محلی کمتر از گذشته شده و در این خصوص شهرداری برای اهتمام بیشتر داشته باشد. برای استانداردسازی این فضاها و ایجاد پارک‌های موضوعی بودجه اختصاص یافته است.

جاذبه‌هایی که گردشگران اسفهان نمی‌نشانند

با این حال نمونه‌های موفق نیز در ایران یافت می‌شود، شهرهایی که توانسته‌اند در کنار داشته‌های قبلی خود، فضاهای تفرجگاهی و گردشگرییز ایجاد کنند. عباس حاج‌رسولی‌ها، عضو شورای شهر اسفهان می‌گوید: سال‌ها پیش در کلان‌شهر اسفهان تنها دو پارک اسباب‌بازی وجود داشت که پاسخ‌گو نیازهای جمعیت اسفهان نبود و جا داشت با برنده اسفهان شرایطی ایجاد کرد که همه از اتفاق‌ کند، از این‌رو شهرداری حدود ۱۰ سال پیش قراردادی را با یک شرکت چینی انعقاد کرد که در آن مقرر شد زمین آن را شهرداری اختصاص داده و شرکت چینی نیز برای ایجاد یک شهرهای بزرگ، این فضا را تجهیز کند. او اضافه می‌کند: این موضوع در قالب یک پروژه با چینی‌ها و به عنوان اولین پروژه به‌صورت مشارکتی آغاز شد. گفتنی است که این حرکت آغاز پروژه‌های مشارکتی بود و در یک‌ه بعدی کارپروم تاروان نیز با پشتیبانی یک شرکت ترکیه‌ای اجرا شد با برای ایجاد شهرهای این نیز در همان سال‌ها حمایت شد.

او با تأکید بر اینکه فضاهای ساختی و تفریحی اسفهان در دو سال گذشته به‌خاطر شیوع کرونا آسیب جدی دیده ادامه می‌دهد: شهرداری در این خصوص به‌صورت مقطعی از اداره استاندارد اخذ می‌شود. بر اساس قرارداد ۱۰ساله، بخشی از بهره‌برداری از این اماکن به طرف چینی داده می‌شود.

این عضو شورا یکی از انتقادهای به اماکن تفریحی اسفهان را در زمینه اطلاع‌رسانی داشت که همین امر باعث می‌شود مسوولان، بخشی از اثباتی‌ترین مراکز گردشگری اسفهان، یعنی فضاهای مختلف پذیرا می‌شود اما مردم ایران حتی پایتخت نیز از چنین امکاناتی محروم هستند.

تهران به‌شدت از فقر شهرهای رنج می‌برد
کارشناسان شهری می‌گویند شهر تهران به‌شدت از فقر شهرهای رنج می‌برد و پایتخت تنها یک شهرهای با تجهیزات قدیمی دارد. به گفته کارشناسان شهری، در دنیا مسولیت ساخت مکان‌های تفریحی مانند شهرهای‌ها بر عهده دولت‌های محلی (شهرداری‌ها) است، با این تفاوت که در آن شهرها، مدیریت واحد شهری سال‌هاست اجرایی شده و مسولیت ساخت فضاهای همراه با اعتبار مورد نیاز به شهرداری‌ها واگذار شده است. به اعتقاد برخی از کارشناسان شهری، با وجود نیاز تهران به مراکز تفریحی مانند شهرهای در سال‌های گذشته، احداث این نوع مراکز صرفا بر اساس جهت‌گیری فردی شتاب گرفته با متوقف شده است. این در حالی است که ایجاد این نوع مراکز از نیازهای اصلی شهروندان تهرانی است. شهروندانی که وقت زیادی را در ترافیک و لوگدی هوا سیری می‌کنند نیاز به ایجاد فضاهای تفریحی و فضای شهری با شاطره‌ری دارند.

برخی کمبود فضاهای تفریحی در شهر تهران را حاصل تمرکز بیش از حد مدیریت شهری تهران بر تشویق سرمایه‌گذاران به احداث انواع برج‌های ساختمانی و مجتمع‌های تفریحی می‌دانند که در عمل باعث شده فرصتی برای فکرکردن و برنامهریزی نسبت به نیازهای تفریحی و گردشگری پایتخت برای مدیران به وجود نیاید. آنها، ایده‌آباد و معتقدند نباید منابع مالی اصلی تهران به‌طور مستقیم صرف این نوع پروژه‌ها که در آن دلیل سودآوری بخش خصوصی ملاحظه‌مند به سرمایه‌گذاری در آن است، شود. شهرداری تهران برای احداث مراکز تفریحی و گردشگری می‌تواند از محل واگذاری زمین‌های ذخیره و تخفیف بر عوارض پروانه سرمایه‌گذار، جذب کند.

درک خانواده‌ها از تفریح چیست؟

محمدمهدی‌یادبی، طراح شهری، درخواستی اینکه چرا شهرهای‌ها جدید در ایران ساخته نمی‌شود، می‌گوید: فضاهای شهری ما تبلور عوامل اقتصادی اجتماعی و سیاسی هستند. ساده‌انگارانه است اگر تصور کنیم بود فضایی مانند شهرهای در کلان‌شهرهای فقط یک دو دلیل داشته باشد. باید برای پاسخ به این سؤال بهتر باشد ابتدا به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه خانواده ایرانی در عدم فعالیت‌های تفریحی به‌هزینه می‌کند یا اصلا در درک خانواده‌های ما از تفریح چیست؟

می‌دهد: همین امر باعث شده بود توسعه این فضاها متوقف شود، چون حتی هزینه جرایم آنها نیز به دلیل محدودیت‌های گزواتی پاسخ داده نمی‌شد. اما با ریکشن شرایط به حالت گذشته گشته و برنامه در ذهن داریم که به تدریج با مشارکت بخش خصوصی اجرا خواهیم کرد. حاج‌رسولی‌ها از ایجاد شبکهای از اماکن تفریحی در اسفهان خبر داده و می‌گوید: در صفا و نیازوان امکانات خوبی ایجاد شده که باعث ماندگاری بیشتر گردشگران می‌شود. بولینگ، تله‌کابین و تله‌سیز شهرهای اکنون در اختیار شهروندان و گردشگران است و در آینده توسعه پیدا خواهد کرد، به‌طور مثال خط دو تله‌کابین صفا به همراهی وزارت میراث فرهنگی به شاهدز بالای صفا متصل می‌شود که یک جاذبه تفریحی جدید است.

حاج‌رسولی‌ها به دقت اداره استاندارد درخواستی اماکن تفریحی شهر اسفهان اشاره و اضافه می‌کند: اسباب‌بازی‌ها و اماکن تفریحی اسفهان میراث نظر ثابت شده و مجوزها به‌صورت مقطعی از اداره استاندارد اخذ می‌شود. بر اساس قرارداد ۱۰ساله، بخشی از بهره‌برداری از این اماکن به طرف چینی داده می‌شود.

این عضو شورا یکی از انتقادهای به اماکن تفریحی اسفهان را در زمینه اطلاع‌رسانی داشت که همین امر باعث می‌شود اغلب گردشگران به بازدید از فضاهای تاریخی اسفهان بسنده کنند. او می‌افزاید: سعی می‌د این ضعف در نوروز ۱۴۰۱ با راهاندازی یک اپلیکیشن تا حدی جواب داده شود. گردشگران به‌راحتی می‌توانستند مراکز تفریحی و اقامتی را پیدا کنند که همین اقدام باعث افزایش استفاده گردشگران از اماکن تفریحی در نوروز امسال شده بود و اگر این فرآیند ادامه داشته باشد، رنجر در این مجتمع، در سال ۹۱ یک کشتی و پنج مجروح و در سال ۹۲ نیز یک کشتی و سه مجروح به‌جا گذاشت. حتی

با افزایش رفاه‌مندی گردشگران می‌توان رونق بیشتری را در این نقاط از شهر شاهد بود.

کلان‌رویه‌های تخیل شوراویل

حسب حقیقی عضو شورای شهر اردبیل نیز یک تجربه موفق دیگر می‌گوید که این‌بار در شمال غرب ایران اتفاق افتاده است. تبدیل منطقه گردشگری شوراویل به نقطه تفریحی شهر اردبیل، او را این خصوص ادامه می‌دهد: دریاچه‌ای به قطر ۱۰۰هکتار امکانات خوبی ایجاد شده که باعث ماندگاری بیشتر گردشگران می‌شود. بولینگ، تله‌کابین و تله‌سیز شهرهای اکنون در اختیار شهروندان و گردشگران است و در آینده توسعه پیدا خواهد کرد، به‌طور مثال خط دو تله‌کابین صفا به همراهی وزارت میراث فرهنگی به شاهدز بالای صفا متصل می‌شود که یک جاذبه تفریحی جدید است.

او با اشاره به شهرهای بزرگ شوراویل ادامه می‌دهد: تأکید شورای شهر اسفهان استفاده از وسایل به‌روز بوده و با کسانیکه وسایل فرسوده استفاده می‌کنند، ابتدا تذکر دادیم و سپس برخورد قانونی کردیم. بعد می‌دانم شهرهای در شهرهای ه‌جزاز اردبیل با این کیفیت و وسعت وجود داشته باشد. به این سبب تلاش کردیم از این فضا به بهترین شکل برای جذب گردشگر استفاده کنیم. از ابتدای بنا تا امروزه اوج حضور گردشگران در منطقه است و در فصل سرد سال نیز رویاردها و اغلب گردشگران به بازدید از فضاهای تاریخی اسفهان بسنده کنند. او می‌افزاید: سعی می‌د این ضعف در نوروز ۱۴۰۱ با خاطرات تلخ خود ۹۰۰ دو حادثه‌ای که در شهرهای رخ داد، هنوز از ذهن مردم اردبیل کز نشده است. شگفته‌شد مسکنا رنجر در این مجتمع، در سال ۹۱ یک کشتی و پنج مجروح و در سال ۹۲ نیز یک کشتی و سه مجروح به‌جا گذاشت. حتی

او ادامه می‌دهد: ما جامعه‌ای در حال گذار هستیم؛ گذار از جامعه سنتی درون‌گرا به سمت جامعه مدرن بیرون‌گرا. تفریح شهرهای جز، نمونه تفریحات مدرن است. بعد از پیشرفت تکنولوژی در جامع صنعتی این تمیم این تجهیزات را همه از سرمایه‌گذاری این حوزه بلندمدت است و تحریم‌ها و محدودیت‌های خارجی عمدا این اجازه را برای احداث این بخش در پوسان زندگی به ما نداد.

او به ایجاد شهرهای‌های کوچک با تجهیزات معمولی اشاره می‌کد که معمول شرکت‌های بزرگانی واردکننده این تجهیزات خودشان پشتیبانی فنی را هم انجام می‌دهند. از کشورها واسطه تجهیزات دست‌مزد وارد کرده یا به دلیل تعامالتی که با شرکت‌های تحریرات چینی را خریداری می‌کنند. اما برای خرید وسایل تفریحی و سرگرمی سسنگین که ستانهای محلی هستند چار محدودیت بودیم؛ زیرا در این حوزه که ایمنی و حافا هزاران نفر مطرح است، حتما به خدمات پشتیبانی از سوی شرکت فروشنده نیاز است که همه ساهل تحریرها، مسکن‌تر می‌شد. این شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری و همکاری عقیشتمنی می‌کردند؛ زیرا در این حوزه چندم‌اندز تعاملات دست‌کم ۲۰ تا ۳۰ساله است، ساعداتی ادامه می‌دهد: به تدریج جامعه شهروندی ما هم که سال‌ها از داشتن

شهرهای تفریحی محروم بود آن را از سبب تفریحات خود خرد کرد و از نظر ذهنی نیز با این فضاها داشتن شهرهای مانند لندن و ام پاک شد. ما که تجربه رفتن به این شهرهای‌ها را داریم نمونه خود آن هستیم اما سؤل جدید تحریرهای از این نوع شهرهای‌ها ندارد. او وقوع حوادث در شهرهای‌های فرسوده‌گونی را بر یکی از دلایل دیگر می‌ریشنی خوانده‌اند، به‌خصوص در حضور این نوع شهرهای‌های تفریحی می‌دیدیم که این مسئله فقط به مجاری و کانپیزی در سال‌های اخیر را جایگزین برای جران نبود. شهرهای‌های حقیقی می‌دانند و می‌گویند: نسل جدید عمده وقت خود را با بازی‌های کانپیزی و شبکهای در تلفن همراه و لپ‌تاپ می‌گذرانند و شاید یکی از عوامل اینکه این مسئله شهرهای ندارد همین موضوع است.

شهرهای تفریحی در این محلات خیلی خوب بودند و در اعیان، رجال و نظامیان سرمایه‌گذاری در این حوزه و بازی‌های کانپیزی را یک جایگزین تفریحات واقعی و فیزیکی شهروندان شده. سبب ایلی می‌داند که دیگر شهرهای‌ها نسل‌ها گذشته در کوهی ایجاد نشدند. او شهرهای‌های کوچک‌ی را که در بازسازها و مال‌ها ایجاد شده، نه به هدف اصلی عمده ساعداتی، شهردار سابق می‌داند ۱۲، به موضوع تفریح از سبب شهروندان که در آن سرگرم شوند پدر و مادرها با فرآغ‌بال بیشتر خرید کنند و نیت اصلی شهر بیشتر است تا نگاه تفریحی.

احداث شهرهای نیازمند یک فرهنگ است

اما مدیران جدید شهر تهران درخواستی فقر شهرهای چن می‌گویند؟ علیرضا نادعلی سخنگوی شورای شهر تهران می‌گوید: در حلمات و نشست‌هایی که با عضنی از دوستان مدیر در شهرداری تهران داشتیم، بارها پدیده‌ام به احداث شهرهای فکر می‌کنند. آنها چنین تفریح دارند و این ادفعه‌ها می‌آنهاست. ازجمله سازمان توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران این موضوع را دنبال می‌کند. مسئولان شهر آفتاب نیز به دنبال ایجاد چنین فضایی در این مجموعه هستند. اما به نظر می‌آید برای تحقق این نیاز به یک همت و خواست سطح بالاتری داریم و شهردار تهران این موضوع برایش ندفعه شود و مطالبه اعضای شورای شهر تهران نیز می‌تواند مؤثر باشد. به‌ویژه کمپسیون فرهنگی شورای شهر تهران.

وی ادامه می‌دهد: احداث یک شهرهای در تهران نیاز به سرمایه‌گذار دارد و از این مواردی است که به‌راحتی هزینه‌ای که برای آن صرف می‌شود بازمی‌گردد و هم سرمایه‌گذار خصوصی از آن استقبال می‌کند و هم نهادهای عمومی می‌تواند با دستگاه‌های صاحب سرمایه این اتفاق بیفتد و شهرداری تهران با و شرکت کند یا سرمایه‌گذار بخش خصوصی می‌دوایه یک اتفاق کلان‌های می‌دهد.

و مجموعه‌ای در شان پایتخت جمهوری اسلامی به عنوان یک شهرهای ایمن با سطح استاندارد بالا تشکیل شود و به‌ویژه جهات فرهنگی آن هم متفاوت با مکان‌هایی باشد که در حال حاضر وجود دارد. ایجاد چنین شهرهای‌ای می‌تواند تبدیل به یکی از جاذبه‌های گردشگری در تهران شود.

کارشناسان عقیده دارند با توجه به رشد جمعیت تهران، توسعه پایتخت و حضور نسل نو که به‌ویژه لزوم توجه به تفریح جمعی و خانوادگی در فضاهای باز شهری، نیاز تهران به یک شهرهای مدرن ضروری‌تر است. ضمن آنکه احداث یک شهرهای تهران می‌تواند در بعد جهانی نیز مورد توجه قرار گیرد، چنان‌که امروز احداث یک برج مخاریانی مدرن در اندازه‌های جهانی (مثل برج میلاد) به یکی از وجوه توریستی و جذاب پایتخت ایران بدل شده است.

به تبعیت از گذر گردشگری‌سی‌تیر و باهمایون ایجاد شد. خیابان‌هایی که به نظر می‌رسد اول بار در کشورها آسیایی مانند هند و ترکیه ایجاد شدند و غذاهای آنها تا سال‌های اولیه قرن ۲۱ پیش از دو و نیم میلیارد طرفدار داشت.

شهرهای‌ها، دولت‌گردانند

بسیاری از کارشناسان اجتماعی، شادای و تفریح در شهر را دو عبارت هم‌سنگ بگنجد می‌دانند. شهر، شاد شاختی بود که سازمان ملل آن تونین کرده و وضعیت شادی در شهرها را بر اساس وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان رتبه‌بندی می‌کند. سال ۲۰۱۸ ایران در بین ۱۵۶ کشور در جایگاه ۱۰۶-ام است. به عقیده یک کارشناس برنامهریزی شهری، یکی از راههای ایجاد شاد و دای در شهر، گسترش اماکن تفریحی مانند کافه

به یکی از خبرگزاری‌ها گفته بود: «چوآن حقیقتا هیچ فضایی دیگری برای گذران خیابان‌های شهری سرنزه با رویکرد شهر شاد، منتشر شد. نویسندگان آن تأکید داشتند خیابان‌های شاد پذیرای مردم است و مملو است از قلمروهای خصوصی و عمومی و مکان‌های تجمع و باتوق‌هایی که با جزئیات طراحی و رنگ‌آمیزی شده‌اند، اماکنی که نظیر آنها هرچند در سال‌های اخیر دست‌کم در نواحی جنوبی پایتخت ایجاد شده،

در این خصوص می‌گویند: این خاطرات تلخ را همه به یاد داریم اما اکنون با تأکید بشوروا تا استاندارد لازم اخذ نشود، اجازه بهره‌برداری را نمی‌دهیم. به‌طور مثال زیپ‌لاین شوراویل در سال اول استاندارد لازم را داشت اما در سال دوم چون نتوانست مجوز قانونی را کسب کند، هنوز اجازه فعالیت پیدا نکرده است.

او اضافه می‌کند: در این خصوص تعارفی با سرمایه‌گذار نداریم. در واقع ما می‌توانستیم روی این موضوع چشم پوشیم و کسب درآمد کنیم اما زیپ‌لاین به دلیل ایمن‌بودن از سه ماه پیش تعطیل شده و عملیات استانداردسازی آن در حال شده است. رینگ دوچرخه‌سواری، پارک‌های موضوعی و فضاهایی برای برگزاری رویدادها در این منطقه ایجاد شده است. اعتبارات اختصاص یافته به آن در شان مردم و گردشگران باشد. جلوی مجوزهای خاص‌سواست که به مرحله اجرا رسیده بود، گرفته شده تا آینده شوراویل دچار چالش نشود که همین موضوع یعنی شمشیری شهرداری از درآمدهای زائد ناشی از خاص‌سواست باعث شد بخشی از طرح‌های شوراویل به مرحله اجرا نرسد. وضعیت اقتصادی شهرداری چندان مناسب نیست و در این خصوص دنبال سرمایه‌گذاری‌های هستیم که بتوانند برای توسعه شهرهای کمک کنند.

شاید پیش‌بینی‌هایی منافع گردشگری در کلان‌شهرها بتوانند بستری برای توسعه فضاهای تفریحی و در نتیجه آن جذب بالای گردشگر باشد. به این سبب مدیریت شهری در کشور می‌تواند در راستای تحقق درآمدهای پایدار، ناگهی جدی به این حوزه داشته باشد.

پیداداشت

تهران، توسعه و شهرهای‌ها



اکبر یوحانیم به کمی قضت‌ر از احداث شهرهای‌ها در تهران پرداخته، باید به فضاهایی که به نام پارک ساخته شده و بیشتر املاک شخصی بوده، اشاره کنیم. از کار پارک امین‌الدوله در دوره قاجار عبور می‌کنیم و کمی بعدتر از آن، به باغ ملی می‌رسیم. اولین پارکی که در تهران ساخته شد و بعد از مدتی، با تغییر سیاست‌های دولت وقت پهلوسی، تصمیم می‌گیرند بعضی از آن، فضاهای دولتی (مثل وزارت امور خارجه) در آنجا مستقر شود و به تبع آن، هویت اولین پارک تهران از بین می‌رود. اما اولین پارک عمومی تهران که تا امروز به باقی مانده، پارک شهر بوده که در سال ۱۳۲۹ در خره‌های‌ها محله سنگلج افتتاح می‌شود و اولین دستکانه‌های بازی در آنجا، تالکانه، تاب، سرسره و بعدها وسایل آکروبات، تئاترآرایی ... در فضهای از پارک شهر قرار می‌گیرد که به‌نوعی در آن زمان، پایگذار حرکتی جدید بود اما مختصات شهرهای به معنای امروزی نداشت.

یک دهه پس از آن، در محله امیریه تهران که در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم از محلات خیلی خوب بودند و در اعیان، رجال و نظامیان سرمایه‌گذاری در این حوزه و بازی‌های کانپیزی را یک جایگزین تفریحات واقعی و فیزیکی شهروندان شده. سبب ایلی می‌داند که دیگر شهرهای‌ها نسل‌ها گذشته در کوهی ایجاد نشدند. او شهرهای‌های کوچک‌ی را که در بازسازها و مال‌ها ایجاد شده، نه به هدف اصلی عمده ساعداتی، شهردار سابق می‌داند ۱۲، به موضوع تفریح از سبب شهروندان که در آن سرگرم شوند پدر و مادرها با فرآغ‌بال بیشتر خرید کنند و نیت اصلی شهر بیشتر است تا نگاه تفریحی.

احداث شهرهای نیازمند یک فرهنگ است

اما مدیران جدید شهر تهران درخواستی فقر شهرهای چن می‌گویند؟ علیرضا نادعلی سخنگوی شورای شهر تهران می‌گوید: در حلمات و نشست‌هایی که با عضنی از دوستان مدیر در شهرداری تهران داشتیم، بارها پدیده‌ام به احداث شهرهای فکر می‌کنند. آنها چنین تفریح دارند و این ادفعه‌ها می‌آنهاست. ازجمله سازمان توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران این موضوع را دنبال می‌کند. مسئولان شهر آفتاب نیز به دنبال ایجاد چنین فضایی در این مجموعه هستند. اما به نظر می‌آید برای تحقق این نیاز به یک همت و خواست سطح بالاتری داریم و شهردار تهران این موضوع برایش ندفعه شود و مطالبه اعضای شورای شهر تهران نیز می‌تواند مؤثر باشد. به‌ویژه کمپسیون فرهنگی شورای شهر تهران.

وی ادامه می‌دهد: احداث یک شهرهای در تهران نیاز به سرمایه‌گذار دارد و از این مواردی است که به‌راحتی هزینه‌ای که برای آن صرف می‌شود بازمی‌گردد و هم سرمایه‌گذار خصوصی از آن استقبال می‌کند و هم نهادهای عمومی می‌تواند با دستگاه‌های صاحب سرمایه این اتفاق بیفتد و شهرداری تهران با و شرکت کند یا سرمایه‌گذار بخش خصوصی می‌دوایه یک اتفاق کلان‌های می‌دهد.

و مجموعه‌ای در شان پایتخت جمهوری اسلامی به عنوان یک شهرهای ایمن با سطح استاندارد بالا تشکیل شود و به‌ویژه جهات فرهنگی آن هم متفاوت با مکان‌هایی باشد که در حال حاضر وجود دارد. ایجاد چنین شهرهای‌ای می‌تواند تبدیل به یکی از جاذبه‌های گردشگری در تهران شود.

کارشناسان عقیده دارند با توجه به رشد جمعیت تهران، توسعه پایتخت و حضور نسل نو که به‌ویژه لزوم توجه به تفریح جمعی و خانوادگی در فضاهای باز شهری، نیاز تهران به یک شهرهای مدرن ضروری‌تر است. ضمن آنکه احداث یک شهرهای تهران می‌تواند در بعد جهانی نیز مورد توجه قرار گیرد، چنان‌که امروز احداث یک برج مخاریانی مدرن در اندازه‌های جهانی (مثل برج میلاد) به یکی از وجوه توریستی و جذاب پایتخت ایران بدل شده است.

به تبعیت از گذر گردشگری‌سی‌تیر و باهمایون ایجاد شد. خیابان‌هایی که به نظر می‌رسد اول بار در کشورها آسیایی مانند هند و ترکیه ایجاد شدند و غذاهای آنها تا سال‌های اولیه قرن ۲۱ پیش از دو و نیم میلیارد طرفدار داشت.

شهرهای‌ها، دولت‌گردانند

بسیاری از کارشناسان اجتماعی، شادای و تفریح در شهر را دو عبارت هم‌سنگ بگنجد می‌دانند. شهر، شاد شاختی بود که سازمان ملل آن تونین کرده و وضعیت شادی در شهرها را بر اساس وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان رتبه‌بندی می‌کند. سال ۲۰۱۸ ایران در بین ۱۵۶ کشور در جایگاه ۱۰۶-ام است. به عقیده یک کارشناس برنامهریزی شهری، یکی از راههای ایجاد شاد و دای در شهر، گسترش اماکن تفریحی مانند کافه

به یکی از خبرگزاری‌ها گفته بود: «چوآن حقیقتا هیچ فضایی دیگری برای گذران خیابان‌های شهری سرنزه با رویکرد شهر شاد، منتشر شد. نویسندگان آن تأکید داشتند خیابان‌های شاد پذیرای مردم است و مملو است از قلمروهای خصوصی و عمومی و مکان‌های تجمع و باتوق‌هایی که با جزئیات طراحی و رنگ‌آمیزی شده‌اند، اماکنی که نظیر آنها هرچند در سال‌های اخیر دست‌کم در نواحی جنوبی پایتخت ایجاد شده،

یکی از دستکانه‌های بازی سقوط کرد و سه‌متر دهنر جوان از جنبی پایان دانشگاهش،

و بلنچررتشینی داشتی. دمن در سال‌های بعدی دهه ۹۰۰ حوادث مربوط به شهرهای فرهنگی، تماشای فیلم و تئاتر، کافه‌گردی و پاساگردی، بازدید از پارک‌های تفریحی و شهرهای ختم می‌شود. تفریحاتی که شهروندان عموما برای استفاده از آنها باید هزینه‌ای بپردازند.

شهرهای‌های تانافی
بیابیه گشت‌وگذارمان از اول از شهرهای آغاز کنیم. مجموعه‌های پرطرفدار میان کودکان که این روزها در کمتر شهری نمونه تازهای از آن را مشاهده می‌کنیم، یکی از

علل کمبود آن در کلان‌شهرها را شاید بتوان در حوادثی دانست که هرازدندگاهی در کشور رسانه‌ای می‌شود. هرچند فرایند استاندارد تجهیزات شهرداری در ایران از میانه دهه ۸۰ آغاز شد و سرانجام سال ۸۷ اجرای مصوبات آن اجباری شد. اما حوادث ناگوار و شهرهای‌ها تمام نشدند.

یکی از تلخ‌ترین این اتفاقات مربوط به سال ۹۲ است؛ وقتی دختری جوان به مناسبیت جشن فارغ‌التحصیلی‌اش همراه با دوستانش به پارک ار رقم رفته بود و کابین

مینابکین جهانی.

اما تفریح‌های دور از خانه برای خانواده‌های ایرانی عموما به بازدید از اماکن تفریحی، تماشای فیلم و تئاتر، کافه‌گردی و پاساگردی، بازدید از پارک‌های تفریحی و شهرهای ختم می‌شود. تفریحاتی که شهروندان عموما برای استفاده از آنها باید هزینه‌ای بپردازند.

یکی از دلایل بی‌محبوبیت استفاده و احداث شهرهای‌ها احتمالا به دلیل حوادث و شهرهای‌ها وجود ندارد و گاهی تجهیزات از زمین بازی در یک پارک باعث صدمه به کودکان می‌شود که همین مسئله باعث به خطر افتادن امنیت کودکان می‌شود. او عامل دیگری که سبب کاهش ساخت شهرهای‌های تازه در کلان‌شهرها شده، کمبود سرمایه‌گذار و پیمانکار در این حوزه می‌داند که آن هم احتمالا ریشه در نگاه حاکم در شهرداری دارد.

اما مدتی پیش یک شهروسان در گفتگو با ایما اندا کرد احداث‌شدن شهرهای‌های مناسبیت جشن فارغ‌التحصیلی‌اش همراه با دوستانش به پارک ار رقم رفته بود و کابین



غریبگی با تفریح

کجا برویم؟

سوکال دانایی، کم‌کم کسی پیدا می‌شود در جواب «کجا برویم برای خوش گذرانی و تفریح، پاسخ متفاوت و خلافت‌انرا می‌استین داشته باشند. بدین عامل سوزناک، جغرافیای محل سکونت و وضعیت مالی است که می‌تواند اندکی محدودده پاسخ به سؤالات را تغییر دهد. کافه و رستوران، پارک، سینما و تئاتر و موزه و فضای فضا طبیعی اطراف شهرها و اندک شهرهای‌های استاندارد احتمالا تنها گزینه‌های موجود روی میز برای تفریح باشند. همین سبب‌ها یک گزاره احتمالی آشنا در توصیف شهرهای ایرانی به ذهن متبادر می‌کند: «شهرهایی که احتمالا با تفریح غریبه‌اند، اما این گزاره جعفر صبیح است؟»

ایرانی‌ها حدود چهار ساعت از زمان خود در شهرها و باز به گذراندن اوقات فراغت اختصاص می‌دهند. بازدید از مکان‌های فرهنگی، تفریحی و حتی ورزشی، پارک‌ها و ورزش‌های گروهی ازجمله فعالیت‌هایی است که مرکز آمار ایران آنها را در رده تفریحات و گذران اوقات فراغت برشمرده است. بر اساس آخرین آمارگیری که در بازه زمان پاییز سال ۹۸ تا ۹۹تیر ۹۹ صورت گرفته است، ایرانیان به‌طور متوسط در طول شهربازر چهار ساعت و ۱۹ دقیقه تفریح می‌کنند؛ یعنی حدود یک ساعت کمتر از